

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

# بیکار

۲۸ صفحه

۸۱

سال دوم - دوشنبه ۲۶ آبان ۱۳۵۹ بهای ۳۰ ریال

## در صفحات دیگر این شماره:

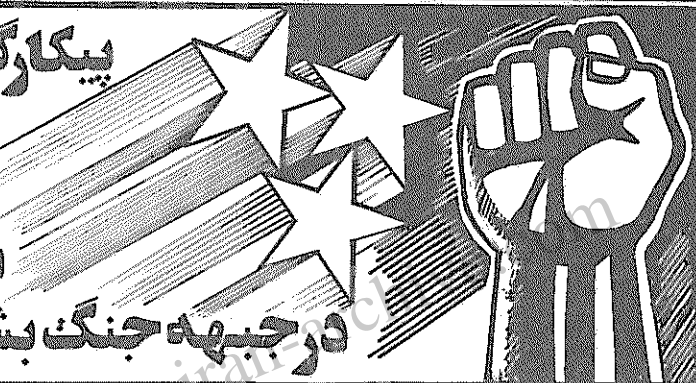
- زندانیهای شاه هم کفاف رژیم جمهوری اسلامی را نمیدهد! صفحه ۲۱
- توطئه و خرابکاری بعثیها علیه جنبش های انقلابی خلقهای منطقه صفحه ۱۴
- مصاحبه با رفقا حسین رو حانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۱۰) صفحه ۱۶
- با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۱۲) صفحه ۶
- پاسخ به نامه ها صفحه ۱۸

## اجتماع کارکنان پالایشگاه و پتروشیمی آبادان آغاز جنبش اعتراضی در مناطق جنگ زده

۷ صفحه

**بیکارگران شهید رفقا:  
حسین نورائی،  
غلام سقاط،  
بهرام شاهوران  
در جبهه جنگ بشهادت رسیدند**

۲۸ و ۲۳ صفحه



## مقاله

### جنگ، گرانی و جنبش توده ها

بحران اقتصادی در زمان رژیم مزدور شاه که نتیجه حاکمیت سرمایه داری وابسته بود، در دوران رژیم جمهوری اسلامی ادامه پیدا کرده و ابعاد جدیدی بخود گرفت. رشد بیسابقه گرانی افزایش بیکاری، شکاف با زهم بیشتر واردات و صادرات بنفع ورود کالاها - امپریالیستی تشدید استثمار و فقر توده ها، همه و همه نشانه های تعمیق بیشتر بحران اقتصادی بود جنگ ایران و عراق این بحران را ابعاد وحشتناکی بخشید. تخریب یکسری از مراکز صنعتی و اقتصادی بویژه صنایع نفتی، قطع درآمد گسترده نفت و نابودی مهمات جنگی بحران اقتصاد را بدست رژیم رابه نحو بیسابقه ای گسترده نمود و این امر در شرایطی بود که رژیم جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ، محتاج تامین بودجه نظامی و منابع مالی جهت خرید اسلحه های امپریالیستی می باشد. بقیه در صفحه ۲

**روستای ایندرفاش: قارنا و قه لاتانی دیگر  
قتل عام فجیع اهالی روستای ایندرفاش**

۵ صفحه

## مجاهدین خلق و جنگ

**بیانیه مجاهدین در رابطه با تجاوز عراق  
بازهم تزلزل در مقابل انقلاب**

۹ صفحه

**رهنمود به جوانان ایران:  
درباره فلاکت جنگ و جنبش توده های**

۲۷ صفحه

**جنگ عادلانه چیست؟**

۱۳ صفحه

**دو شهری که ضد انقلاب  
حکومت میکند  
قطب زاده  
" مبارز " کهنه کار از آب  
در میآید! صفحه ۱۲**

**مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران**

**جنگ،  
افزایش قیمت ها و  
گرسنگی هر چه بیشتر  
زحمتکشان**

تحتی و گرسنگی و فلاکت ناشی از جنگ برای زحمتکشان ما از هم اکنون بوضوح چشم میخورد. برنج و روغن و قند و شکر و تخم مرغ و کبره نایاب است، نفت و بنزین، بخصوص با آغاز فصل سرما کفاف نیاز زحمتکشان را نمیکند. صفهای نان روز بروز طولی تر میشود و انواع دیگر کالاهای مصرفی و مواد غذایی با املا وجودنداشته و توسط سرمایه داران احتکار شده است و با قیمت های سرسام آور خودتلف و خانه زحمتکشان، بلکه سفره و خانه سرمایه داران، بازاریان مرفه و جیرخواران رژیم جمهوری اسلامی رارنگین میکند. بقیه در صفحه ۲۲

بقیه از صفحه ۱ جنگ...

رژیم ارتجاعی حاکم برای حل بحران موجود بمقا بله می بردازد، اما مقابله ای که بقیمت تشدید وابستگی به امپریالیسم و تشدید فقر و فلاکت توده ها است. جمهوری اسلامی از یکسو می کوشد تا هر چه زود تر مناسبات خود را بسوی امپریالیسم آمریکا بهبود بخشد و قرارداد های اقتصادی امارت باری را به امضاء برساند و از سوی دیگر با گران کردن مایحتاج اولیه مردم و تشدید استعمار طبقه و توده ها به اوضاع بحرانی اقتصاد سروسامان دهد. جیره بندی آذوقه و مایحتاج اولیه مردم، افزایش مالیات ها حذف مزایای کارگران و کارمندان، افزایش آهنگ تولید توسط کارگران، افزایش قیمت اجناس و کارهای مصرفی و بخصوص قیمت بنزین از یک تومانی به سه تومان از جمله اقدامات ضد مردمی رژیم حاکم است.

آنچه مسلم است اینکه این اقدامات بحران را تشدید کرده و زمینه عینی اعتراضات توده ای را گسترش خواهد داد. این اقدامات مستقیماً بر توده های زحمتکش فشار آورده و آنان را تحت منگنه اقتصادی بیشتری قرار میدهد. گامی است به اثرات بعدی افزایش قیمت بنزین توجه شود تا بتوان با بحران را که بردهوش زحمتکشان سنگینی میکند، ارزیابی نمود. همانطور که میدانیم، بعنوان نمونه در سیستم حمل و نقل بنزین نقش اساسی بازی میکند. حال با توجه به نقش شبکه حمل و نقل در مجموعه تولیدات صنعتی و کشاورزی و سیستم توزیع متوجه میشویم که افزایش بی سابقه قیمت بنزین چه اثرات وسیعی در ساخت قیمت مجموعه کالاها بوجود می آورد. برخلاف عوامل فیزیکی های حکومت که چنین وانمود میکنند که گویا فقط قیمت بنزین افزایش یافته و قیمت کالاهای دیگر تغییری نخواهد کرد، حقیقت این است که گران شدن بنزین بطور مستقیم و بلافاصله بر قیمت تمام اجناس و کارها و هزینه خدمات عمومی تاثیر گذاشته و بطرز سراسر مآوری هزینه زندگی زحمتکشان را با افزایش میدهد. رجائی عوام فریبانه گران شدن بنزین را کوشش در ایجاد "تعداد نسبی عادلانه میان مردم" وانمود میسازد. حال آنکه این اقدام ضد انقلابی عامل دیگری در جهت تشدید فقر و فلاکت توده ها و در جهت غارتگری سرمایه داران و دولت آنها بشمار میاید. اگر افزایش قیمت بنزین، قیمت نان، گوشت، برنج، پوشاک، خدمات عمومی و دهها و دهها مورد دیگر را افزایش میدهد و اوضاع اقتصادی زحمتکشان را وخیم تر نموده و آنان را به گرسنگی و محرومیت های بیشتر میکشاند، اما برای سرمایه داران و دولت آنان ثروت بیشتر به ارمغان میآورد. بوضوح است که مسئله فقط مسئله گران شدن بنزین نیست، امروز بحران را که ما و در

بستر آن بیکاری، گرانای عمومی و گرسنگی گلوی کارگران و توده های ستمدیده میهن ما را در بنجد های خود می فشارد. امروز حاکمیت ستمگران رژیم جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگر توده ها را به ستوه آورده و جنگ غیر عادلانه دولتی سرمایه داری ایران گلوی زحمتکشان را بیشتر فشرده و فلاکت توده ها را به نحوی سابقه ای گسترش داده است. مسئله اساسی درک این مطلب است که رژیم حاکم هرگز نمیتواند به اوضاع اقتصادی حاکم سروسامان بدهد و جنگ کنونی نیز بر ابعاد این بحران اقتصادی می افزاید و محرومیت و گرسنگی توده ها را افزایش میدهد. جنگ کنونی هزاران هزار نفر از توده ها را آواره کرده و خانه و کارخانه ها شان را نابود ساخته و گرسنگی و انواع واقسام بیماری ها را در میان آنان رواج داده است. جنگ کنونی مستمکی به دست رژیم داده تا بنام "دفاع از میهن و اسلام" برای تامین اعتبارات جنگی، مردم را بیشتر غارت نماید. جنگ کنونی بهانه ای به دست رژیم داده تا از طریق گرانای، مردم را به خانه خرابی بیشتر بکشد. آری جنگ کنونی برای توده ها فلاکت بیشتر به ارمغان آورده است. اما فلاکت توده ها به چه معناست؟ فلاکت توده ها یعنی عریان شدن بیشتر جنایات بورژوازی، یعنی فرو ریختن بیشتر قویم توده ها، یعنی تشدید تضاد های طبقاتی و سرعت یافتن سیر مبارزه طبقاتی در جامعه. فلاکت توده ها یعنی نزدیک شدن انفجار رعبان نهفته توده ها. بقول لنین:

"در زمینه بحرانی که ناشی از جنگ است، تک جوشهای انقلابی در بین توده ها روبه افزایش میروند و مانند اعمایات و تظاهرات سیاسی... وسعت می پذیرد. مگر این آغاز برآمدهای انقلابی توده ای نیست؟" (اپورتونیسیم و ورشکستگی انترناسیونال دوم)

امروز در بستر بحران ناشی از جنگ توده ها بیش از پیش نسبت به رژیم حاکم بیزار میشوند. در چنین شرایطی برخلاف رویزونیست ها و اپورتونیست ها که با ساران صلح بورژوازی بوده و مخالف گسترش انقلاب می باشند، کمونیت های راستین، کمونیست های که پیگیران توده راه انقلاب پیش میروند، خواهان برهم زدن صلح داخلی می باشند. آنان از صلح تحت حاکمیت بورژوازی نفرت دارند و این نفرت را به میان توده ها می برند. آنان از هر ناراضی جرقه ای میسازند و از هر جرقه شعله ای درخشان بسپاری کنند. آنان میدانند که لیب انقلاب فردا در گرو برافروختن شعله های خشم انقلابی امروز توده ها است. در اوضاع کنونی که جنگ نا عادلانه ناراضی عمومی را گسترش داده و با زهم خواهد داد، کمونیست های پیگیر فعلاً لانه می کوشند تا نشان دهند که فلاکت توده ها از جنگ است و جنگ

اقدام سیاست رژیم های ارتجاعی دو کشور است و برای از بین بردن قطعی فلاکت و محرومیت توده ها و دستگیری ارتجاع باید به انقلاب دست زد. کمونیست ها می کوشند تا به کوچکترین ناراضی و اعتراض توده ها جهت داده و توده ها را در مسیر مبارزه علیه حکومت سرمایه بکشانند. بقول لنین:

"به پشتیبانی از برآمدهای انقلابی توده ای، بسط و توسعه و تشدید آن، ایجاد سازمان های غیر علنی... اینست تمام برنامه عملی سوسیال دموکراسی در این جنگ" (همانجا)

بنابراین وظایف ما روشن است. برای اینکه انقلاب فرابرسد، برای اینکه قدرت بورژوازی سرنگون شود و کارگران و سایر توده ها قدرت را تصرف کنند باید خشم ناشی از جنگ و حکومت ستمگران را با بذراکاهی انقلابی پرورش داده، اعتراضات و تظاهرات آنان را به مبارزه متشکل علیه حکومت تبدیل ساخته و هر چه بیشتر دامنه جنبش سراسری را گسترش داد.

اگرچه شعار تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی یک شعار استراتژیک است، اما ایسین شعار بدون تدارکات قبلی تحقق نخواهد یافت حتی اگر موقعیت انقلابی برجایستاده مستولی شود ولی اگر تدارکات لازم را ندیده با شیم جنبش راه به پیروزی نخواهد گشاید. بنا بر این ما باید انقلاب را در بستر بحران ناشی از جنگ بیش از هر زمان دیگر تدارک ببینیم. این تدارک یعنی بردن آگاهی انقلابی به میان توده ها، یعنی جهت بخشیدن به اعتراضات ضد جنگ آنها علیه حکومت، یعنی بسیج سازماندهی و هدایت مبارزه توده ها.

رفقا! جنبش توده ها در حال گسترش و واجگیری هر چه بیشتر است، فعلاً لانه به استقبال آن بشناییم!



بقیه از صفحه ۲۶ لیبها...

کرده و آلترنا تیب کمونیست ها را شدیداً سرکوب کنند، همچنان که کمونیست ها نیز برای بچسبندگ گرفتن قدرت می باستی با این آلترنا تیب های ارتجاعی دست و پنجه نرم کنند.

(۱) - هنگامیکه میگوئیم میزان، کیهان و انقلاب اسلامی یاران غمگسار امپریالیسم آمریکایی هستند، به آن معناست که آزادگان، اطلاعات و جمهوری اسلامی در خطی غیر از حفظ منافع امپریالیسم گام بر میدارند. روزنامه های ارتجاعی اخیر که بنحوی زیر نفوذ حزب جمهوری اسلامی قرار دارند تبدیلند گویای ضد خلقند که بسر علیه کمونیست ها و نیز حفظ منافع امپریالیسم مرتب به لجن پراکنی می پردازند. ما در گذشته در این باره سخن گفته ایم و در آینده با زهم خواهم گفت.

به استقبال جنبش او جگیر زنده توده ها بشناییم

# جنبش کارگری



## تیلور قدرت کارگران (کفش ملی) در مبارزه برعلیه عوامل سرمایه داران!

روز دوشنبه ۵۹/۷/۲۱ دوتن از کارگران شرکت استاندارد اردو بسته به گروه صنعتی کفش ملی که بعطت شرکت در جلسه عمومی شورا، چند دقیقه ای دیرتر به سرکار میایند، بوسیله فورمن قسمتشان، سه ساعت جریمه میشوند. شورا که دارای عناصر مبارزی است برای گوشمالی دادن به فورمن، او را بحدت سه روز جریمه میکند. این عمل موجب میشود که کلیه فورمن ها فردای آن روز پس از کارت زدن در ساختمان مدیرعامل و حسابداری و... بست بنشینند. کارگران که از این امر مطلع میشوند، خشمگین شده و به "هو" کردن فورمنها می پردازند و بدین طریق کینه دیرینه خود را نسبت به این عوامل سرسپرده سرما به داران نشان میدهند. کارگران برای آنکه نشان دهند که در تولید به این انگلهای احتیاجی نیست، خود به سازماندهی کار می پردازند. و در ظرف دوروزی که فورمن ها سرکار نبودند، تولید را افزایش میدهند. اما شورا که نظرات سازشکارانه بر آن غالب شده بود، طی جلسه عمومی برای تصمیمگیری کارگران در مورد فورمن ها، موضع قاطع نمیگیرد و کار را به رای گیری واگذار میکند که در نتیجه در آنجا موجود در جلسه که فورمن های وحشت زده و بزدل نیز در آن حضور داشتند، عده ای از کارگران در رودر - با بیستی قرار گرفته و رای به بازگشت فورمن ها میدهند.

این حرکت علیرغم ضعفهای آن که مهمترین عدم وجود رهبری قاطع بود، بیانگر قدرت لایزال و کوبنده کارگران بود که نشان دادند، زمانیکه اراده کنند هیچ نیروی رایا برای مقاومت در مقابلشان نخواهد بود و این فقط کارگران و زحمتکشانند که چرخهای تولید را میچرخانند، نه مفت خورانی نظیر سرما به داران و عواملشان (فورمن ها و سرپرستها و...)

## "جنگ" بهانه ای برای تشدید خفقان و افزایش تولید در کارخانه لایزال

جنگ و تبلیغات رژیم جمهوری اسلامی هر روز به انواع و اقسام متفاوت گسترش می یابد. و هر چه بیشتر شیوه جان کارگران و زحمتکشان مکیده میشود. در این رابطه در کارخانه های مختلف و

بقیه در صفحه ۷

## اخراج و محاکمه کارگران تراکتورسازی تبریز: نشانه وحشت رژیم از قدرت کارگران!

راضی بودند، بعد از چندی شورا بوسیله نماینده استانداری (نقیسی) محل اعلام میشود و سرپرست جدیدی به کارگران معرفی میگردد، کارگران نسبت به این عمل دست به اعتراض زده و کار نمیکنند. نقیسی بلافاصله به طاقتش رفته و از طریق تلفن با سداران را با خبر میکند و سداران مسلح به کارخانه ریخته و ۳۴ نفر از کارگران را سوار ماشین نموده و به دادگاه انقلاب اسلامی تبریزی برده. در همان روز پنج نفر از کارگران با تعهد آزاد میشوند. بعد از آزادی این پنج نفر با زحوشی بقیه شروع میشود که چند روز بعد آنفر از آنها را آزاد میکنند و بقیه بابت تکلیف باقی می مانند.

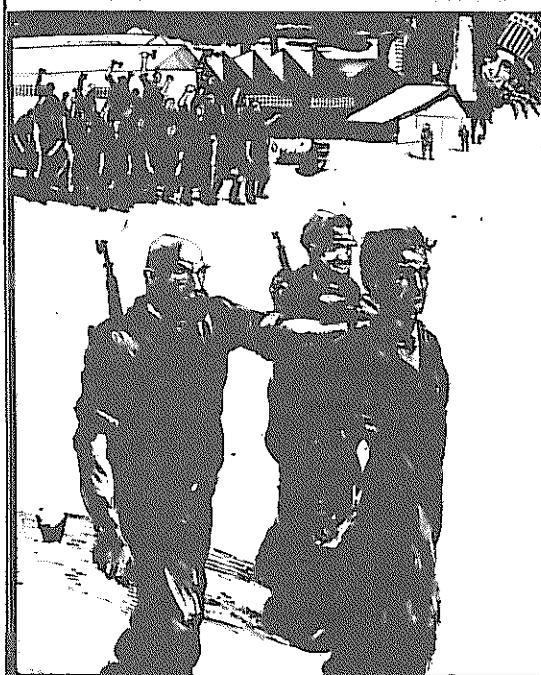
ما در زیر قسمتها می از اعلامیه ای از کارگران مبارز و ایسته به سازمان را در این باره می آوریم:

چندی پیش در رابطه با سازماندهی جدید تولید در کارخانه تراکتورسازی تبریز، مدیران تصمیم میگیرند که ۱۲۰۰ نفر از ۲۷۰۰ نفر کارگران کارمند را اخراج کنند. تصمیم به اخراج کارگران بدون نظرخواهی و منافع آنها صورت میگیرد. بخاطر جلوگیری از هرگونه حرکت اعتراضی، از ورود کارگران مبارز و آگاه و اعضای شورا به کارخانه جلوگیری میکنند، از پرداخت حقوق به آنها مانع میشوند و با سداران را در کارخانه مستقر می کنند.

بعد از تمام فشار روز و زحوشی ها به کارگران یک نفر از مهندسی را بعنوان سرپرست قسمت خط "هولر" انتخاب میکنند.

قسمت خط هولر بعد از تمام بصورت شورائی اداره میشود و تمام کارگران از کارهای شورا

## با استفاده از جنگ ارتجاعی ایران و عراق فولادپون ها آزاد میشوند و کارگران بطور دسته جمعی اخراج و زندانی!



کارگران مبارز!

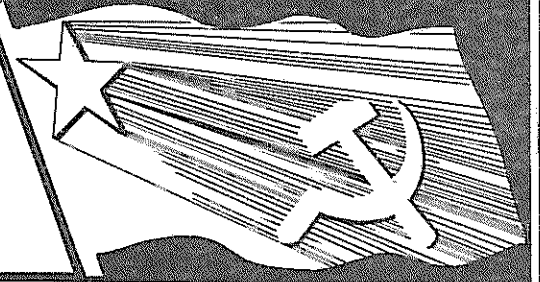
\* - جنگ ارتجاعی ایران و عراق، که از اول مهرماه، بخاطر سرکوب انقلاب و زحمتکشان و حفظ منافع سرمایه داران هر دو کشور، دامنه و شدت بیشتری یافته، زحمتکشان و کارگران این دو کشور را بیشتر به فلاکت و بدبختی خواهد کشاند.

\* - گرانی، قحطی، احتکار مواد غذایی صفای طولانی برای نان و مایحتاج اولیه زندگی و بیکاری هر روز از روز قبل بیشتر میشود و جیب گشای سرما به داران هر دو کشور با گران فروختن مایحتاج زندگی به قیمت قیری و بدبختی زحمتکشان برتر میشود.

\* - رژیم جمهوری اسلامی با بهانه قرار دادن جنگ نا عادلانه ایران و عراق، با شدت عمل بیشتری به سرکوب انقلاب و زحمتکشان پرداخته و سرما به داری وابسته را با تمام منبادهای ضد خلقی اش، به سرعت بازسازی میکند. بقیه در صفحه ۷

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

# وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



## تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۵)

### اصل سوم: در آمیختن با توده‌ها (از توده‌ها به توده‌ها)

بدین ترتیب به منظور آماده‌سازی توده‌ها برای انقلاب با بستی به هر جایی که توده‌ها هستند رفت و در هر گام، ذهن توده‌ها را روشن ساخته‌آگاهیشان را در جهت سوسیالیسم ارتقاء بخشید، به همین خاطر است که لنین تا کیدمی کند: "توان حزب به این امر بستگی دارد که کار تبلیغی اش تا چه حد قابل درک و مفهوم است و نیز تا چه حد می‌تواند سرمشق‌شده‌ها قرار گیرد (۲)

"عقاید بنده بعنوان عقیده، بلکه بعنوان نیرو، جهان را بسخر می‌سازد، عقاید بنده به نسبت محتوای فکری خود، بلکه با برتو زنده‌ای که در باره‌ای ساعات تاریخ از آن بیرون می‌تراود، آدمیان را در نتیجه خود می‌گیرد، بنابراین بوی تنیدی است که برمی‌سازد - خیزد، ضعیف‌ترین شاه‌ها نیز آن را می‌شنود، و بالاترین عقیده تا روزی که مسری نگردد، بی اثر است." (۱)

تبلیغ نیز با بستی مانده و وظیفه عملی دیگر، برتر مارکسیستی "از توده‌ها به توده‌ها" استوار باشد. در تشریح دوقانون اول و دوم، آنچه را که با بستی از توده‌ها بگیریم نشان دادیم اکنون میخواهیم بگوئیم که تبلیغ با بستی با توده‌ها در هم آمیزد در میان توده‌ها مسری شود. ما بذری هستیم که اگر در خاک توده‌ها جای نگیریم، نمی‌توانیم ریشه بدو انیم و شکوفه بدو انیم و بسادگی نابودخواهیم. برای این ریشه‌دواندن با بستی تبلیغ، ترویج و سازمان دهی کرد. در آمیختن با توده‌ها قانون مشترک در میان کلیه وظایف عملی است. اما تبلیغ با بستی به مقیاسی بسیار وسیع‌تر توده‌ها را در برگیرد. توان یک حزب یا سازمان کمونیستی نه در تعداد اعضا و کارکنان سازماندهی شده‌ها بلکه در ارتباط با نفوذ توده‌های آن ارزیابی میشود. تبلیغ در میان وظایف عملی، یگانگت‌آزاری است که بدلیل مشخصات و قانونمندیهای آن، قابلیت نفوذ در میان توده‌های بسیار وسیع را دارد. بدین ترتیب بیش از دیگر وظایف عملی با بستی با توده‌های وسیع بصورتی گسترده انطابق یابد. برای انقلاب لازم است که اکثریت توده‌ها خواهان انقلاب شده و فعلا لانه در مبارزه شرکت ورزند و با حداقل، آن بخشهایی که در این مبارزه شرکت ندارند را نیز بطرفی مثبت اتخاذ نمایند و این ممکن نمیشود مگر با افشای وسیع دشمنان توده‌ها، روشن ساختن ذهن توده‌ها نسبت به مسائل انقلاب و جلب اعتماد توده‌ها، با رهنمودهای مبارزاتی و افشاگریهای بموقع.

برای در آمیختن با توده‌ها کافی نیست که روحیات آنها را بشناسیم و از مسائل اساسی آنها حرکت کنیم، بلکه با پدید آمدن نیم تبلیغ شوندگان ما کیستند. تا دریا بیم که چگونه با آنها صحبت کنیم، بدین ترتیب با پدیده دو نکته توجه داشت: **اول:** تبلیغ در میان طبقات مختلف معاشرت است، چرا که غرایب طبقه‌ای، احساسات و نیازهای آنان غیر متفاوته است، لنین در این مورد میگوید:

"تبلیغ با پدیده نحوی صحبت کننده که منظورش درک شود، و با پدیده‌ای را که برای شنونده - کاشان کاملاً آشناست، بعنوان نقطه شروع کار خود اتخاذ کند، همه این نکات، به خودی خود بدیهی است و کار برد آن منحصر تبلیغی نیست که در میان دهقانان صورت می‌گیرد، شخص ناچار است با سوری‌ها بیه نحوی متفاوت با ملوانان و با ملوانان به نحوی متفاوت با کارگران چایخانه صحبت کند. تبلیغ باید انطباقی فردی داشته باشد." (۴) (تاکید از ما است)

بدین ترتیب گذشته از ارگان مرکزی کسه متعلق به کمونیست‌ها و توده‌های پیشرو است. نشریات، جزوات و... تبلیغی خاص دیگری نیز

برای انقلاب لازم است که اکثریت توده‌ها خواهان انقلاب شده و فعلا لانه در مبارزه شرکت ورزند و با حداقل، آن بخشهایی که در این مبارزه شرکت ندارند را نیز بطرفی مثبت اتخاذ نمایند و این ممکن نمیشود مگر با افشای وسیع دشمنان توده‌ها، روشن ساختن ذهن توده‌ها نسبت به مسائل انقلاب و جلب اعتماد توده‌ها، با رهنمودهای مبارزاتی و افشاگریهای بموقع.

سازمان کمونیستی برای در آمیختن با توده‌های وسیع نه تنها به توده‌های پیشرو بلکه به توده‌های عقب مانده نیز با بستی توجه داشته باشد. تنها اشکال و کیفیت تبلیغ در مورد این اقشار متفاوت است. ارگان مرکزی برای توده‌های پیشرو (و نیز تا حد و دی توده‌های متوسط) و نشریات محلی برای توده‌های متوسط (و نیز تا حد و دی توده‌های عقب مانده)

با بستی برای طبقات دیگر در نظر گرفت، اینکه تبلیغ شوندگان جزء کدام طبقه هستند، در کیفیت اشکال و انواع تبلیغ تا نیرمی گذارند.

**ثانی:** تفاوت میان اقشار مختلف طبقه کارگر و توده‌ها، توده‌ها عموماً از نظر آگاهی برای انقلاب به سه قشر پیشرو، میانی و عقب مانده تقسیم میشوند. کمونیست‌ها کارگران پیشرو را با بستی کرد خود مشکل کرده و با تکیه به آنها بگوشند، کارگران میانی را تا سلاح پیشروان ارتقاء بخشیده و عمار عقب مانده را نیز بیه طرفداران خود تبدیل کنند و آنان را نیز ارتقاء بخشند.

تبلیغ برای این سه قشر متفاوت است، لنین درباره نقش قشر بدی کارگران در کونگی تبلیغ و در ارتباط با ارگان مرکزی میگوید:

"بنا بر این روزنامه‌ای که میخواهد ارگان کلیه سوسیال دموکرات‌های روسیه شود، باید در سطح کارگران پیشرو باشد این روزنامه نه تنها باید سطح خود را بطور ساختگی و تصنعی با بین آورد، بلکه بالعکس بقیه در صفحه ۲۵

بدین ترتیب برای رهبری مبارزه طبقه‌ای توده‌ها، با بستی تبلیغ کمونیستی در میان توده‌های وسیع خانه کند و در هر کارخانه، مزرعه محله و حاکمان، مدرسه، اداره و... بذرا انقلاب بکار برد، بیخود نیست که کمینترن فرمان میدهد: "حتی یک خانه کارگران نیز در منطقه نفوذ حزب نباید خارج از تبلیغات ما قرار گیرد." (۳)

چرا که تنها تبلیغ میتواند همگامی و وحدت سازمان یا حزب کمونیست را با توده‌های وسیع گسترش بخشد. اما برای این گسترش با بستی یک مسئله اساسی را در نظر بگیریم و آن اینست که تبلیغ ما با کدام طبقات و کدام اقشار توده‌ها در - همی آمیزد.

### تبلیغ در میان طبقات مختلف و اقشار پیشرو، میانی و عقب مانده توده‌ها

(۲) - نقل قول لنین از کتاب علم انقلاب لنین و روانشناسی اجتماعی آورده شده است، صفحه ۳۷

(۳) - سومین کنگره کمینترن - اصول تشکیلات حزب

(۱) - رومن رولان - ژان کرستیف - جلد ۲

# خلق ها و مسئله ملی



## اخباری از کردستان

### روستای "ایندرقاش" قارناوقه لاتی دیگر قتل عام فجیح اهالی روستای ایندرقاش

باسداران و مزدوران رژیم با ردیگری از روستاهای کردستان را به حاکم خون تبدیل کردند. آنها زنان و کودکان را قتل عام میکنند، جوی خون راه میاندازند و جنايات فجیعی همچون قتل عام قارنا، قهلاتان، کانی، ماسید و... می آفرینند، اما هیچکدام از این اعمال کوچکتر بین تزلزلی در راه استوار خلق قهرمان کرد بوجود نیاورده است. برچمنیش مقاومت خلقی کرد در روستای بیشرگان رزمنده جنبش و توده های زحمتکش شهروستا همچنان در اهتزاز است. رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر محاربه اقتصادی شهروستاها را با خاک و خون میکشد تا خلق کرد را بزا نودر آورد. اینک تویت قتل عام در روستای "ایندرقاش" رسیده است.

در تاریخ ۵۹/۸/۱۳ حدود صد نفر از جاشا و باسداران کمیته های نطقه در معیت چند زره پوش توسط اتوبوس و مینی بوس به نزدیکی روستا های "ایندرقاش" و "دریاس" ۱۵ کیلومتری میا با رسیدند، آنها پس از توقف نیروی خود را در دو قسمت برای با ملاح یا کاسزی و خلق سلاح مردم به این دور و ستا گسیل داشتند، یکدسته از پیشمرگان حزب دمکرات که قبل از ورود مزدوران رژیم به روستای "ایندرقاش" رفته

بودند بمحض اطلاع از ورود باسداران از ده خارج شده و در باغهای اطراف موضع گرفتند، باسداران پس از ورود به ده، مردم را در مجمع کرده و با تهدید و آزار، آنها را به با دنا سزا و کتک گرفتند، باسداران به اهالی زحمتکش روستا میگفتند: "ما ضامن انقلابی هستیم و میدانیم که کدما تا سلاح دارید اگر آنها را تحویل ندهید همه را قتل عام خواهیم کرد". در این اثنا، توسط بیسیم به فرمانده دستا اطلاع داده میشود که هر چه زودتر آنها همه را ترک کنند، پیشمرگان حزب که قبلا در باغها موضع گرفته بودند بطرف آنها تیراندازی کرده و سپس عقب نشینی می نمایند. بدنیال این واقعه مزدوران جنايتكار رژیم به داخل ده بر میگردند و با جنايتي كه انجسام میدهند و فاشیستهای هیتلری را سفید میکنند مزدوران ضد خلق بجان مردم بی دفاع روستای "ایندرقاش" افتاده و با کشتار عام اهالی ده که جوی خون راه میاندازند، آنها ۳۶ تن از اهالی "ایندرقاش" را قتل عام میکنند که علاوه بر عده زیادی بیسر مرد، جسد ۴ کودک و دو زن در بین اجساد کشته شدگان دیده شده است. جنايتكاران رژیم، با ردیگر قتل عام روستاهای قارنا و قهلاتان و کانی ماسید را در روستای "ایندرقاش" میا با دتکار کردند.

### حمله مغول وار جنايتكاران به روستاهای حومه نطقه

هفته گذشته مزدوران رژیم جمهوری اسلامی با ردیگر در روستاهای کردستان اطراف نطقه به جنايات خود با دتا زه ای دادند: روستای "محمد شاه" مزدوران ضد خلق، این روستا را بکلی به آتش کشیده و چهار نفر از اهالی بی دفاع آن را بشهادت رسانیدند، اهالی این روستا هم اکنون در گوهها آواره شده اند.

روستای "با شیرآباد": نیبی از این روستا به آتش کشیده شد. جنايتكاران رژیم جمهوری اسلامی در نطقه کشته و چند نفر را مجروح نمودند. روستای "گلوان": مزدوران رژیم پس از فحاشی و کتک زدن عده ای از اهالی، برای آزار آنها چنان دور و فراز اهالی روستا را از حقه در آوردند.

خاطره رفیق شهید،  
پیشمرگه زحمتکش  
و انقلابی کومله  
"کاک احمد قادر مجید" را  
گرامی بداریم

تظاهرات پر شور مردم مبارز علیه  
اجتماع ۱۰۰ نفری چریکهای اکثریت،  
باسداران، حزب توده و...

مهاباد ۵۹/۷/۲۹

ساعت ۱۰ صبح بدعوت سپاه باسداران و به منظور بیستیا نی از رژیم ایران در جنگ ایران و عراق "تظاهرات" در شهر ترتیب داده شده بود در این تظاهرات حدود ۱۰۰ نفر شرکت داشتند. سازمان چریکها (اکثریت)، حزب توده، بیروان کنگره چهارم حزب دمکرات و باسداران هر کدام طی اطلاعیه هایی هواداران خود را به شرکت در این تظاهرات دعوت کرده بودند. همزمان با آن عده کثیری از مردم مبارز و قهرمان میا با د با برپایی تظاهرات پر شوری نشان دادند که علیرغم همه جنايتها و کشتاری که رژیم در این شهر راه انداخته است، همچنان با روحیه انقلابی مبارزه ای امان خود را بر علیه سرکوبگران ضد خلق به پیش خواهند برد. تظاهرات کنندگان در حالی که بدنیال اجتماع ۱۰۰ نفری باسداران، چریکهای اکثریت، حزب توده و دیگر مرتجعین برای راه افتاده بودند شاعر میاداد: "هزبری جوسبی موقا و متی خه لکی کور" (زننده با جنبش مقاومت خلق کرد)، "بزی هیزی پیشمرگه، دوژمن نه سبب مرگه" (زننده با د نیروی پیشمرگ، نصیب دشمن مرگ است).

"شهری شیران و عیراق، شهری کوله بهره ستان، نزه رحمة تکیثانه" (جنگ ایران و عراق جنگ مرتجعین است با هم و بر علیه زحمتکشان) در نزدیکیهای گارا زاطمینان باسداران به تظاهرات کنندگان حمله کردند و تظاهرات کنندگان ضمن جنگ و گریز خیابانی با باسداران شاعر میاداد: "مردم مبارز، مرگ بر جاش".

تظاهرات ۱۰۰ نفری چریکها و حزب توده و باسداران و دیگر مرتجعین نشان داد که آنچه اندازده در شهر میا با د برپا شده اند و خلق کرد چگونه آنها را از خود میرانند. (بمنقل از خبرنامه ۸۶ کومله).

## حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



### کردستان در آستانه قحطی و گرسنگی

کردستان قهرمان همچنان در محاصره اقتصادی شدیداً زجانب رژیم قرار دارد. رژیم ارسال هرگونه بوشاک و خوراک و دارو به شهرهای کردستان جلوگیری میکند. هم‌اکنون خلق کرد از داشتن غذا و دارو به شدت‌ترین وجه در مضیقه هستند. برنج کیلوئی ۳۵ تومان، تخم مرغ هر عدد ۴ تومان، نفت بشکه‌ای ۹۶۰ تومان و بیسک لنگه‌آرد ۱۸۰ کیلوئی ۶۰۰ تومان، بیاری همه - جانبه به خلق کرد و ارسال مواد غذایی، داروئی و بوشاک به کردستان به هر طریق ممکن و طیفه نام نیروهای انقلابی است.

### خبری از ترکمن صحرا

#### سوء استفاده خانانه سازمان چریکهای (اکثریت) از خون شهدای خلق ترکمن

روز جمعه ۵۹/۸/۱ به مناسبت مدسین روژ شهادت رزمنده خلق ترکمن "عبدالله قزل" قرار بود هواداران سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) مراسمی در روستای "خوجه لر" - زادگاه قزل - برپا کنند. قابل پیش بینی بود که رویزیونیستهای اکثریت چیزی خارج از چهار چوب قوانین جمهوری اسلامی نخواهند گفت. البته آنها هر چه میخواهند خود را به رژیم - با مصاحبه فدا میریالیست بچسباند تا شاید مقامی بدست آورند. رژیم به آنها توهینی میزند. آنها را در مرز خلق سلاح میکند و با در نقاط دیگر مسئولان و هواداران شان را دستگیر و زندانی میسازد و ...

در برگزاری مراسم مدسین روز رزمنده شهید "عبدالله قزل" نیز با ساداران (که فدائیان خونشان را با خون آنها در میا میزند) با جلوگیری از اجرای مراسم بزرگداشت، "برادری" خود را با چریکهای اکثریت نشان دادند. با ساداران به محل برگزاری مراسم، "برادرانه" حمله کرده و چند نفر را نیز دستگیر کردند. خاشاک به خلق بدون آنکه مقایسه‌ای بکنند، بنا به خواست ساداران برنا میزدند و با بی‌مزدی آنها را بدیگری نشان دادند که در خدمت رژیم در هدستی با ساداران، خون شهدای جنبش را و شیشه نوکری بی جیره و مواجب خود به رژیم قرار داده اند.

جالب اینکه همزمان با مدسین روز شهادت "عبدالله قزل" بدست دژ خیابان رژیم جمهوری اسلامی، سازمان چریکها (اکثریت) از یک طرف طی

### خطرات يك سرباز (۱۲)

### اینهارا باید بهر وسیله از بین برد

۲۷ اردیبهشت

امروز گردان تانکی که از زنجان حرکت کرده بود، به سقز میرسد. شاید با رسیدن این گردان وضع ما روشن شود. اما در هر صورت، ما موریت شوم خود را که همان زدن کبریست و فروختن آتش جنگ بوده است، انجام داده ایم. روحیه همسربازان سخت گسل است. ایسن یکما هجنگ فرسایشی و شرکت در کشتاری که هدفش را خود نیز نمی دانند و به آن اعتقادی ندارند، افسردگان کرده است. آنها هیچ اعتقادی به ادا هجنگ ندارند و روحیه شان منصف شده است. همه در انتظار بازگشت به خانه هستند. شاید در زمانی که از کشتار این هنگامه رستند بتوانند قدری فکر کنند که در این مدت چه نقشی داشته اند! اما اکنون هیچ چیز با زنگشت برای شان مطرح نیست. از نندت کسالت به زمین و زمان فحش می - دهند و با دیدن زخمی ها به توده ها ناسرامی - گویند! و به این ترتیب با مصاح "دقی دلی" خود را خالی میکنند. دیدنشان در این حالت ترحم انگیز است و نفرت از جنگ افروزان را - آن بالائی ها را که دور از میله آسوده اند بیسی از پیش در قلب می نشاند. اکنون که می نویسم، در سقز هستم. در سنگری که متعلق به من نیست، فکر و روحم در فضا رست. از یک سو ندان در د کلافه ام کرده، و از سوی دیگر فکرا را فکرا راحت کننده - ای که در سقز می چرخد. سخت گسلم. ساعت ۷/۵ بعد از ظهر، روز ۲۷ اردیبهشت:

آمدن به سربازی، فشرده شدن در سنگنه مقنضیات و بیش آمدها و رفتن زیر بار آتجه در جریان است. باعث شده که هر چه بیشتر از درست فکر کردن و درست اندیشیدن دور شوم. بعضی مسائل در فکرم بهم آمیخته و گاه نمی توانم در برابر حوادث و عملگردهای دیگران برخورد درستی داشته باشم در روحیات خود نیز تغییراتی احساس میکنم. گاه به خود می آیم و می بینم که برخورد ما با دوستان سرباز غلط بوده است. بر سر مسائل ساده با آنها در افتادن با حوصله برخورد نکردن ... بدون آنکه در نظر بگیریم که موقعیت آنها

نامهای به حضور آیت الله خمینی! خواهان این عینود که "خون با سادار و فدائی در هم بیا میزد" و از طرف دیگر بوسیله هواداران تصمیم به برگزاری مراسم بزرگداشت مدسین روز شهادت "عبدالله - قزل" میگیرد. او را از اقرا د خود میخواند. ما میبوسیم آیا خون یک رزمنده خلق ترکمن چگونه میتواند با خون با سادارانی که قاتل او هستند در هم آمیزد؟ و آیا عبدالله قزل را میتوان در زمره کسانی دانست که امروز به در یوزگی از قاتلین این رزمنده خلق برخاسته اند؟

### با چشم باز در افق خونین کردستان



چیس و چها انتظاراتی را می توان از آنها داشت گاهی این فکر بمن دست میدهد که اطرافم پر از مزدورانی است که نمیتوان با آنها مثل دوست رفتار کرد. اما میدانم که این نمیتوانند درست باشد. آنها انسانهایی هستند که در درون این نظام گرفتار آمده اند. نظام حاکم آنها را چنین می پرورد. مهره‌هایی برای کشتار. مهره‌هایی که چون و چرا نمی کنند نمی برسند که دشمن ما کیست؟ چرا باید مردم زحمتکش را بکشیم؟ و ... (ارتش چراندار را!) آنها هم خانواده ای دارند. دوستانی و زندگی ای که به آن تعلق دارند. آنها نمی خواهند جان خود در راهی که خود نیز نمی دانند به کجا می رسد از دست بدهند. اما در اجبارند. در بیج و مهره‌های این دستگاه. جاسازی میشوند و بدور از اراده شان بکار می افتند خسته و گسل میشوند، و حتی و درنده میشوند و فحش میدهند. ناسزای گویند، می درند ... و می کشند بی آنکه بدانند چرا با ساخت این مسائل، با فهمیدن موقعیتشان، باید بتوانم با آنها برخورد کنم تا آنجا که نمیتوانم با ایشان ده که بشناسند و آگاه شوند.

اما چرا این روحیه را پیدا کرده ام؟ تا بد شرایط اینجاست که باعث میشود فقط به فکر خود باشی! باید فکر کنم و تصمیم جدی تری بگیرم. ایمان و عشق به خلق، قاهر است که جلوی این سردرگمی - ها را بگیرد، بیش برو! ما ندان مردن است. (ادامه دارد)

### بقیه از صفحه ۲۵ تا کسیرانان ...

امروز رانندگان آگاه که به توطئه‌های رژیم واقف میباشند، مانند سایر توده‌های خلق ما شدیداً معترض هستند. آنان به افزایش قیمت بنزین اعتراض داشته و در پی اعتصاب میباشند. بنظر ما این حق مسلم رانندگان تاکسی و وانت - با راست که به اعتصاب دست زنند. رانندگان آگاه در برابر این دولت فریبکار با بدست به مقاومت بزنند. آنان باید بدانند که افزایش قیمت بنزین یعنی افزایش قیمت مواد مورد نیاز زهمه مردم موفقر و فلاکت آنها. آنان با بسد بدانند که افزایش قیمت بنزین یعنی خدمت به سرما یه داران و خدمت به رژیم حاکم.

رانندگان آگاه! مبارزه شما جزئی از مبارزه تمام مردم آگاه ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی میباشد. بر شما ست تا هر چه بیشتر به افشای سردرگمی از رژیم حاکم دست زده، مقاومت و مبارزه خود را علیه رژیم گسترش داده و همبستگی خود را با کارگران و سایر زحمتکشان مستحکم سازید!

بقیه از صفحه ۳ جنگ ...

با حیلدهای متفاوت، تولید وسایط کار را افزایش میدهند.

گزارش زیر یکی از نمونه‌های فراوانی است که موارذ فوق را نشان میدهد. این گزارش از کارخانه لایزال تهیه شده است.

بهیچا جنگ و "دفاع از میهن" بر بنیاد کار کارگران افزوده شده است. ساعات کار را افزایش داده‌اند.

از برداخت دستمزدها بهیچا نه اینکه با نگاهها پول شمیهدند، خودداری میکنند. وحشی تعدادی از کارگران را اخراج کرده‌اند.

کارگران را در مواقعی که وضعیت فرسایشی است به کار می‌کشاند و از خروج آنها جلوگیری به عمل می‌آورند.

رویز بیونیستهای فدائی (اکثریت) و دیگر جریانات انحرافی به کمک عوامل رژیم در کارخانه می‌شتابند و جلوی اعتراض را بهیچا نه اینکه "جنگ است" و "میهن در خطر است" می‌گیرند.

کارگران بخوبی عوارض ناشی از جنگ را حس میکنند، و رفتدرفته ناراضیانی از جنگ در آنان شدت می‌گیرد.

**اجتماع کارکنان پالایشگاه پتروشیمی آبادان:  
آغاز جنبش اعتراضی در مناطق جنگ زده**

تهران:

\* - روز شنبه ۱۰ آبان ماه در حدود ۳۰۰ نفر از کارکنان پالایشگاه پتروشیمی آبادان که توانسته‌اند خود را از مهلکه جنگ نجات دهند برای رسیدگی به وضعیت و تحقق خواسته‌هایشان در جلوی ساختمان مرکزی شرکت نفت اجتماع کرده بودند. مقامات وزارت نفت بجای رسیدگی به خواسته‌های بحق این جنگ زدگان هستی با خسته با وقاحت به آنها گفته اند که "چرا آمده‌اید" این منطبق ارتجاع است: حالا که پالایشگاه و کارخانه - ای در کار نیست که شما را استیفا کنیم، ما را با شما کاری نیست! اینان با خشم زیر خورده‌های زنده مسئولین می‌گفتند که: "شما اگر ناراحتید به پاسداران تان بفرمائید همین الان ما را بکشند، چون اگر در آبادان می‌ماندیم سرتوشتان همان مرگ بود."

خواسته‌های کارکنان پالایشگاه پتروشیمی آبادان عبارت بود از:

الف - قطع حملات دستگامهای تبلیغاتی

بویژه ما مجموعه‌های شهرها (نظیر بروجرد، مام جمعاً صفهان و آیت الله دستغیب در شیراز) علیه آوارگان جنگ.

ب - پرداخت حقوق شهروندی و مهر ماه

ج - لغو دستوری که غاصبین پس از ۱۵ مهر را مطلق تلقی میکنند.

تاکنون مقامات شرکت نفت کوچکترین پاسخ مثبتی به کارکنان نداده‌اند. بگفته آنان در شهر جنگ زده آبادان، قحطی بیداد می‌کند. آب و برق قطع شده، نان پیدا نمیشود و بسیاری از راه‌های متریالی به هیچ جنبنده‌ای اجازه تکان خوردن نمیدهند. جاده‌های خروجی شهر در کنترل مزدوران عراقی است و کسانی که روزهای اخیر شهر را ترک کرده‌اند دنیا مشکلات فراوان و حتی بیاده رویهای ۴۰ - ۵۰ کیلومتری توانسته‌اند جان خود را نجات دهند.

این جنگ زدگان برای رسیدن به خواست‌هایشان نمایندگانی انتخاب کردند تا مبارزه‌شان را بطور متشکل به پیش ببرند.

بقیه از صفحه ۸ افزایش ...

این است که طبقه کارگر و متحدینش را نه تنها از راه حقیقی مبارزه‌شان که همانا راه انقلاب است منحرف نماندند، بلکه با تقوا نلانی نمایند تا بقول لنین آموزش کارگر بر طبقه کارگر، "از این پریشانی (ناشی از جنگ) برای پیشبرد انقلاب بهره‌برداری کنند.

بنابراین "افزایش تولید" در جنبش شرایطی چیزی نیست جز تقویت و تحکیم رژیم سرمایه‌داری چیزی نیست جز برگردن جیب سرمایه‌داری و امپریالیست‌ها از یکطرف و افزایش فقر و فلاکت کارگران و زحمتکشان از طرف دیگر، و بالاخره افزایش تولید در شرایط کنونی نتیجه‌ای نخواهد داشت جز به تمویق انداختن انقلاب و تقویت ضد انقلاب.

طبقه کارگر که زندگی در فشار و رکود را طاق فرساست، میگذرد هیچگاه از افزایش شدت کار بخودی خود هراس ندارد، اما مسئله اینجاست که این افزایش تولید به نفع چه کسی تمام خواهد شد؟

زمانیکه افزایش تولید در خدمت انقلاب و بنفع کارگران و زحمتکشان باشد، و یا زمانیکه کارگران و زحمتکشان قدرت را در دست بگیرند و قدم در راه سوسیالیسم بگذارند، آری در آن زمان خواهد بود که کارگران به منظور پیشبرد انقلاب و تسریع ساختمان سوسیالیسم که راهی انسان را به دنبال خواهد داشت، با تمام توان خویش کار خواهند کرد و از تمام استعدادها و خودی - منظور افزایش تولید استفاده خواهند نمود!

بقیه از صفحه ۳  
با استفاده از ...

- ۱- خلق کردنی باشد، هر چه تمامتر به خاک و خون میکشد.
  - ۲- شوراها را منحل میکند.
  - ۳- نمایندگان کارگران و کارکنان مبارز را اخراج و زندانی میکند.
  - ۴- مدیران و سرپرستان طاغوتی را به سرکار بازمیگرداند.
  - ۵- جهت حفظ منافع امپریالیست‌ها و سرمایه‌داری، ارتش ضد خلقی را با سازی کسب کرده و جناحیتکاران شاهنشاهی را بر سر کار بازمیگرداند.
  - ۶- فرار دادهای تسلیحاتی با امپریالیست‌ها میبندد.
  - ۷- سودویژه‌ها که حزبی از حقوق ماست، لغو میکند.
  - ۸- ساعات کار را از ۴ ساعت به ۴۴ ساعت میرساند و... و ما گوشه‌ای از این اعمال ضد انقلابی را در کارخانه خودمان (تراکتور سازی) بخوبی می‌توانیم مشاهده کنیم:
- میبینیم که شوراها ایمان را منحل و نمایندگان منتخب ما را اخراج و یا زندانی میکنند.
  - میبینیم که مدیران و سرپرستان طاغوتی باز میگردند و باز هم قوانین شاهنشاهی اجرا میشود.
  - می‌بینیم که کارگران خط هولر را تنها بجزم اینکخواهان شوراها را اداره کردن قسمت خود می‌باشند، دسته جمعی تحویل دادگاه ضد انقلاب اسلامی میدهند.
  - آری، رژیمی که فولادیون‌ها (مدیرعامل سابق کارخانه) را بیگناه تشخیص داده و با

معذرت خواهی‌های آنان را آزاد میکند، با یه هم کارگران را بجزم شورا خواستن در دادگاه‌های ضد انقلابی خود بجا که کند و این خصلت تمام رژیمهای ارتجاعی و سرمایه‌داری دنیا میباید.

کارگران مبارز!

دولتهای سرمایه‌داری ایران و عراق، کارگران و زحمتکشان و فرزندانشان را با ایجاد این جنگ، بدان‌جهان همانداخته‌است تا هر یک به قیمت کشته شدن عده بی‌شماری از طبقه زحمتکش ورنحیده منافع طبقاتی خود را گشاده‌دلانه بچاپ و ولوغات بیشتر زحمتکشان است، برآورده سازند. ولی کارگران آبادان نوع جنگ را که تنها، منافع سرمایه‌داری و امپریالیست‌ها در آن نهفته است، محکوم... نمایند.

کارگران فقط باید در جنگ شرکت کنند که عادلانه باشد، یعنی جنگی که برای از بین بردن ستم و استیفا و برپای برقراری حکومت انقلابی باشد و ما تنها چنین جنگی را برحق و قابل دفاع میدانیم و جنگ ایران و عراق را، که جنگی ارتجاعی و بنفع سرمایه‌داری و امپریالیست‌ها، بخصوص امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم امپریالیسم شوروی میباید، به همراه ستم و زحمتکشان ایران و عراق محکوم... میکنیم.

عده‌ای از کارگران مبارز تراکتور سازی و وابسته سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

**۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران**

- قسمت دوم -

## ۲- راه کارگر چگونه طبقه کارگر را به سازش دعوت میکند؟

در شماره قبل گفتیم که چگونه سرمایه داران و رژیم به بهانه جنگ ارتجاعی که برآنها انداخته اند، در مدتی که فشار را با زهم بیشتر بر سر کرده کارگران و زحمتکشان منتقل کنند و لذا افزایش کار و تولید را تبلیغ میکنند. همچنین گفتیم که رویزیونیستها (این خائنین به طبقه کارگر) چگونه همصدا با بورژوازی همین شعار را تکرار میکنند و در این رابطه "افزایش کار و تولید" از دیدگاه رویزیونیستهای "اکثریت" را بررسی کردیم.

اما این فقط رویزیونیستها نیستند که به کارگران "ره نمود" (ره نمودی که در واقع کارگر - ان راه چاره بورژوازی هدایت میکند!) ، "افزایش تولید" را میدهند. رفقای "راه کارگر" نیز (هر چند خجولانه!) همین "ره نمود" را به کارگر - ان ارائه میکنند. رفقا میگویند: "افزایش تولید ضروری است" (راه کارگر ۴۵ صفحه ۹) و حتی آنچنان بیش میروند که "۱۲ ساعت کار" (کارگران در قبال دریافت ۸ ساعت حقوق" ، یعنی ۴ ساعت بیگاری کارگران را، ناشید و تشویق کرده و آنرا "فداکاری قابل ستایش" (!) میخوانند (همانجا) باید از راه کارگر "سئوال کرد که به راستی حامل این بیگاری عاید چه کسانی می - شود و فداکاری قابل ستایش "برای کیست؟ اما "راه کارگر" که گویا حدس زده است با بد جواب این سئوالات را بدهد، به شرط و شروط تراسی می - پردازد و میافزاید: "افزایش تولیدی که بدین ترتیب بدست میاید باید توسط شورای کارگران مستقیماً توسط خود او به مناطق جنگ زده فرستاده شود این محصول به هیچوجه نباید وارد بازار آزاد گردد". (همانجا) فرض کنیم تحلیل "راه کارگر" از جنگ ارتجاعی کنونی درست بوده و فرض کنیم که جنگ عادلانه است (که نیست) ، در این صورت مگر امکان پذیر است که تولید اضافی کارگران را آنطوری که راه کارگر میگوید به مناطق جنگ زده منتقل کرد؟ در صورتیکه میدانیم: اولاً بسیاری از شوراهای کارخانجات آلت دست کارفرما و رژیم هستند، ثانیاً در کارخانجاتی هم که شوراهای واقعی کارگری وجود دارد، چه تضمینی وجود دارد که محصولات افزاینده تولید شده حتماً به مناطق جنگ زده میروند و کارفرما و دولت هر کاری که بخواهند با آن نمیتوانند بکنند؟ و اصولاً مگر تمامی محصولات کارخانجات بدرد مردم مناطق جنگ زده میخورد؟ و...

اگرچه اساسی شکر را راه کارگر در مورد "افزایش تولید" نادرست و انحرافی است ولی مطالب

## "افزایش تولید" در جنگ ارتجاعی، شعار در خدمت طبقه سرمایه دار!

حاکم، میکوشند تا کارگران و زحمتکشان را به دفاع از منافع سرمایه داران و ادارند. آنگاه رفقای "راه کارگر" با همصدائی با آنان ، عملاً به تقویت صفوف فدا انقلاب و انحراف مبارزات کارگران می پردازند.

اما ببینیم منظور "راه کارگر" از مفهوم جنگ میهنی "که میخواد هد برای کارگران آنرا "روشن" نماید چیست: "راه کارگر" مراحتاً فرمان توقف مبارزه طبقاتی و نبرد شوقنا پذیر طبقه کارگر با سرمایه داران را صادر میکند! و بالاتر از آن صحبت از "همکاری" سرمایه داران با کارگران میکند! رفقا می نویسند: "هر کجا ما از آنها (سرمایه داران) خواهان همکاری در جنگ مقاومت با شند، اقدامی بر علیه آنها (از جانب کارگران) صورت نخواهد گرفت." (تاکیدها و پراکنده از ماست - همانجا) و با با هم واضحتر میگویند: "سرمایه داران و مدیران را قبل از اینکه عملی برخلاف منافع خلق ، یعنی اختلال در مقاومت ضد تجاوز انجام ندهند، نباید از خود در اند." (تاکید از ماست - همانجا صفحه ۱۰) برآستی این رفقا چه میگویند؟ مگر او احترام از این میتوان آشتی - طبقاتی را تبلیغ کرد؟! رفقا آشکارا (و ناشیانه) ترا رویزیونیستها حکم سازش بین طبقه کارگر و طبقه سرمایه داران میدهند! رفقا که ادعای پیروی از آرمان طبقه کارگر دارند، چگونه است که این چنین به نقض اصول اساسی آن پرداخته و سازش طبقاتی را آشکارا تبلیغ میکنند؟ رفقا دفاع از ارتجاع داخلی (رژیم) را در مقابل مسلح نیروی "تجاوزگر" که گویا "ارتجاعی تر" است ، تجویز میکنند! و این چیزی نیست جز به فراموشی سپردن مبارزه طبقاتی و فرمان "تعطیل" آنرا دادن! در صورتیکه طبقه کارگر در راه رسیدن به اهداف انقلابی راه پرپیچ و خم و دشواری را پیش رود و در آنجا همواره تحت هر شرایط ، مستقیم و غیر مستقیم، با سرمایه داران ، نبردی حاد و خستگی ناپذیر دارد. کارگران هیچگاه وحشتی از "زنده شدن" بورژوازی نداشته و اتفاقاً میخواستند برای همیشه این طبقه استثمارگر را از روی زمین "براند" ! فقط کسانی که سودای سازش طبقاتی دارند از "زندان" بورژوازی می هراسند.

در شرایط کنونی که جنگی ناعادلانه بوسیله رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق بر خلقهای دو کشور تحمیل گشته است ، وظیفه کمونیستها و انقلابیون راستین

فوق را از آن جهت گفتیم که نشان دهیم تا چه حد باید استدلال این رفقا است و آنهم استدلالی که برای "سودگی وجدان" و در واقع توجیه نظرشان در مورد "لرزش افزایش تولید" ، میاورد که در نتیجه آنها را تا حدیک "انجمن خیریه" که برای مردم جنگ زده کمک جمع آوری میکنند ، تنزل میدهد. "راه کارگر" اگر چه برای "افزایش تولید" شرط و شروطی میگذارد ، اما با ما هدهده بی - پایگی این شروط ، چیزی جز سیاست رویزیونیستهای "اکثریت" در باره "افزایش تولید" ، باقی نمی ماند. و این خود انعکاسی از گرایش رویزیونیستی "راه کارگر" است که عملاً کارگران را در مقابل سرمایه داران خلع سلاح میکند و سازش طبقاتی را تبلیغ مینماید ( « ) شعار راه کارگر یک شعار سرمایه داران رویزیونیستی است. "راه کارگر" خود اعتراف میکند که جنگ کنونی در شرایطی "صورت میگیرد که بی اعتمادی زیادی به حاکمیت فعلی وجود دارد. نمونه های زیادی وجود دارد که ثابت میکند حتی عقب مانده ترین کارگران با جان و دل در راه "میهن سرمایه داران" مبارزه نخواهند کرد." (همانجا) ولی بدنبال آن می افزاید: "... به همین دلیل مفهوم جنگ میهنی (بخوان جنگ ارتجاعی - بیگاری) برای آنها باید روشن گردد. " آری کارگران و زحمتکشان میهنمان روز بروز بیشتر به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی پی می برند. آنها با راه و بارها دیده اند که چگونه هنگام در گیری با سرمایه داران و مطالبه خواستهای به حقشان از آنها ، همواره این باسداران رژیم بوده اند که به دفاع از سرمایه داران برخاسته اند و مبارزات کارگران را سرکوب نموده اند. بی - برای طبیعی است که کارگران به آسانی فریب تبلیغات سرمایه داران و رژیم جا میشان را نخواهند خورد و به دفاع از "میهن سرمایه داران" برخاسته اند. به همین دلیل است که سرمایه داران و رویزیونیستهای خائنین با انواع و اقسام حیلها ، از قبیل سوء استفاده از احساسات وطن پرستانه توده ها و تطهیر رژیم

(\*) - لازم به تذکر است که ما رفقای "راه کارگر" را همطراز رویزیونیستهای "اکثریت" نمیدانیم این رفقا جزو بخش ناپیکر جنبش کمونیستی هستند. در صورتیکه رویزیونیستها خائنین به طبقه کارگرند.

بقیه در صفحه ۷

## بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!



# مجاهدین خلق و جنگ

## بیانیه مجاهدین در رابطه با تجاوز عراق:

### باز هم تزلزل در مقابل انقلاب

این که تحت هیچ عنوان (منجمله صدور مکانیکی انقلاب) قصد تحریک و دخالت در امور داخلی دیگران را ندارد... بیانه بدست عراق ندهد؟" (بیانیه مجاهدین...)

از شیوه برخورد لیبرالی مجاهدین که نه تنها در حملات بالا، بلکه اصولاً جزئی از شیوه برخوردشان نسبت به مسائل انقلاب است فعلاً میگذریم و بجای دیگری موقوف میگردیم نشان میدهیم که گرچه مجاهدین بخشی از حقیقت را در یافته اند ولی بخشهای اساسی آن را انکار کرده و بدین ترتیب موفق به اتخاذ تاکتیکی صحیح و انقلابی در ارتباط با مسئله جنگ نشده و بالاخره تزلزل ذاتی خود را بار دیگر عیان ساخته اند.

حقیقتی که مجاهدین بیوشانده اند کذا مند؟ مجاهدین خلق برای واقفیت آشکار که جنگ کنونی، جنگی غیر عادلانه میان دو دولت است ارتجاعی است برده میکشند، آنها تحت عنوان "دفع تجاوز و دفاع از میهن و مردم" توده ها را به شرکت در این جنگ ارتجاعی فرا میخوانند، تا گویست دم توب سرما به داران دو کشور شوند. (برای شناخت بیشتر نسبت به موضع ما در مقابل سوسیال شویونیستها و دفاع طلبان به ضما تم بیکار و بیکار نشوریک شما ره رجوع کنید).

تزلزل مجاهدین هنگامی بیش از پیش آشکار میشود که آنها در مقابل واقفیت موجود به ضد و نقیض گویی می افتند:

"... ولی جنگی صدر صد قابل پذیرش و استقبال است که جنگی انقلابی بوده و نتایج آن بر علیه شیطان بزرگ امپریالیسم خونخوار و فرزندنا مشروع آن مپیونیسیم جنایتکار و بیهوده نفع خلقهای تحت ستم تمام شود. جنگی که دیگر واقعاً اجتناب ناپذیر و در جهت برانداختن مطلق جنگ و بیروزی و استقرار صلح نیازی باشد، اما آیا میتوان گفت که جنگ ایران و عراق و نه به سود امپریالیسم و مپیونیسیم تمام میشود؟! البته واضح است که دفاع عادلانه در برابر تجاوز و تسلطه - طلبانه از موضع انقلابی کاملاً قابل قبول و تأیید کردنی است." (بیانیه مجاهدین...)

مجاهدین بدینسان با بقنان از برخورد صریح با مسائل اجناس کرده و هنگامی که با مسئله اصلی جنگ روبرو میشوند یعنی آیا این

مجاهدین بدرستی معتقدند که این جنگ در ارتباط با دولتهای ایران و عراق تحقق یافته و در این راه از آن کمونیستهای که دم از "مذاق انقلاب مغلوب" و "توطئه امپریالیسم آمریکا" برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و سرکوب انقلاب میزنند، بشیر و ترند، آنها بدرستی معتقدند که امپریالیسم آمریکا نه خواهان سرنگونی رژیم بلکه، خواهان راه ساختن آن است آنها ضمن آنکه توسعه طلبی و شویونیسم رژیم عراق را با جمله میگیرند (۲) رژیم ایران را نیز تا حدی مقصود برافروختن جنگ میدانند: "جنگی که بر اساس پاره های اختلافی و تضادها در ادا میگیری تحریکات و برخوردهای موضعی و مقطعی، اینک ابعاد گسترده و بی - آمد های خطرناک به خود گرفته است، نفس جنگ و ارزیابی این مسئله که این جنگ تا چه حد اجتناب ناپذیر است قابل اجتناب بود فعلاً مسئله میروم ما نیست و از آن میگذریم، (چرا؟ - پیگار) اگر چه این سوال بجای خود باقی است که آیا اختلافات ایران و عراق نمیتوانست در مسیر برخوردهای دیگری از سوی طرفین و یا برهیز از تحریکات متقابل و رعایت اصول مسلم عرف و قوانین بین المللی به سرانجامی جز جنگ منتهی شود؟ و به خصوص جدا با سوال نمود که آیا ایران نمیتوانست از همان ابتدا با اتخاذ سیاستی انقلابی و هوشیارانه و با اعلام

(۲) - تا س با رایج است که مجاهدین نه تنها نسبت به جمهوری اسلامی دچار توهم اند، بلکه نسبت به دولت عراق نیز دچار توهم هستند، آنها ظرفیت مبارزه با امپریالیسم و مپیونیسیم برای رژیم ضد خلقی عراق قائلند و در هیچ کجا این رژیم را ارتجاعی نخوانده اند، در بیانیه خود مجاهدین میگویند:

"... و با بکار انداختن و تحلیل بردن ددر نظامی عراق در جنگ علیه ایران (بجای بکار گرفتن آن علیه اسرائیل)... بدین ترتیب مجاهدین بر قوای نظامی عراق دل میسوزاند و از اینکه این توابه اسرائیل فرستاده نشده اند اظهار تاسف میکنند. ما از مجاهدین می پرسیم مگر عراق یک دولت انقلابی است که از آن انتظار دارید به سود خلق فلسطین با اسرائیل بجنگد، آیا این شیوه برخورد به یک رژیم ارتجاعی، لیبرالی نیست؟

سیاست مجاهدین در قبال جنگ دقیقاً ادا همان سیاست کجدا رومریزیستین آنها در قبال انقلاب است.

مجاهدین تاکنون تزلزلات فراوانی از خود در مقابل انقلاب نشان داده و در آنجا که شرکت فعال در قبال مبارزات طبقاتی توده ها را طلب میکرده، میدان را خالی کرده اند، آنها نه تنها در جنبش مقاومت مسلحانه خلقی که شرکت نکرده، بلکه حتی در پیشانی از آن نیز کوتاهی ورزیده اند، آنها بجای سوق دادن مبارزات توده ها بر علیه رژیم سرکوبگر کجدا کوشیده اند در بسیاری مواقع رژیم و اصلاح طلبی را تبلیغ کنند و بجای افشای حاکمیت ارتجاعی، بمسورت اندر زگو و خیرخواه رژیم درآمده و در حقیقت توده ها را نسبت به ما هیت رژیم بیشتر دچار توهم کرده اند. مجاهدین علیرغم حتی سرکوب و شکنجه و تیرباران اعضاء و هواداران خودشان و وحدت توده ها را با دشمنان نشان (یعنی جمهوری اسلامی) تبلیغ میکرده اند. به قانسون سرما به داران تن داده و کوشیده اند فعلاً لیتها ی خود را در چهار چوب مورد قبول ارتجاع محدود نگهدارند، در بسیاری مواقع دفاع از یک جناح ارتجاعی هیات حاکمه (لیبرالها) در مقابل جناح ارتجاعی دیگر بر خاسته اند، هر جا که مبارزات کارگران و زحمتکشان اوج گرفته است دودلی، تزلزل و تردید از خود نشان داده اند، بجای حرکت از منافع جنبش از منافع حقیر گروهی خود حرکت کرده و هر چند که باز هم سرکوب و گستاخ شده اند اما باز هم از تمکین در مقابل سرما به داران چشم نبوشیده اند... سیاست مجاهدین در قبال جنگ نیز ادا به تزلزل در قبال دشمنان توده ها تا بیگیری در دفاع از انقلاب و حرکت کردن از منافع خود و نه منافع جنبش می باشد.

### بیان بخشی از حقایق و انکار بخش دیگر حقیقت

تحلیل مجاهدین در ارتباط با جنگ، گرچه در خدمت بورژوازی حاکم بر میهن ما در میاید، اما بهر حال حاوی بخشی از حقایق نیز هست، حقیقتی که نه تنها رویونیستهای خائن، بلکه نیروهای کمونیستی ناپیکر چون راه کارگرو رزمندگان نیز به نفعی آن بردا خت و خاک در چشم توده ها می پاشند. (۱).

(۱) - مجاهدین در مورد جنگ از جنبه های دیگری نیز بر نیروهای ناپیکر جنبش کمونیستی چون راه کارگرجان دارند، راه کارگر طبقه کارگر ایران را دعوت میکنند تا به قیمت استثمار بیشتر بسود بورژوازی تولید کنند، در حالیکه بازوی انقلاب نشریه کارگری مجاهدین اخبار اعتصاب کارگران بر علیه ساعات کار اضافی را چاپ میکنند!

رژیم هایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

# پیگار

جنگ بسود خلقهای ایران و عراقی تمام میشود، یا نه، پس از مقدمه چینی هائی که بدرستی این مفهوم را میرساند که این جنگ بسود خلقهای دو کشور نیست، ناگهان پاسخی متضاد با آنهمه مقدمه چینی میدهند، آنها گریه در جانی دیگر از همان بیانیتهای توپوگرافیک را بر علیه خلقهای دو کشور اعلام کرده اند:

"(جنگ ایران و عراق) امکانات و مقدرات مختلف دو کشور را هر چه بیشتر تحلیل برده و موجب نادمانی هر چه بیشتر میهنونیم و امیریا - لیسیم جیا نخواهیم کرد." (بیانیه ...)

اما در نقل قول بالاتر می بینیم جغرافیای پاسخ صریح به سئوالشان، گوئی که از این همه "جسارت" خود را به بورژوازی حاکم ترسیده باشند و از این سئوال "مذموم و کفرآموز" به خود آمده بیکبار به پاسخی میدهند که نه ارتباطی با مقدمه - چینی های پیشین ایشان دارد و نه با مصالح انقلاب ایران!

ما از مجاهدین سوال میکنیم، اگر این جنگ قوای دو کشور را تحلیل برده و بسود امیریا لیسیم و صهیونیسم است و برخلاف منافع خلقهای دو کشور، چرا در آن شرکت میجویند؟

معیار مجاهدین برای عادلانه بودن یک جنگ چیست؟ آیا از دیدگاه مجاهدین اگر یک جنگ برخلاف منافع خلقها باشد، باز هم عادلانه است؟! اگر یک جنگ تنها بسود امیریا لیسیم و صهیونیسم باشد یا زهم عادلانه است؟! اگر آنطور که خود مجاهدین ذکر میکنند این جنگ توده ها را از صحنه اصلی نبرد با صهیونیسم و امیریا لیسیم دور میکند، آیا باز هم میتوان آن را جنگی انقلابی دانست؟ تراژدی تحلیلیهای مجاهدین و تزلزل ذاتی آنان در مقابل انقلاب درهمین جا نهفته است، آنان متعلق به اقلیت است و از جامعه جدا هستند که گریه زیر سلطه امیریا لیسیم قرار دارند، اما بعلت بای بند بودن به مالکیت کوچک و مسائل تولیدشان از یکسو محکوم به ماندن در صف انقلاب و از سوی دیگر از تیرد قاطع بسود بورژوازی و ارتجاع نیز متعلل میورزند با لکیت خصوصی زنجیرگرا نی بر بای خرده بورژوازی است (۳) و چنین است که از قاطعیت تحلیلیهای آنها جلو گرفته، نظراتی دودلانه و مردود و متزلزلانه را به پیش میاورد، "با وجودیکه چنین است و لسی آنجان نیز هست"، "علیرغم این مسئله، باید بدنبال آن مسئله افتاد..."، "علیرغم اینکه این جنگ بسود خلقهای دو کشور نیست، ولی، اما... خوب... البته باید در آن شرکت کرد"، "چرا بایستی در جنگی که بسود امیریا لیسیم و برخلاف

منافع خلقهای دو کشور است شرکت کرد؟ مجاهدین در اینجا از حرکت از مصالح انقلاب چشم پوشیده، بجای عزیمت از منافع خلقهای دو کشور مسئله دفع تجاوز و دفاع از میهن را پیش میکشند و این پاسخ دیرینه و کهنسال همه کسانی است که بسود جنم توده ها خاک می باشند و بیاری سرمایه داران می شتابند:

"دشمن به میهن من تجاوز کرده و ما باید از میهن خود دفاع کنیم".

محبوب نمیشوند؟! از دیدگاه انقلابیون ادعاهای طرفین در جنگ اهمیتی ندارد، شروع کنند جنگ نیز چه کسی بوده است، مهم نیست، مهم منافع خلقهای دو کشور است، و این همان چیزی است که مجاهدین آن را از نظر دور داشته اند.

## جسم داشت از بورژوازی (محافظة کاری در برابر ارتجاع)

سازمان مجاهدین بنا به آن با یک...

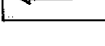
ما از مجاهدین سوال میکنیم، اگر این جنگ قوای دو کشور را تحلیل برده و بسود امیریا لیسیم و صهیونیسم است و برخلاف منافع خلقهای دو کشور، چرا در آن شرکت میجویند؟ معیار مجاهدین برای عادلانه بودن یک جنگ چیست؟ آیا از دیدگاه مجاهدین اگر یک جنگ برخلاف منافع خلقها باشد، باز هم عادلانه است؟! اگر یک جنگ تنها بسود امیریا لیسیم و صهیونیسم باشد، باز هم عادلانه است؟! اگر آنطور که خود مجاهدین ذکر میکنند این جنگ توده ها را از صحنه اصلی نبرد با صهیونیسم و امیریا لیسیم دور میکند، آیا باز هم میتوان آن را جنگی انقلابی دانست؟

جغرافیای این جنگها را رهبری میکنند مهم نیست، چه پاسخی در این جنگها دنبال میشود مهم نیست، اینکه این جنگها بر علیه خلقهای کشورهای درگیر در جنگ و بسود امیریا لیسیم و ارتجاع است، مهم نیست، مهم آن روحیه صهیونیسم بورژوازی است که خرده بورژوازی را بدنبال خویش میکشد و ملعبه منافع ارتجاع حاکم میکند بر استی معیار مجاهدین چیست؟ دفاع از منافع خلقها! پس چرا شرکت در جنگی بر علیه خلقهای دو کشور را تبلیغ میکنند؟ شرکت در جنگ از دیدگاه رادیکال و رادیکالیستهای خاشی که جمهوری اسلامی با ساروفدائی (اکثریت) را در هم می آمیزند، سیستماتیک و مشخص است:

"بورژوازی حاکم در خطر است، بیاریست - بشتابیم و چون" ارتجاع حاکم "انقلابی است دفاع از آن بمنفع خلقهای دو کشور است". اما مجاهدین که معتقدند این جنگ بسود خلقهای دو کشور نیست، چگونه شرکت خود را در آن توجیه میکنند، تنها اینکه عراق تجاوز کرده است؟! اینکه معیاری انقلابی نیست، پس حرکت از منافع خلقها چه میشود، گذشته از آن مگر هواپیماهای ایرانی به کشورهای عراق و ترکیه است مگر همچنانکه ارتش ضد خلقی عراق، خلقهای ایران را کشتار میکند، ارتش ایران و بمباران - های مناطق مسکونی و اقتصادی عراق - کشتار و فداکت برای زحمتکشان عراق به ارمان میاورد؟ شاید مجاهدین بگویند عراق اول حمله کرد، این پاسخی است عوام فریبانه، چرا که نقطه عزیمت خود را نه منافع خلقهای دو کشور و نه بر طبق حاکم بر این کشورها و نه بر سیاستهای آنان قرار میدهد، هم دولت عراق و هم دولت ایران یکدیگر را به شروع تجاوز متهم میکنند، رژیم ضد خلقی عراق علت شروع جنگ را "سردور انقلاب اسلامی"، حمایت از نیروهای چون حزب - الدعوه و دخالت در امور داخلی عراق عنوان کرده است، آیا اینها از دیدگاه مجاهدین تجاوز

طبقا تیش، کاملاً از بورژوازی قطع امید نکرده است. تزلزل خرده بورژوازی ناشی از آن وجه اشتراکهاست که در ارتباط با مالکیت خصوصی با بورژوازی دارد، اقشار میانی و یا ثینی خرده بورژوازی که در میهن ما جبراً از سوی ارتجاع و امیریا لیسیم بمغوف انقلاب رانده میشوند، هنوز نگاه به دستهای بورژوازی دارند و انتظار ملاحظت و رحمتی!

مجاهدین که در طی این ۲۰ ماه، همواره در کنار دیگر نیروهای انقلابی مورد تشا قرار گرفته اند، هنوز هم معتقدند که شایسته سربازان خلقهای ایران و جلادان زحمتکشان، کمونیستها و مجاهدین بر سر لطف بیایند، هر بار که مجاهدین توسط ارتجاع بخون کشیده میشوند، مجاهدین ملتسمانها ز قاتلان آنها تقاضای شفاعت میکنند، آنها هر بار که مورد تشا قرار میگیرند، شروع به نامه پراکنی برای دادستان کل و رئیس مجلس و فلان وزیر و رئیس جمهور میکنند و عا ملین تشا هم، سرکوب و کشتار را به کمک می طلبند، آنان گذشته از اینکه توده ها را می فریبند تا عا ملین اصلی کشتار و سرکوب را نشنا سدر و رژیم کم را دوست و "شفیع" خود بحساب آورند، تزلزل خود را در مقابل ارتجاع نیز آشکار کرده، نشان میدهند که نمیخواهند به یک خط کشی انقلابی با دشمنان توده ها دست بزنند و خود را هنوز به مراحم ارتجاع دلگرم میدانند آنان بخاطر همین تزلزل و محافظه کاری در مقابل ارتجاع است که بارها از دفاع از انقلاب چشم پوشیده اند، قاتل و قاتلان سوخته میشوند، کردستان قهرمان بمباران میشود، سنجد خونین، یکما دنما مزیر آتش خمپاره در آتش و خون مسورد، دلاوران کمونیست در سرا سر میهن بخاطر عشق بد زحمتکشان به خون کشیده میشوند، اما این یاران نابگیر، کمکشان هم نمی گذرد رژیم به دستک حمله میکنند و تشا تشا را انقلابی را کشتار میکنند، اما مجاهدین فرا را برقرار



ترجیح میدهند و همواره در طی این مدت سوارانه به نامدکاری برای حضرات جلال خلقیای ایران مشغول میشوند و چشمه بالا میدوزند و به تکالیفهای دوران ارتجاع امیدوار شده، بدفاع از بخشی از ارتجاع (لیبرالها) در مقابل بخش دیگری بردازند و... شماردهای "مجا همدارا" بنگرید، بران استغنا شو استرجاع از خاکمان در قدرت است و نیز سکوت در مقابل اکثر جنایات رژیم بر علیه کمونیستها، کارگران، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران. آنان در مورد مسئله جنگ نیز با رد بگرسه سیاست استغنا شو استرجاع بنا برده و مانند نندنا صحن خیرخواه منافع رژیم جمهوری اسلامی را به آنان یادآور میشوند و میگویند:

"بدیهی است که مسئولین حکومتی نیز می بایست با پرهیز از هر نوع تنگ نظری و انحنا رطلبی و خاتمه دادن به تمام تفرقه های درونی، زمینه شرکت فعال کلبه های نیروهای مردمی را در یک مقاومت همد - جاننده علیه تجاوز عراق و دفاع از میهنس و مردم فرا هم کنند چرا که دفاع از تمامیت ارضی کشور و مقاومت در برابر تاجران و سلطه طلبان خارجی امری است که حقیقی مشروع تمامت ارضی و مردم ایران است و هرگز نباید در خدمت قدرت رطلبی محافل و جریان های خاص قرار بگیرد که متاسفانه تاکنون قدم مثبتی در این زمینه برداشته نشده است" (بیا ننده مجا همدین نقل از فوق العاده مجا همد، ۵ آبان).

ماهیت ارتجاعی رژیم چه میشود؟ آیا رژیم سرکوبگر بورژوازی حاکم است یا سوسیالیست؟ اتحاد مردم را ایجاد کند؟ آیا رژیمی که خود مردمی نیست میتواند در راه مردم مبارزه کند؟ مجا همدین به این سئوالات کاری ندارد، آنها بسیاری مواقع بد رنگ آمیزی هیات حاکمه برداخته اند و این بار اولشان نیست، در همان هنگام که هواداران شان توسط پاسداران اسیر شده و یا به شهادت میرسیدند، مجا همدین جریکهای نیم وقت خود (میلیتیا) را تمام وقت در خدمت پاسداران قرار دادند و به جنایات این ارکان خدمت می دست میراند گفتند، امروز نیسیس مجا همدین به همه توده های هوادار خود فرسان میدهند که در ارگانهای رژیم جمهوری اسلامی بدون آرم و مشخصات و حرکت از موضع مستقل به جنگ بردازند و تنها خواهش شان این است که دست آرزو مند مجا همدین برای یاری و یاری به رژیم جمهوری اسلامی رندنگردد! چه باک اگر حتی در همین دوران اعلامیه های مجا همدین نیسیس ممنوع اعلام میگردد! مجا همدین در ارتباط با مسئله جنگ نیز فقط دادشان از انحنا رطلبی بلند است:

حاکمین در قدرت (حزب جمهوری اسلامی) اینقدر انحنا رطلب نباشید، صندلی قدرت که خیلی بزرگ است، کمی آنطرف تر بنشینید، ما هم

کنارشان جایگیریم، چرا همه قدرت را برای خود برداشته اند... مجا همدین با دیدن نندنا فح طبقا سی رژیم با منافع آنان بطور عمده در تضاد است و بدین ترتیب اتحاد دنیروها می مانند مجا همدین با رژیم کتونی امری بعید است (مگر آنکه مجا همدین از منافع اسقلاب صرف نظر کنند) دعوت به اتحاد با رژیم کتونی چیزی جز فراموش کردن مصالح انقلاب ایران نیست.

ارزش بسیار بیشتری از مبارزان کردستان و یا کشته شدن هزاران نفر در جنگ غیر عادلانه کتونی و فلاکت و آوارگی توده ها دارد و اینهم جدا از جایگاه طبقاتی مجا همدین نیست (۴).  
خرده بورژوازی تا زمانی که مالکیت خصوصی حقیرش در خطر قرار نگرفته است، به چشم کدکا گرگان کشته و سرکوب میشوند! اما وقتی فشار سرمایه بیهوده و راهم گرفت، آن موقع داداش

مجا همدین خلق برای این واقعت آشکار که جنگ کتونی، جنگ غیر عادلانه میان دود و ولست ارتجاعی است پرد می کنند. آنها تحت عنوان "دفع تجاوز و دفاع از میهن" مورد تمهه ها را به شرکت در این جنگ ارتجاعی فرا میخوانند تا گوشت دم توپ سرمایه داران د و کتورشوند.  
آنها در مقابل بسیاری از مسائل انقلاب سکوت میکنند، اما حمله به خود را مجازانند اما انکار فلان حرف فلان مرتجع در مورد مجا همدین ارزش بسیار بیشتری از مبارزان کردستان و یا کشته شدن هزاران نفر در جنگ غیر عادلانه کتونی و فلاکت و آوارگی توده ها دارد و اینهم جدا از جایگاه طبقاتی مجا همدین نیست.

**ثالثا، حرکت از خود و دنباله روی از توده ها برای فریب آنان**

گذشته از محتوای بیانی که تزلزل در مقابل انقلاب را خوب نشان میدهد، شیوه برخورد مجا همدین نسبت به جنگ نیز، مانند همیشه شیوه ای عوام فریبانه، مظلوم نما یا نه و دفاع از خود بجای دفاع از منافع جنبش است.  
مجا همدین که در مقابل توهمنده ها نسبت به آیت الله خمینی و رژیم جمهوری اسلامی، بسیاری مواقع بدنبال توده ها افتاده اند، تا با تاشید نظرات عقب مانده بخشی از توده ها، آنان را بسوی خود جلب کنند، در مورد جنگ نیز بدنبال روحیه "دفاع طلبی" توده ها که بر اثر فعالیت آنها هگرایا به انقلابی عبتوان آن را ضروریست افتاده اند، آنان برای جذب توده ها از طریق عوام فریبانه، شروع به مظلوم نمایی کرده و در فوق العاده هم آبان مجا همدین ساد بر میا ورنشده "ما در جنگ شرکت داریم، بیخود به ما تهمت عدم شرکت نزنید، آنها بجای افتشگری جنایات دور رژیم ایران و عراق، فلاکت و بدبختی توده ها، وضعیت آوارگان و دفاع از گسترش انقلاب بر علیه رژیمهای حاکم... مصحاب بسیاری را فقط به این اختتام داده اند که ده هوادار در فلانجا، یا ۵۰ هوادار در جای دیگری سبایا ساداران برای گرفتن اهل خدمت شروع کردند، اما پاسخ رده شنیدند و بورژوازی دست رد بدسینه این حامیان متزلزل جمهوری اسلامی و نیز هواداران متزلزل انقلاب زد! این شیوه همیگی مجا همدین است، آنها در مقابل جنایات رژیم در مورد کارگران، زحمتکشان و خلقها سکوت میکنند، اما وای بروزی که حرفی در مورد مجا همدین زده شود، دهها ضمیمه و اعلامیه و صدها میلیشیا ی مجا همدین آماده اند و قدمقا در منست بکیرند و ثابت کنند که رجوی ساواکی نبوده است آنها در مقابل بسیاری از مسائل انقلاب سکوت میکنند، اما حمله به خود را مجازانند...  
انگار فلان حرف فلان مرتجع در مورد مجا همدین

در میاید، برای مجا همدین هم جنایات رژیم است و روسکوب بوده ها در کارخانه ها، مزارع، کردستان، ترکمن صحرا، دانشگاه... مهم نیست، کافی است رژیم حرفی به مجا همدین بزند و مثلا بگوید مجا همدین در جنگ نیستند تا دهها ضمیمه و اعلامیه پخش شود، مجا همدین دفاع از خود را بر دفاع از زحمتکشان و انقلاب رجحان میدهند، هخا نظور که خرده بورژوازی خود را و راه طبقات و محور عالم وجود میبندارد.  
مجا همدین باید بداند که در انقلاب نه از نامهربانی برای مرتجعین و نه ریختن خاک در چشم توده های برای تدیدن ماهیت رژیم، بلکه از دفاع از منافع زحمتکشان افشای ارتجاع و مقابله با بورژوازی حاکم میگذرد، حتی اگر مجا همدین هم نخواهند، واقعیت خشن مبارزه طبقاتی آنان را با همه تزلزلات و سازشکاریها نشان مادمیکه بخوانند در مصاف انقلاب بمانند، بدیدن این حقایق وادار خواهد کرد.

(۴) - استنباه نمودن مبارزه در راه حقا نیست تشکیلات انقلابی و دفاع از خود را هنگامی که در ارتجاع و افشگری در این زمینه را در نمیکنیم اما دفاع از تشکیلات انقلابی جزئی کوچک از مبارزات ما را در جهت افشای و مقابله با ارتجاع تشکیل میدهد. اشکال اصلی مجا همدین در اینجا است که آنان پیش و پیشی از آنکه به مسائل اساسی انقلاب ایران توجه داشته و بدفاع از زحمتکشان و انقلاب بپردازند، به مسائل از زاویه دید تشکیلات خود نگاه میکنند و نسبت به جنبش کارگران، دهقانان، زحمتکشان، خلقها، نیروهای کمونیست که در مورد یورش ارتجاع و امیریا لیسیم قرار میگیرند، بسیاری مواقع ساکت می نشینند، مگر آنکه در یک مورد، خود آنان نیز مورد هجوم واقع شده اند، آنان خود را ما و راه منافع انقلاب قرار میدهند.  
(۵) - چه بسا مجا همدین، عدم افشای ارتجاع و دفاع قاطع از انقلاب و حمایت بخشهای از ارتجاع

# در شهری که ضد انقلاب حکومت می کند قطب زاده مبارز گهنه کار از آب در می آید!

مبارزه بر سر قدرت بین لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی در اوچگیری فزاینده خود بینه بخش مناظره تلویزیونی قطب زاده ویلانی - اسلامی در تلویزیون کشید. قطب زاده دستگیر شد و این بیانه ای شد برای لیبرالها و بویژه قطب زاده که "آبی برای" روی "خود دست و پا کنند. در باره قطب زاده که عملکردهای و قیامه نگارند از بیانی طی دو سال گذشته، حتی بسیاری از طرفدارانش را منجر کرده بسود، مقالات زیادی نوشته شد.

رسمی بعمل آورند و او را بعنوان یک مبارز سرشناس ایرانی به محافل امپریالیستی معرفی نمودند؟ آیا فکر میکردند برای چنین روزها بی بدردشان می خورد؟ همینجا بد نیست به روی بیونیت های حزب توده اشاره کنیم که در همان کنفرانس همراه با آقای قطب زاده "هیات نما بندگی ایران" را تشکیل میدادند و آرزوی دمکراسی سلطنتی شاه را می نمودند.

مردم ما می پرسند شما من نزدیک آقای قطب زاده ویزدی یا پروفیسور حادالگار ما مورسیا که در لبنان محقق اسلامی و مترجم آثار شیعی به ایران آمدن "امام" هم مصاحبه کرد و گفت که دارکتابی در شرح احوال آیت الله خمینی می نویسند برای چه بوده است؟ (رجوع کنید به پیکار ۴۱ مورخه ۱۵ بهمن ۵۸).

قطب زاده که دارای روابط نزدیکی با موسی صدر بود از طریق او با لیبرالهای آمریکائی خاورمیانه نیز سوسری داشت و در یکی از سفرها پیش به لبنان در سال ۵۵ مورد استقبالی کسانی قرار گرفت که در وابستگی به امپریالیسم آمریکا در لبنان معروف اند. "جرج ابو عضل" سرمایه دار وابسته لبنان و صاحب مجله "الاسبوع" - "العربی" در باره او در صفحه اول مجله اش شرحی نوشت و عکس او را بعنوان یک "مبارز علیه شاه" که درباری ریس زندگی میکنند "چاپ کرد. در آن مجلس که لایه قطب زاده در باره مبارزانش داد سخن داده یک لیبرال آمریکائی دیگر هم بنا م دکتر کلفویس مقصود (نماینده لبنان در یونسکو) به عنوان دوست قدیمی قطب زاده حضور داشته است چشمها و مغزهای آشکار و پنهان امپریالیسم با بازی لیبرالانما می و حقوق بشرشان از آرزوهای چه میدهائی به قطب زاده داشته اند؟

آیا اینکه آیت الله خمینی بوسیله اینگونه لیبرالهای "بیرومند" درباری ریس احاطه شده بود یعنی مدریوزدی و قطب زاده، میزبان و مهماندار همه کاره "امام" بودند، با موضوعی که دولت فرانسه گرفت و در کنفرانس کوالدوب آمریکا شیبها بر سه پیشنها دفرا نسه برای انتقال مسالمت آمیز قدرت از شاه به آیت الله خمینی به توافق رسیدند و از ارتش خواستند که خود را "تسلیم انقلاب اسلامی" کنند عجیب مینماید؟ و آیا تعجبی دارد که قطب زاده حتی در همین

آیا عجیب می نماید که او در مصاحبه با مجله تا می یکی دو هفته پیش از طرح مساله گروگانها در مجلس شورا، افتخار میکند که او اولین کسی است که رسماً برای حل مساله گروگانها به مجلس نامه نوشته است؟ در دبیرکلیه در مدیحه سرائی خود به نفع قطب زاده از سفر او به مصر در زمان عبدالنار و دیدن دوره آموزش جریکی سخن میگوید. آری، او با جرمان ویزدی و چند نفر دیگر این هوس ما جرا جوینا را هم کردند، ولی اگر انقلابی بودند یا کوچکترین قدمی در راه ایجاد یک سازمان انقلابی در داخل کشور نمودند؟ و آیا هیچ حمایت مجدانه و صادقانه ای از مبارزین داخل کشور بعمل آوردند؟ آیا آنچه (بنام حمایت از مبارزین داخل و بخصوص مجاهدین خلق کردند جز به قصد سوءاستفاده از نام مجاهدین و جز در راه معرفی مجاهدین در همان قالب لیبرال - مذهبی مورد نظرشان بود؟ آری آقای قطب زاده "مبارز گهنه کار" است. اما "مبارز" لیبرال و کنتر گودشتین. "مبارز" در آب و هوای خوش یا ریس و سواحل نیس فرانس.

اگر مبارز بودن را معادل از خود ما بیه گذاردن و فداکاری در راه خلق و توده های زحمتکش بدانیم، باید پرسید، آقای قطب زاده و امثالش دکتری ویزدی و جرمان وینی صدر چه چیز از دست دادند؟ آنها سالها در خازج گوش خوابانده بودند که در به نخته بخورد و آنها بی مروج سوار شوند و چنین شد. آیا بورژوازی جز بقیمت سوء - استفاده از مبارزات خلقها و فداکاران ریه ای آنان براریکه قدرت تکیه میزند؟ بیهوده نیست که آقای بنی صدر از سالها پیش خود را اولین رئیس جمهوری ایران تصور میکرد و قطب زاده و جرمان و نیز جلال الدین فارسی خواب رهبری جنبش را میدیدند. لیبرالها میگویند، قطب زاده مبارز گهنه کار "است ولی مردم از لیبرالهای که قبلاًشان آمریکا است می پرسند کجا میزیست قطب زاده و او آنقدر مورد توجه "سیا" و "حقوق بشر" گارتر قرار داده بود که در دیماه ۵۵ و در حالی که در داخل کشور، لیبرالها به ارسال نامه های گدا می شاه به برداخته بودند ریچارد گامما مور با سابقه سیا در مصاحبه ای با مجله "تودل اوپوزر" - "واتور" چاپ باریس شایعه کوشش سیا برای ترور قطب زاده را بر سر زبانها انداخت؛ و جسر اعمال شناخته شده امپریالیسم جهانی که مؤوز بنا م "بین الملل سوسیالیست" معروف اند کنفرانسی برای با صلاح افشای دیکتاتور سوری شاه تشکیل دادند و آقای قطب زاده هم دعوت

بازرگان او را "مبارز گهنه کار" نامید و سردبیر کلیه ن شهریا روحانی در باره فضا نش نداشته قطب زاده مدیحه سرائی ها نمود. لیبرالها که مدتها بود گوش خوابانده بودند فرصت طلبانه سر برداشتند و به بیانه دستگیری قطب زاده برای لگد مال شدن "آزادی" نوحه سردادند و آشک تماش ریختند. البته اینکه زندانهای رژیم جمهوری اسلامی دیگر جرایم پذیرفتن و انباشتن کسونیستها و مجاهدین و روزمندگان خلق کرد و عرب و... را نداد و اینگونه جوخه های اعدا موبیدانگه های فدا انقلاب هر با مداد خون تا زه طلب میکنند برای آقایان لیبرالها نظیر بازرگان و امثال او چیزی نیست. خوب هم هست!

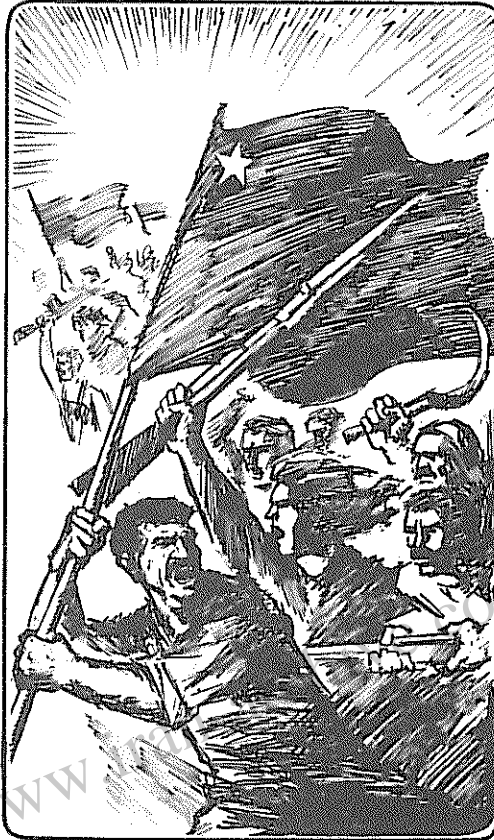
بهر حال قطب زاده را "مبارز گهنه کار" نامیده اند. ببینیم مخالفتهای او با حکومت شاه و فعالیتها و در خارج کشور از موضوع انقلابی بوده است یا لیبرالی؟ یا بنفصیح زحمتکشان ایران بوده است یا در رابطه با خط مشی لیبرالهای آمریکائی و اروپائی؟

قطب زاده در اواسط سالهای ۴۰ در آمریکا دانشجوی بوده و در اتحادیه دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا فعالیت میکرد. فعالیتها افشاگرانه دانشجویان علیه شاه را شن بشکل نظارات و تحمن و... صورت میگرفت. قطب زاده همراه با سیف پورناظمی که هم اکنون گروهی لیبرالی بنا م "گروه سیاسی ایران امروز" را دارد در ساختمانهای وابسته به ملل متحد اعتماد غذا کردند و رژیمها به سبورت آن دورا الفو کرد. رژیم سوریه و مصر با طرا اختلافاتی که با آنها داشتند اعلام کردند که آن دورا دانشجویان شهر و ندان تبعه خود می پذیرند. و قطب زاده از آن زمان تا سال ۵۷ با سبورت سوریه ای در خارج زندگی میکرد.

خوب، او دانشجوی "مبارز" است. اما ما بنظر شما چطور میشود که او در همان سالها بیونیتها میکند که کنفرانس یون دانشجویان ایرانی به یک "اتحادیه بین المللی دانشجویان" (U.S.) که مستقیماً بوسیله "سیا" حمایت و تامین میشود بپیوندد؟ و مگر خراج او از کنفرانس یون توسط دانشجویان مبارز ایرانی پس از طرح چنین پیشنهادها می از طرف او نبود؟

قطب زاده از آغاز یک لیبرال بوده و هست. لیبرالی که همپیمانان طبقا تیش با لیبرالهای آمریکائی و در واقع با امپریالیسم آمریکا است

## جنگ عادلانه چیست؟



کمونئیستها درجه جنگی شرکت میکنند؟ پاسخ به این سوال بسته به این است که ما بکنیم یا نه. ما هیت یک جنگ را بشناسیم، یعنی بدانیم که کجا طبقات و در ادا مه کدا میساستهای طبقاتی اقدام به شروع و گسترش جنگ نموده اند. ما هیت عادلانه و انقلابی و یا غیر عادلانه و ارتجاعی را فقط و فقط از این طریق میتوان تعیین نمود و برپایه تحلیل از ما هیت جنگ تا کتیکهای مشخص برای شرکت با عدم شرکت در آن را نتیجه گرفت. ما در جنگ ایران و عراق شرکت نمیکیم چون این جنگ زائیده سیاستهای استعمارگرانه سرما به داران دو کشور، در جهت تامین منافع طبقاتی شان و با اهدافی مخالف با انقلاب میباشد. بهمین سبب میگوئیم جنگ ایران و عراق جنگی ارتجاعی و غیر عادلانه، به نفع سرما به داران و برضد طبقه کارگر و خلقهای دو کشور میباشد. شرکت در این جنگ خیانت به خلقهای دو کشور و همدستی با سرما به داران استعمارگر خودی در قریب استی کردن کارگران و زحمتکشان است.

### آیا کمونئیستها با هر نوع جنگی مخالف هستند؟

جنگ در جوانی طبقاتی و در عصر امپریالیسم امروزی اجتناب ناپذیر است. لنین میگوید: "جنگ فقط زمانی غیر ممکن میگردد که ما بورژوازی را نه تنها در یک کشور، بلکه در تمام کشورهای سرنگون سازیم و بطور قطعی بر آن غالب آئیم و از آن سلب مالکیت نمائیم". (برنا مه جنگی انقلاب پرولتاریائی) پس تا بورژوازی و ستم و استثمار موجود است، جنگ نیز وجود دارد. اما جنگها پر دنیو عنسد: جنگهایی که بین طبقات سرما به داران و استثمارگر انجام میگیرد و جنگهایی که از جانب طبقات تحت استثمار و خلقهای ستمدیده علیه استثمارگران و امپریالیستها بوقوع می پیوندد. نوع دوم جنگ که کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم برای آزادی و رهایی از ستم بورژوازی و امپریالیسم بدان اقدام میکنند جنگی است انقلابی و عادلانه، زیرا این جنگ از سیاسی تاشی میشود که رهایی و آزادی را تعقیب میکند. لنین آموزگار کبیر زحمتکشان با زدر این مورد میگوید:

"جنگهایی هستند که طبقه کارگر با آنها را بعنوان تنها جنگهای برحق تلقی کند. اینها جنگهای رهایی آزر بردگی و از سلطه سرما به داری هستند و چنین جنگهایی لاجرم اتفاق می افتد، زیرا ما نمی توانیم رهایی خود را بدون مبارزه بدست آوریم."

(سخرانی در یک گردهمایی در خانه سردم (الکسیف) مجموعه آثار جلد ۲۸، صفحه ۷۷-۷۶).  
آری، فقط و فقط جنگهایی مورد حمایت

طبقاتی است. چنین جنگی عادلانه و "برحق" میباشد و طبقه کارگر نمیتواند آزادی خود را به دست آورد مگر با برپا کردن چنین جنگی و مقابله مسلحانه با بورژوازی برای نابودی آن. شرکت ما کمونئیستها در چنین جنگهایی و هدایت آنها تا برپا شدن طغیان امری بدینی و غیر قابل تردید است. قیام و حرکت داخلی روسیه که منجر به انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷ و حاکمیت طبقه کارگر در این کشور گردید، از نوع جنگهای عادلانه و انقلابی بود.

همچنین جنگ خلقها و زحمتکشان در یک کشور بر علیه رژیم و وابسته و مزدور امپریالیسم برای نابودی سلطه سیاسی - اقتصادی امپریالیسم و رژیمها، باقی ماندن، ما هیتی انقلابی و عادلانه دارد. طبقه کارگر و کمونئیستها باید در این چنین جنگی تیرا گرفته و با شرکت متکامل فعال، و گسترده در جنگ، رهبری آن را بدست بگیرند. در غیر این صورت چنین جنگی به نفع ما شدن انقلاب و در نهایت به شکست انقلاب منتهی میگردد. بعنوان نمونه انقلاب پرور منسد خلق چین تحت رهبری کمونئیستها در ۱۹۴۹ از این نوع جنگها میباشد. نمونه دیگر این نوع جنگ قیام بهمن ماه بود. کارگران و زحمتکشان ایران در روز ۲۱ بهمن ۵۷ با قیام مسلحانه خود بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم و چنین جنگی را آغاز کردند. اما عدم رهبری طبقه کارگر و کمونئیستها باعث شده قیام نتواند به تحقق اهداف انقلاب منجر شود و این با عست ناستما ماندن انقلاب دمکراتیک - خدا میریالیستی خلقهای زحمتکش ایران گردید.

جنگ خلقهای تحت ستم بر علیه رژیم ارتجاعی و بورژوازی حاکم منسد عادلانه و انقلابی میباشد. برای مثال جنبش مقاومت خلق کرد بر علیه رژیم جمهوری اسلامی برای رهایی از قید ستم ملی - طبقاتی که سرما به داران طی سالها بر خلق کرد اعمال کرده اند، عادلانه است. مبارزه جنگ مقاومت خلق کرد بر علیه بورژوازی با تمام مواضع و خواهم کرد. ما نه تنها مخالف مقاومت مسلحانه خلق کرد در مقابل رژیم مستعمر موجود نیستیم، بلکه آن را "برحق" ارزیابی نموده و آزادی و برپا شدن آن را حتمی و رادیکر و عادلانه این مقاومت و پیوند آن با جنبش خلقهای سراسر ایران می بینیم.

**۲- جنگهای آزادی بخش ملی:** امپریالیستها برای استثمار و غارت کارگران و زحمتکشان خلقهای جهان، سرزمینها و کشورها را به زبرداری خود در آورده و آنها را به مستعمره و نو مستعمره خود تبدیل میسازند. خلقهای ستمدیده و زحمتکش این کشورها برای رهایی از یوغ مستعمرانسی امپریالیستها و استثمار کارگران به یکبارگی مسلحانه با آنها برمی خیزند. جنگ خلقهای طبقه در صفحه ۱۵

کمونئیستها می باشند که به مبارزه ستمدیدگان مدرسه نده و به رهایی طبقه کارگر و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم با نجامد. اینها جنگهای عادلانه هستند، چون کارگران و زحمتکشان برای قطع ستم و استثمار روحشانه بورژوازی و نابودی سرما به داران بدان اقدام میکنند. ما کمونئیستها سنا به وظیفه و آرمان انقلابی خود، در چنین جنگهایی شرکت میکنیم و از هرگونه از خسود گذشته و جانفشانی نیز در آن دریغ نمیورزیم. این جنگها عادلانه میباشند زیرا آزادی طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم در کردار ادامه آن تا پیروزی میباشد این جنگها چرخهای تکامل تاریخ را به پیش میبرند. حال ببینیم جنگهای عادلانه بر چند نوعند؟

### انواع جنگهای عادلانه:

جنگهای عادلانه و انقلابی بر سه قسم هستند:  
**۱- جنگ داخلی (انقلاب):** در یک جامعه سرما به داری، جنگ داخلی شکل قهرآمیز مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان بر علیه سرما به داران میباشد. این جنگ ادا مه سیاستهای طبقه کارگر برای رهایی از قید ستم و استثمار

# جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق



# توطئه و خرابکاری بعثی‌ها علیه جنبش‌های انقلابی خلفهای منطقه

از زمانیکه بعضی‌ها در عراق قدرت را بدست گرفته‌اند (۱۹۶۸) نه‌خلفهای عراق از توطئه‌ها و جنایات آنان در امان نبوده‌اند و دیگر خلفهای منطقه از شر دخالت‌های توطئه‌گرا نه‌و کودتا گرانه آنان بدور مانده‌اند. بعضی‌ها برای پیشبرد مقاصد خلقی‌شان به هر سودست‌درازمیکنند، دانه‌می‌یا شند، مزدور میگیرند و هر وسیله‌ای را - هر اندازه هم‌که جنایتکارانه باشد - در راه تحقق هدفهای خویش بکار میگیرند، نگاه‌ی به روابط رژیم‌بعثی عراق با جنبشهای رها‌ئی بخش خلقی‌های منطقه‌نشان میدهد که این روابط علیرغم اوضاعی‌مانند "برادرانه"، "انقلابی"، "حمایت گرانه" و "ممیمانانه" تا حد جدی‌بیکرا بیمن جنبش‌ها ضربات دردناک وارد آورده‌است :

## در رابطه با جنبش انقلابی خلق فلسطین :

بعثی‌ها ادعا میکنند که "از لحظه‌ای که حزب بعث تشکیل شده و در طول تاریخ مبارزاتی آن، همواره مسئله فلسطین بشما به‌مسئله مرکزی حزب مورد توجه بوده و حزب این‌مسئله را عمیقاً در پیوندی همه‌جانبه با مبارزه خلق عرب در راه نیل به آزادی، وحدت و سوسیالیسم تلقی کرده است" (۱).

کسی که این ادعا را می‌شنود اگر اندکی به‌ماهیت و عملکرد بعثی‌ها نسبت به‌مسئله فلسطین آشنا باشد نتواند یک چیز در ذهن‌اش تداعی‌میشود و آن نوع دروغهای گویلیزی است که می‌گفتند "دروغ را چنان با بیدبزرگ گفت که شنونده به‌خیال‌ش هم‌بزند که کسی جرات یافتن جنبش‌دروغی را دارد و ناگزیربا ورش کند!"

مسئله فلسطین برای خلفهای عرب و منجمله خلق عراق مسائله‌ای محوری و آمرمانی است و هیچ دولتی بدون ادعای حمایت از آن نمی‌تواند از مردم خود "گواهی حسن اخلاق" بگیری. بعثی‌ها با اصطلاح حمایت از خلق فلسطین خود را "مترقی" جا می‌زنند و تا به‌شربتوانند توده‌های زحمتکش عراق را سرکوب کنند و هر فریب‌آد اعتراضی را برخاسته از خلقوم سرا نیل معرفی کنند، خلق فلسطین از این رهگذر بسیار مورد تاج و زور، مورد مامله، سوء استفاده بعثیها قرار گرفته‌است.

از ۱۹۶۴ پس‌که سازمان آزادیبخش فلسطین و نیروهای نظامی کلاسیک آن (بنام ارتش آزادی بخش) تشکیل شد، قسمتی از آن نیرو که لشکر قادیسه‌تا میده می‌شود در عراق بود و آموزش میدید بعثی‌ها وجود این لشکر را وسیله‌ای برای وارد آوردن فشار سیاسی بر سازمان آزادیبخش فلسطین قرار دادند و وقتی دیدند رهبری انقلاب فلسطین زیر اینگونه اعمال فشارها نمی‌برود سازمانی وابسته به خود را بنام "جبهه آزادیبخش

(۱) - گزارشی‌مدا م‌حسین به‌هشتمین کنگره حزب بعث، بغداد ۱۹۷۵.

کوشش عراق برای خریدن یک گروه از یوزنیون عمانی، در نتیجه هشیاری جبهه خلق عمان به نتیجه نرسید و سازشکاران خود فروش منسوزی گردیدند.

## در رابطه با جنبش آزادیبخش اریتره :

دولت بعثی عراق با ارائه کمکهای ناچیز که همواره با سروصدای فراوان همراه بوده‌است سعی در زیر نفوذ قرار دادن هر دو سازمان عمده این جنبش رها‌ئی بخش نموده‌است. بعثی‌ها بارها کوشیده‌اند از طریق ظمیع برخی‌سی از اریتره‌ای‌ها را بسوی خود جلب کرده و با ارسال آنها به داخل مناطق آزاد شده و شرکت در انتخابات کنگره‌ها در مدارهای مسئولیت قرار گیرند. این امر با هشیاری مبارزان اریتره‌ای خنثی شده و طرفداران عراق نتوانستند ناجائی برای خود باز کنند.

## شعبه‌های حزب بعث :

دولت بعثی عراق در کشورهای عربی شعبه‌های حزب بعث طرفدار خود را با صرف هزینه‌های سنگین دایر می‌کنند تا بتفیع اوجا سوسی کنند و جنبش مترقیانه توده‌ای در این کشورها را حتی الامکان از مسیر خود منحرف کرده بتفیع بعثی‌های عراق بکشانند. هم‌اکنون دولت عراق در بحرین، یمن شمالی و لبنان، شعبه‌های رسمی حزب بعث را دایر کرده و در جاهای دیگر هم که ممنوع است باز به‌گشودن این لانه‌های جاسوسی مشغول است. برای نمونه یمن جنوبی تاکنون چندبار رشکه جاسوسان بعثی را کشف کرده و آنان را دستگیر و به زندان انداخته‌است.

## در رابطه با مبارزه توده‌های ایران علیه رژیم شاه :

طی ۱۲ سال که از حاکمیت بعث در عراق میگذرد مبارزه توده‌های ایران از مراحل مختلفی گذشته‌است و برخورد رژیم عراق با این مبارزات همواره ما هیتی فرصت طلبانه، معا مله‌گرایانه و اساساً ضد انقلابی داشته‌است. وقتی روابطش با رژیم شاه خوب بود همدست با شاه به سرکوب نیروهای انقلابی ایرانی پرداخته

عرب مرکب از برخی از نظامیان عراقی و فلسطینی‌های هوادار بعث ساکن عراق به‌راه انداختند. این با اصطلاح جبهه (که نیروی بسیار اندکی دارد) صرفاً با حمایت و فشار سیاسی و نظامی عراق، در شورای ملی فلسطین و نیز در هیات اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین راه یافته‌است و وظیفه آن جز جاسوسی و بیاد ده‌کردن نظرات عراق در درون جنبش فلسطین نیست کار این گروه دست‌نشانده که خود را "جبهه آزادیبخش عرب" مینامند، هیچگونه ربطی به مبارزه داخل سرزمینهای اشغالی ندارد، بلکه به‌دگری با مخالفان سیاست عراق و سرکوب انقلابیون فلسطینی و جز آنها در لبنان محدود میشود.

رژیم عراق همواره کوشیده‌است با تظمیع و شهیدید، سازمانهای فلسطینی را تحت نفوذ خود در آورده و اگر نشد عیناً صریحاً آن سازمانها را از طریق اعطای کمکهای جادی و معنوی بمسورت عامل خود در آورد، تا آن سازمانها را از درون متلاشی کنند. هم‌اکنون رابطه رژیم عراق با "افتح" و "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" که مهمترین سازمانهای فلسطینی هستند کاملاً تیره‌است.

از سوی دیگر هم‌انطور که در بیکار ۷۶ اشاره کرده‌ایم نیروی بعثی‌ها علیه انقلاب فلسطین در سپتامبر سال ۱۹۷۰ و عدم حمایت از انقلاب در برابر ارتش جمالک حسین در اردن به‌گشتار دهها هزار رتن از مردم فلسطین کمک نمود. نمونه دیگر از رفتار عراق با انقلاب فلسطین دست زدن به یک سلسله اعمال تروریستی علیه رهبران و مسئولین مقاومت فلسطین است که منجر به قتل چندین نفر از مبارزان فلسطینی گردیده‌است.

## در رابطه با جنبش رهایی بخش خلق عمان :

عراقیها کوشیدند با دادن کمک‌های مالی آنها را تحت نفوذ خود در آورند، ولی وقتی آنها سعی در حفظ استقلال عمل خویش کردند و موقعیت سیاسی منطقه برای ایجاد رابطه با قاپوس فراهم گشت، عراق علیرغم همه‌شعارهای با اصطلاح ضد امپریالیستی و انقلابی با مسقط رابطه دیپلماتیک برقرار کرد و حمایت خود را از جبهه آزادیبخش عمان تا حد زیادی کاست. همچنین

تجاوزات فاشیستی عراق به خلفهای ایران و مبارزان مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم!



و آنگاه که روابط تیره بوده و درگیری وجود داشته است میکوشید با حمایت فرصت طلبانه خود از مبارزات مردم ایران بعنوان برگ برنده ای در مذاکره و چانه زدن با رژیم شاه استفاده کند .

از سال ۱۳۴۸ تا اسفند ۵۳ که اختلافات بین ایران و عراق گاه به گاه خود رسیده بسیاری از عناصرو نیروهای مبارز ایرانی به عراق رفتند تا از آنجا علیه رژیم شاه به یک سلسله فعالیت های تبلیغی و سیاسی و آموزشی نظامی بپردازند . این خواست مبارزین ایرانی بود ، ولی دولت عراق در کنار قرارداد ادن برخی امکانات جزئی و تصدقاتی کمک به مبارزه مردم ایران را نداشت بلکه به درد دست داشتن بر کهای برنده بیشتر در مقابل با ایران می اندیشید ، این است که به خاطرانی همچون تیمور بختیار فرماندار نظامی سابق تهران (از کودتای ۲۸ مرداد تا سال ۳۷) نیز پناهندگی سیاسی داد و امکانات بسیار زیادی در اختیارش گذاشت ، صدا حسین در پاسخ به اعتراض نیروهای مبارز ایرانی در این باره گفته بود : "ما از بختیار بعنوان یک اسب استفاده میکنیم" . برای او داشتن اسب مهم بود نه سرنوشت مبارزه مردم ایران ، هما نظرگر که می بینیم امروز خائنان نه با ویسی و شاپور - بختیار نه با و کمک میدهند و راه دیوی دولتی بغداد با مزخرفاتی که می پراکنده اند توده های نا آگاه را مسموم مینماید ، یعنی ها در برابر یک موضع تا ثید امیز بفتح نیروهای مبارز ایرانی از آنها انتظار حمایت متقابل داشتند ، ولی نیروهای انقلابی ایرانی هیچگونه امتیازی به بعضی ها ندادند .

بعضی ها وقتی پای میز مذاکره با شاه نشستند ، به آسانی همه شعارهای با اصطلاح مترقیانه - شان را بفراموشی سپردند ، خیانت به خلق کرده و به خلقهای ایران و همکاری با رژیمهای ارتجاعی منطقه زیر چتر شاه علیه خلقهای ستم دیده پیرامون خلیج از دست آوردهای توافقی بود که در ۶ مارس ۱۹۷۵ (اسفند ۵۳) در الجزایر بین شاه و صدا حسین به امضاء رسید ، این واقعیتی است که برای رژیمهای بورژوازی ، شونده ها حکم گوشت دم توب را داد ، از آنها استفا ده میکنند و وقتی با اصطلاح خردان از یل گذشت ، بود و نبود یل نزدشان هیچ است .

**اخراج ایرانیان مفیم عراق که با رهها صورت گرفته و آواره کردن خانواده های که چند بسایکی دوندل در عراق زیسته اند و تا کنون چندین بار انجام شده و بعدا دشان به مدعا هزار نفر بالغ میشوند یکی دیگر از اقدامات فدا خلقی رژیم بعثت است .**

**در رابطه با مبارزات خلقهای ایران:**

رژیم عراق با تکیه بر نفوذ لیا و سمران عنا بیروغنا صری خود فروخته ، همواره کوشیده است در مبارزات حق طلبانه خلقهای تحت ستم ایران که از حقوق ملی خویش محروم بوده و هستند بفتح

خودا خلال ایجا دکنند ، رژیم عراق با دادن زدن به احساسات شوونیستی با شکل مختلف منجمله رادیو بندا در مصروف متحد خلقهای ایران شکاف ایجا د میکند ، رژیمی که خود سابقه ای کم نظیر در سرکوب خلق کرده دارد " طرفدار " کرده های ایران میشود و بدنبال آن " سباه زرکاری " را در کردستان ایران براه می اندارد و در خوزستان با اصطلاح جبهه های آزادی بخش عربستان و هواز درست میکند و با تکیه بر همان عناصرو نیرو های ارتجاعی که گفتیم در بلوچستان هم جبهه آزادی بخش براه می اندازد ، هر چند بسیاری از این کوششهای توطئه گرانه عراق در نتیجه هوشیاری توده ها و نیروهای آگاه خنثی شده ، ولی همینها به خرابکاری های کوناگون و منحرف کردن افکار نا آگاه این خلقهای تحت ستم پرداخته اند و چه بسیار رند جوانان مبارزی از این خلقها که قربانی سیاستهای غلط و خود فروختگی رهبران شان در برابر رژیم عراق شده اند ، در پایان به این نکته مهم در رابطه با خلق کرد و توطئه های جدیدی که رژیم عراق برای آن تدارک دیده است می پردازیم :

رژیم عراق ، در سرکوب خلق کرد ( در عراق ) تمام شیوه ها را آزموده و در برخی موارد توانسته است عناصرو فرقه های را نیز با خود همراه

**بقیه از صفحه ۱۳ جنگ ...**

کشور تحت سلطه امیریا لیستی و اشغالگران نیز جنگی عادلانه ، انقلابی و " برحق " است ، این جنگ راه گشای انقلاب توده ها بوده و خلقهای تحت سلطه آزادی خود از بردگی را از طریق چنین جنگی بدست می آورند ، شرکت طبقه کارگر و کمونیستها در این جنگهای فدا تیریا لیستی در جهت تامین رهبری طبقه کارگر بر انقلاب و قطع کامل ریشه های امیریا لیسم و سپس انجام انقلاب پرولتری امری مبرم ، ضروری و حیاتی است ، جنگهای آزادی بخش خلقهای ویتنام ، کامبوج ، لائوس ، فلسطین و ظفر علیه امیریا لیستی و وکران داخلی آنها از جمله جنگهای عادلانه می باشد .

**۳- جنگ برای دفاع از میهن سوسیالیستی**

امیریا لیستی دشمنان سرخ طبقه کارگر و سوسیالیسم میا بندوده همین خاطر با تمام قوا می کوشند تا به کشوری که در آن سوسیالیسم پیروز شده حمله کرده و آن را نابود سازند ، آنها به میهن سوسیالیستی یعنی میهن کارگران و زحمتکشان تاجا و زمسکنند ، بیرواضح است که سدر برابر کسای امیریا لیستی ، طبقه کارگر حاکم بر کشور سوسیالیستی به همراه تمام زحمتکشان و خلقهای آن کشور برای مقابله با تحسالات امیریا لیستی بدفاع از میهن خود سر میخیزند ، جنگ پرولتاریا و توده های زحمتکش کنسور سوسیالیستی با امیریا لیستی نیز جنگی عادلانه و انقلابی است چون کارگران و زحمتکشان از انقلاب سوسیالیستی ، دسا وردهای آن و سبب تمام تحاب بحس سوسیالیسم دفاع میکنند ، جواز و

سازد ، تا علیه خلق کرد به توطئه بپردازند نمونه اینگونه همراهی ها و سازش ها را در مورد مصلی - مصطفی بارزانی رهبر ارتجاعی کردهای عراق ، چند تن از روزیونیستهای کرده که به وزارت در حکومت الیکروسیدند و نیز فردی بنام " علی رضا " که به معاونت صدا حسین رسید میتوان دید .

ادامه همین تلاشهای توطئه گرانه بعثت در جنبش انقلابی منطقه ، امروز به کردستان ایران هم کشیده است ، خبرهایی حکایت از این دارد که یعنی های سوء استفاده از مظالم و اقدامات سرکوبگرانه ای که از سوی جمهوری اسلامی علیه خلق کرد اعمال میشود و نیز با توجه به سازشکاری خائنان حزب دمکرات می کوشند جنبش خلق کرد را زیر نفوذ خود بگیرند ، این خبرها حکایت از روابط خطرناکی بین بعضی های عراق و حزب دمکرات کردستان ( ایران ) دارد .

ما به خلق قهرمان کرده که قریب دو سال است دوره جدیدی از سرکوب را از سر میگذراند و با بدنسبت به سرنوشت خود بسیار رهشاریا شد و همراه با دیگر خلقهای ایران ، جمهوری دمکراتیک خلق را به رهبری طبقه کارگر برپا دارد ، نسبت به توطئه های عراق و سازشکاری نیروهای مثل حزب دمکرات هشدار میدهیم .

تجا جم امیریا لیستی به کشور سوسیالیستی در حقیقت تاجا و زیبا انقلابات پرولتاریائی سراسر جهان است ، پس حمایت و شرکت فعال در چنین جنگهای عادلانه و وظیفه انقلابی کمونیستهای سراسر جهان است ، جنگ کمونیستی خلقهای شوروی سوسیالیستی رهبری حزب بلشویک و رفیق استالین علیه فاشیسم هیتلری در جنگ جهانی دوم ، جزو همین جنگها بود .



اکنون با توجه به موارد ذکر شده هر آینه جنگ ایران و عراق جنگی عادلانه ، در جهت گسترش انقلاب و آزادی طبقه کارگر و خلقهای ستم دیده است ، ما با تمام قوا در آن شرکت می کردیم ، اما این جنگ ما هیئتاً ارتجاعی ، برفدا انقلاب ، در جهت اسارت هر چه بیشتر طبقه کارگر و خلقهای ستم دیده است که سرمایه داران دو کشور در ادامه سیاست های خود آغاز کرده و کارگران و زحمتکشان را گوشت دم توب خود قرار داده و به کشتار آنها پیروزا ختاند ، ما جنگهای عادلانه طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم ایران بر علیه بورژوازی خودی و امیریا لیسم را نه تنها نفی نمیکنیم ، بلکه در صورت آمادگی توده ها آن را بمثا به ضرورتی عاجل برای رها ئی طبقه کارگر و خلقهای آرزیا بی میکنیم ، ما در تمام جنگهای عادلانه ، در مبارزات انقلابی هر طبقات استعمار شده و هر خلقهای ستم دیده بر علیه امیریا لیستی و استعمارگران ستمگر شرکت میکنیم ، هر جنگی که آزادی طبقات و خلقهای ستم دیده را بدنبال دارد مورد حمایت ما است .



## مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

(قسمت دهم)

**پیکار:** رفیق روحانی، شما در خلال صحبتها یثان از دادن کتاب "اما محسن" نوشته مجاهدین خلق، به آیت الله خمینی سخن بمیان آوردید و شما میخواستم توضیحا تسی در باره این کتاب و نظرات آیت الله در باره آن به ما بدهید.

رفیق روحانی: هما نظور که قبلا اثاره کردم، ما در توضیح مواضع سازمان مجاهدین برای آیت الله، علاوه بر توضیحات شفاهی، مدارکی از سازمان و از جمله کتاب "اما محسن" را نیز برای مطالعه در اختیار آیت الله قرار دادیم. این کتاب که حاصل کوشش مجدانه و بیگیرانه یکی از جمعهای وابسته به گروه ایدئولوژی سازمان در سال ۴۸ بود، با نشری شواستی در ادنا فلسفه و انگیزه قیام "اما محسن" و نقش تاریخی و اجتماعی آن را تحلیل نماد و در این میان نقش عنصر آگاه را در هر شرایط و از جمله شرایط حاضر در قبال رژیمهای ضد خلقی و مقابله با آنها و همچنین وظیفه آگاهها ختن توده های تحت ستم و استعمار را بازگو نماد. این کتاب از آن جهت که مواضع ایدئولوژیک - سیاسی سازمان را به نحو برجسته ای توضیح میداد، از آن بعنوان جزوه آموزشی شیوا استفاده میشد این کتاب برای اولین بار بصورت بلی کبی در سال ۵۱ در سطح جنبش منتشر شد که تا تیرات جالبی بروی هواداران سازمان مجاهدین بحمای گذاشت.

من در اینجا فرصت برخوردار تحلیل سیاسی و تفصیلی به این کتاب را ندارم و حای آنها هم اینجا نیست، ولی با اختصار با یاد تاره کنم که این کتاب جدا ز نظر مضمون و جدا ز نظر شکل جسم با رزی از ایدئولوژی التقاتلی سازمان مجاهدین بود. تحلیل ما از ما اما محسن از یکسونا نظر بر ایدئولوژی اسلامی و اعتقاد به خدا، وحی و قیامت و الزامات "ما مت" و تعبیرات دیگر نفی ما تریا لیسمدیا لکسک بود، و از سوی دیگر نظارت بر برداشتهای "مادی" ما از تاریخ و رویدادهای تاریخی و از آنجمله ما ماسام حسین و واقعه عاشورا داشت. ما از یکسوی بروی محرکه تاریخ را که "اراده باربتعالی" و سبیا میران و اما مان دانسته و از دیگر سوسو مبارزه طبقاتی و شوده ها را بعنوان نیروی محرکه تاریخ بحساب میاوردیم. از یکسو "اما محسن" را یک عنصر "برگزیده" و متمایز از دیگران و از سوی دیگر انسانی "عادی" همچون دیگر افراد تلقی میکردیم. از یکسوی رسالت "اما محسن" را رسالتی الهی و آسمانی که ما مانا کزیرا زانجام آن است و از سوی دیگر رسالتی الهی و انسانی و با صلاح زمینی که ما مانا تکا و ویژگیهای بارز انقلابیست بدن دست مازد، مورد ارزشی قرار میدادیم...

هما نظور که ملاحظه میکنید، این وجوه دو - کانه و متفا دکه در بالا فقط به برخی از آنها اثاره کردم و بی شک موارد آن نه در این انسر

بلکه در تمام آثار و مواضع ما بحشم میخورد، به بهترین وجه بیان با رزالتقاط در ایدئولوژی و تفکر آن روز ما (و امروز مجاهدین) بود، التقاتلی که میخواستیم ما ده خدا، عین و ذهن - ما تریا لیسمدیا لیسمدی استی برقرار کند و با عاریت گرفتن چیزی از این وجبزی از آن ایدئولوژی التقاتلی ای باز دکه بهر حال جوهر ایدئولستی و غیر علمی را بهمهرا خود دارد. علاوه بر این و در رابطه با عملکردهمین دیدگاه التقاتلی، این کتاب در مواردی و از جمله در مورد صلح اما محسن و یا استنکاف "مسلم" از کشتن "اسن زیاد" موضع کا ملا توجیه کارانه ای

مطروح در این کتاب وجود داشت که من سعی میکنم محور آنها را ذکر کنم. از جمله نکات مهی که در باره مطالب این کتاب مورد بحث ما ترا گرفت، چگونگی برخورد با روحانیون مرتجع و وابسته به رژیمها هبود. ما له از این قرار بود که ما در کتاب "اما محسن" آنجا که به فترای قبل اما م از طرف "شریح" قاضی القضا در باره ما میان میرسد، به افشای نقش روحانیون مرتجع در تاریخ و از جمله در عصر خود ما ن برداشته و به توده های مردم در باره عوام فریبی و ربا کاری آنها و خیانتشان به مردم و خواسته های آنها هندا ر داده بودیم. آیت -

● **ما از همان روز اول که قدم در راه مبارزه گذاشتیم، انتظاری نیز جز این نداشتیم که نه تنها از سوی رژیم، بلکه حتی از طرف علما و مجتهدین مرتجع نیز مورد حمله و طعن و لعن قرار گیریم و این طبیعی است که این دسته از علما در برابر افشاگریهای ما به مخالفت با ما برخیزند، ولی آنچه که اهمیت دارد این است که آیا ما میتوانیم بخاطر لعن و تکفیر این حضرات در مقابل خیانت آنها و در غلکارهایشان سکوت کنیم و آنها را در برابر مردم رسوا نسازیم؟**

در پیش گرفته و کوشیده است اقدام محافظه کارانه اما محسن و مسلم را در موارد فوق الذکر، یک اقدام اصولی و انقلابی جلوه دهد که البته حای بحث آنها در این مباحث نیست. هما نظور که گفتیم کتاب "اما محسن" از نظر شکل هم ایدئولوژی التقاتلی ما و چگونه برخورد ما به مذهب و ما رکیسم را بوضوح نشان میداد. بسیاری از مضححات این کتاب بر سود از اسامی ارباب مایه قرآن و نهج البلاغه از یکسو و نقل قولیاتی از لنین و دیگر بزرگان مارکسیسم از سوی دیگر و از جنبه نحوه برخوردی نه منحصر به این کتاب، بلکه به ما به یک شیوه عمومی ما ترا ز ایدئولوژی التقاتلی آن روز ما ن، در اکثر آثار و مدارک ما زمانه نظر کتاب شناخت راه انبیا... بکار گرفته میشد. و ما در مورد برخورد آیت الله با کتاب "اما محسن" با دیدیکویم که در مجموع، از زحمات نهیه کنندگان آن شریف و تمجید کرد و از اینکه بنظر ما توانستیم جنبش تحلیلی از قیام "اما محسن" را نه دهیم، تحلیلی که تا آن زمان هیچک از برجستگان روحانیت نیز نتوانسته بودند نظیر آن را ارائه دهند، متعجب بود و این تعجب خود را به شکل غیر مستقیم و با گفتن این مطلب که تا هنوز روحانیت ما نتوانسته تحلیلی همدانیه از "ما اما محسن" را نه دهد، ابراز داشت. علاوه آیت الله خمینی کوچکتر بسن استقادی به نقل قولیاتی که در این کتاب از بزرگان مارکسیسم، نظیر لنین... آمده اند است اما از اینها که بگذریم، اختلافات شخصی بسن دیدگاههای اما ما در برخورد با مسائل مختلف

اللهم خمینی نسبت به آوردن این مطالب افشاگرانه علیه روحانیون مرتجع اعتراض داشت و از ما خواست که این قسمت را حذف کنیم. من از آیت الله سوال کردم که آیا این پیشنهاد شما در رابطه با نا درستی این مطالب است و یا اینکه غیر مضمون درست آن جنبه ملاحظه کاری و با صلاح تاکتیکی دارد؟ آیت الله اظهار داشت که مضمون این مطالب مورد قبول من نیز هست و پیشنهاد مرا من جنبه ملاحظه کاری دارد و آنرا بنفع خود شما نمی بینم و دلیل هم ندارد که شما این مسائل را حالا مطرح کنید. من گفتم اما اگر شما قبول دارید که این مطالب درست است و اگر قبول دارید که این روحانیون مرتجع در خدمت رژیم هستند و با استفاده از مقام و موقعیت مذهبی و اجتماعی خود به فریب توده ها مشغول بوده و به سدی در راه مبارزه آنها با رژیمها در آمده اند، چرا نتایج چهاره کشف آنها برای توده ها افشا شود؟ آیا این به معنی سازش با این مرتجعین و زیرپا گذاشتن منافع توده ها نیست؟ آیا این به معنی کتمان حقایق برای مردم نیست؟ آیا این بمعنی میدان دادن و باز گذاشتن راه برای ادا مهیات تنگن و اقدامات فریبکارانه این دسته از علما و مجتهدین که فراوان نیز هستند، نیست؟ آیت الله که انتظاریست حاسرتی را از ما نداشت، بلافاصله در جواب گفت: خوب اگر شما اینسرا بنویسید، آنها هم ما را تکفیر میکنند و ما نسع کارتان میشوند، من گفتم که ما از همان روز اول که قدم در راه مبارزه گذاشتیم، انتظاری جز این





نداشتیم که نه تنها از سوی رژیم، بلکه حتی از طرف علما و مجتهدین مرتجع نیز مورد حمله و طعن و لعین قرار گیریم و این نیز طبیعی است که این دستا ز علما در برابر افسا گریهای ما به مخالفت با ما برخیزند، ولی آنچه که اهمیت دارد این است که آیا ما می توانیم بخاطر لعین و تکفیر این حضرات در مقابل خیانت آنها و دغل کاریها بیان سکوت کنیم، و آنها را در برابر مردم رسوا نسازیم؟ نه! ما اهل خدعه و فریب نیستیم، اینجا منافع توده ها مطرح است و ما نباید ذره ای به سازش و ملاحظه کاری تن دهیم. این ملاحظه گاری، خود فریب توده ها و وکنا هبی نا بخودنی است. ما حاضریم لعین و تکفیر این حضرات را بشنویم و عوارض آن را نیز متحمل شویم ولی دست از افسای حقایق برنداریم. نقطه عزیمت ما باید منافع توده ها و مصالح جنبش باشد و هرگونه برده یوسی و کتمان این مسائل بریان توده ها و مصالح جنبش است.

در اینجا من برای بوجیه آیت الله و اقمع ای را که خود من همان روزها هد آن بودم تعریف کردم. جریان از این قرار بود که من برای اطلاع و شناخت بیشتر وضع روحانیون نجف، با تفقای همین آقای دعا ئی به منزل آیت الله شاهرودی رفتم، اتفاقا هما نروز فرزندان آیت الله شاهرودی از مسافرت مکه برگشته بودند و منزل آقای بود از جمعیت که برای دیدن او آمده بودند. پس از ورود ما به میان جمعیت، فرزندان آیت الله شاهرودی مقابل جمعیت ایستا دوشروع کرده سخنرانی و ما فکر کردیم که حتما حالا میخواستند از نقش و اهمیت حج و رده آورد خودش از این سفر حرف بزند، ما او بجای همه این حرفها شروع کردیم تعریف داستان رفتن به قبرستان بقیع (واقع در شهر مدینه) و انجام مراسم مذهبی و جلوگیری بلیس سعودی از انجام این مراسم و در این میان رخسدا د معجزه ای که طی آن رئیس پلیس آنجا ناگهان به زمین می افتد و میمیرد و به این ترتیب به سزای عملش میرسد.

فکر میکنید آیت الله خمینی چه پاسخی در برابر این حرفهای من که کوچکترین تردیدی در صحت آن نبود، میتوانست داشته باشد؟ آیت الله خمینی جاره ای جز اقرار به این مسائل که در ایران و بیسی از آن در همان نجف و در کنار خود او حضور داشت، نمیتوانست داشته باشد و لذا خیلی خودمانی به من گفت: "آقا شما هنوز کجایش را دیده اید من وقتی حکومت اسلامی (منظور کتاب ولایت فقیه است) را در اینجا درس دادم، اکثر اینها (منظور علما، برجسته عراقی است) جدا بمان در آمد و آن را بدعت در اسلام دانستند و از این قبیل حرفها!"

با سخ من روشن بود. به آقا گفتم بیس اکثر اینطور است که میکوشید، دیگر سکوت شما در خیال آنها چه مفهومی دارد و چرا سعدا ز اینهمه رسوائی

و ما حبا این حضرات، باز هم سومیه میکنید که دم از انصای آنها برنیم. راستی چرا؟ او املا دلیل نما برای این کار چیست؟ شما مسا را از تکفیر و لعین و طعن مرتجعین می ترسانید، در حالی که تکفیر و لعین م آنها به ما خود بهترین بیان حقانیت ما است. کسی که با دشمن و طرفداران او سازش نکنند طبیعی است که تبا بد هم انتظار خوش آمدگویی از آنها را داشته باشد. این مساله کلا ملامت روشنی است. شاید شما تعجب کنید که عکس العمل آیت الله در برابر اینهمه توضیحات مانع کننده من و حتی اشرار صریح خودش نسبت به این مسائل، سکوت بود و سکوت! و تا آخرین لحظه نیز کوچکترین تغییری در نظر اولیه اش نداد!

آنها را تهدید میکرد، نمودید. اما مردم ما میدانند که نه انصای چهره کشید روحانیت مرتجع فریب کاری است و نه دفاع از فرزندان انقلابی خلق ایرانیکار ما نیستیم. ما چیزی را نه از ما و نه از مردم بیوسیده ندا شتیم، فریبکار کسی هستند که نمیخواهند مردم ما به ما هیت ارتجاعی روحانیون درباری و سازشکاری بیبرند و ریاکارانه کار را ندر مددیوش و کتمان حقایق بر میا بندند که در صورت روشن شدن آن، موقعیت روحانیت را در کلیت خود به خطر میا ندا زد. فریبکار کسی هستند که آخوند و ابسته ای چون فلسفی و اعظ در باره ما هیت و عملکرد او در طول سالهای گذشته برای توده های وسیعی از خلق ما و همچنین برای خود آیت الله سنا خنده بود، او را در

**● فریبکار ما نیستیم، ما چیزی را نه از شما و نه از مردم پوشیده ندا شتیم، فریبکار کسی هستند که نمیخواهند مردم ما به هیت ارتجاعی روحانیون درباری و سازشکاری بیبرند و ریاکارانه در صدد پوشش و کتمان حقایق بر میا بندند که در صورت روشن شدن آن موقعیت روحانیت را در کلیت خود به خطر میا ندا زد. فریبکار کسی هستند که آخوند و ابسته ای چون فلسفی و اعظ در باره ما هیت و عملکرد او در طول سالهای گذشته برای توده های وسیعی از خلق ما و همچنین برای خود آیت الله سنا خنده شده بود، او را در کنار خود قرار داده و به تعریف و تمجید از او می پردازند.**

کنار خود قرار داده و به تعریف و تمجید از او می پردازند.

آری، ملاحظه کاری و سازش بی دلیل نیست. بخاطر افتادن منافع روحانیت مرتجع، منافع خود شما را نیز بخاطر میا ندا زد. آگاه شدن توده های خلق نسبت به روحانیت مرتجع، آنها را نسبت به خود شما و سازشکاری ریا بتان نیز آگاهتر خواهد ساخت. و شما قادر نخوا هید بود با سوار شدن بر موج نا آگاهی و توهم مردم نسبت به خود و سیاستی که خود شما امروز جزئی از آن هستید، همچون گذشته به فریب آنها بپردازید.

آدمه دار

آیت الله خمینی در سخنرانی اخیرش (۴ تیر ماه)، آنجا که از ملاقاتش با من صحبت میکند میگوید: و برای فریب من آمده بود. من از آیت الله سوال میکنم که آیا تاکید ما روی افسای روحانیون مرتجع و گفتن حقایق به مردم و پنهان نکردن آنها مفهومی فریب دانه شما است؟ آیا اصرار ما روی ضرورت بشتبانی شما از فرزندان انقلابی مردم که در شرف اعدا م بودند، یعنی فریب دادن شما؟ اگر معنی و مفهوم فریب این باشد، حرف شما درست است و باید گفت که شما فریب نخورده اید، چرا که نه حاضر با افسای خیانت روحانیون عالمیقا م مرتجع شدید و نه کوچکترین حمایت از انقلابیونی که خطرا عدا م

بقیه از صفحه ۱۲

**در شهری که...**

با شما به تنطبقا تیش جریا نه ای خوبا وند خود را خوب می سنا د؟

مردم ما می برسند آیا همین دستگیری او اقدامی برای آپرودادن به لیبرالها و سنباع آمریکا نبوده است؟ توده های نا آگاه و ستمدیده ما که با تجربه دوساله خود با این رژیم، بندر سح دانستند اشتبا ه خویش را در جمع کردن طومار برای قطب زاده منوجه میندند، باز ما توهمی تازه - هر چند مسلما موقت - گرفتار ما بوند.

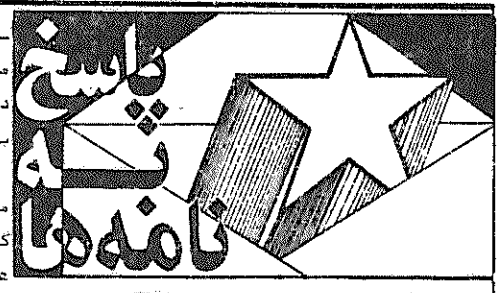
افساکری و امثال اش و روشن کردن ما هیت طبقاتی آنان، گفتن حقیقت به توده ها را که از وظایف خدشه ناپذیر ما است هرگز نباید فراموش کنیم.

به موضعی ریه ای قطب زاده از قبا مبهمس ببعدر جای دیگری با بدر خور دکیم.

بقیه از صفحه ۱۱

**مجا ه دین...**

را "تاکتیک" قلمداد کنند. از دیدگاه انقلابی تاکتیک در خدمت استراتژی است و هرگز نا فی آن نبایستی باشد. وقتی مجاهدین روزانه و همواره در دفاع از انقلاب تعلق میورزند و در عوض با شما میبرکنی برای ارتجاع، دستهای خونین جلادان را میسویند و با علنا بدفاع از بخشی از ارتجاع (لیبرالها) می پردازند، دیگر این تاکتیک نیست، این یک استراتژی انحرافی و مغایر با اهداف انقلاب ایران است. آیا عدم دفاع از خلقها (ترکمن، کرد و...) میتواند یک تاکتیک باشد؟ چرا این چه کیتکی است که ۲۵ ماه دنیا یات رژیم بر علیه زحمتکشان را (در کردستان و ترکمن صحرا و...) سکوت میکند. رد. تاکتیک با بد در خدمت انقلاب و استراتژی انقلابی باشد، نه برای نجات ارتجاع از زیر ضربات توده ها.



نامه يك رفيق کارگر به سازمان

سخن يك کارگر به رفقای عزیز!  
خدمت رفقای عزیزم سلام! امیدوارم حال شما  
برای همیشه خوب باشد و هیچ وقت کوچکترین  
کسالتی نداشته باشید تا پیشتر به مبارزه با  
بها بدهید و از شما می خواهم تشکر کنم، با بست  
تحلیلی که راجع به جنگ دادید و مثل این  
سازمانها که دچار راست روی شدند، این سازمان  
عزیز بخاطر منافع طبقه زحمتکش دچار این راست  
روی نشد، میخواستم تشکر کنم و در ضمن از شما  
می خواهم به مبارزه ایدئولوژیک و هم تبلیغ و  
ترویج بیشتر بها بدهید، با کمونیستهای که  
واقعاً صادق اند، ولی به دلایلی هواداران این  
سازمانهایی که به انحراف کشیده شده اند یا  
دارند میشوند، هر چه زودتر از سازمان خود  
بخواهند که به این انتقادات جواب بدهند یا  
سازمان خود متصفه حساب کنند.

راجع به تبلیغ و ترویج همین طور که  
خودتان میدانید، البته میگوید: "۸۰ درصد کار  
قیام را تبلیغ و ترویج انجام میدهد ولی ما ۲۰  
درصد هم به این امر بها نمی دهیم، بایستی یک  
برخوردها قطع و مریح انجام بدهیم و این راهم  
یادمان باشد که از ما حرکت از شما برکت و ما  
منتظر برکت شما هستیم، رفقا چرا بعضی از مقالات  
بیکار را که واقعاً به درد اعلامیه شدن میخورد و  
با بدست این طبقه زحمتکش برسد فقط در نشریه  
بیکار می آورید؟

موفق باشید و بیروز

رفیق کارگر!

از نامه بیروزت بسیار گرامی می گویم تا  
به پیشنها داشت عمل کنیم، در ضمن رفتن  
هوادا را خود با بدبطن لب سادها بیکار برای کارگران  
را با توجه به منطقه و محیط کارخانه و... تکثیر  
کنند.

بیروز باشی!

نامه ای از یک مادر مبارز!

دوستان سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
من خودم قالی می بافم و پاره می ریم، سنم  
در حدود ۵۹ سال است، ما مردمان زحمتکش  
هستیم، با بچه ها که با شما همکاری میکنند کمک می  
کنیم، بپرسم موقتی که کاغذ (منظوراً اعلامیه است  
- بیکار) می آوردم کمک میکنیم و تکهداری می  
کنیم و آنها را تا می زنیم، ما کارهایی را که  
انجام میدهم بخاطر مردم طبقه سرام است که هیچ  
راهی ندارند، خانواده ما همه شان همکاری می

کنند به نظر من حکومت خوب نیست چونکه به  
مردم نمی رسند، کوه عده هایی که بد ملت می  
دادند، ملت خون داد قیام کرده که وضع حسوب  
بشود.  
حالا تیغها میکوبند مگر روغن نخورید می  
سیرید، حالا هیچ کس نمیداند، ما منتها بمان را  
گره کردیم و زحمت کشیدیم ولی حالا اصلاً برق نکرده  
هرچی من بگویم کم است من از شما می خواهم که  
مبارزه کنید تا این رژیم برداشته شود و ما هم  
سروشان بگیریم.

من خودم مسلمان هستم و ما ملت شما  
(کمونیستها) را دارم و حالا شما را بدست  
ما خودتان را خوب نشان بدهند، حالا حکومت  
شیخی است.

بعضی ها میکوبند پیرت کمونیست است ولی  
من همیشه جواب میدهم من افتخار میدانم حرف،  
حرف حق است.

حالا شما ببینید روزی چقدر کمته داریم  
مردم را شیخها و حکومت از بین می برد، در آخر  
موفقیت شما را از خداوند می خواهم

ح - خ - ز - م

مادر مبارز!

از کمکهای بی که در جهت پیشبرد هدفهای  
سازمان میکنید، بسیار خوشحالم، با شکر و ش  
بدوش یکدیگر تا برقراری جمهوری دمکراتیک  
خلق لفظهای از برای نشینیم.

بیروز باشی!

نامه ای از رفقای هوادار در شیراز

درد به رفقای سازمان بیکار  
با ایمان به راه سازمان بیکار، که راه  
ما را کسبم. البته منم و راه آزادی بیولتا را می  
- باشد، رفقا! نه میتوان نوشت و نه بیان کرد،  
که وقتی بیکار روضیمه ها و... بدستمان میرسد،  
چگونه شوق سرا بای وجود ما را میگیرد، هر چه  
بیشتر از عمر بیکار میگذرانیم این امر نیز مسا  
هواداران را تقویت میکند، بیکار به حق بدون  
ذره ای غلو، با سازمان کرای، هر چه بیشتر به  
توده ها نزدیک میشود، بیکار هر روز که میگذرد،  
نیازهای جنش را بیشتر تشخیص میدهد و در جهت  
حل مشکلات جنش سریعتر حرکت میکند، واقعاً  
که کمونیستها، بیکارترین نیروهای انقلابی  
هستند و تنها مدافع منافع بیولتا را.

رفقا! آرزوی هر فرد آگاه این است که  
بتواند کامی هر چند کوچک در جهت مبارز آوری  
آگاهی توده بردارد، این کامیایه تکلیفهای  
منفاوت برداشته میشود، فعلاً لیت بیکار و... تا  
کمکهای مالی.

رفقا! دلشان سخواست که حداقل یک در  
مدار شروتهای غارت شده زحمتکشان، که در بانک  
- های سرمایه داری انباشته اند در اختیار ما  
میوند تا برای رهائی زحمتکشان از قید نظام  
سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، در اختیار  
سازمان قرار میدادیم، اما...  
بحران فعلی جامعه، بیکار ریها و کمی حقوق

جنگ و... مانع از یاری رسایی به سازمان می  
- باشد، اما با این وجود بقول معروف، "قطره  
قطره جمع گردد و وانگهی دریا شود." قطره ای نا  
جیز (۲۵۰۰ ریال) را به رفقا تقدیم میکنیم، بها  
امدا بکنند و آینه به توانیم، آسرا بیشتر و بیشتر  
کنیم تا سازمان را تسکین برداری توده ها، هر چه  
سریعتر در جهت رشد آگاهی و تکستن توهم توده ها  
حرکت کنند.

م - ج

رفقا!

از این همه شور و علاقه ای که نسبت به سازمان  
ا برار داشته اید، احساس غرور و افتخار میکنیم و  
از کمکهای بی که در راه پیشبرد اهداف طبقه کارگر  
به سازمان نموده اید، بسیار گرامی می، رفقا! تلاش  
سازمان در این بیرون هر چه بیشتر با طبقه کارگر  
بدون نقیض فعال هواداران امکان پذیر نیست  
بسیار بگویم با کسرتش فعالیت انقلابی خود در  
راه آزادی نهایی طبقه کارگر به پیش رویم!

بیروز باشی!

رفیق کارگر - ر

نامه ای که فرستاده بودی بدست ما رسید و  
از اینکه خبری در رابطه با جنگ ایران و عراق و  
عکس العمل کارگران نسبت به آن برای ما  
فرستاده بودی بسیار گرامی می، رفیق! با رجوع به  
بیکار شماره ۷۷ در مورد گزارش نویسی از تانیر  
جنگ در میان کارگران، "خبرها و گزارشات را  
بدست ما برسان!

با درودهای رفیقانه

رفیق ب - ه - د - د - ک - ج

نامه ات رسید! با زهم خود را داده گزارشات  
آزموسه، نام آنرا روشن نکرده بودی و خلاصه  
نتوانستیم از ما چرا با خبر شویم، گزارشات را  
بایستی طبق رهنمودهایی که در این باره در  
بیکار درج نموده ایم، تهیه کنید.

گزارش با بدخدا المقدور هم داده شد، دقیق و  
کامل باشد، اسم موسسه... حتماً با بدروشن باشد  
اگر اسم آن نباشد آورده شود، می توانید در زیر  
آن بنویسید، قابل درج نیست، با داخل می -  
باشد و...  
بیروز باشی!

رفیق کارگر "عباس" از مادران

نامه محبت آمیزت کد به زبان محلی  
مازندرانی نوشته بودی برایمان رسید، ما  
نیروها کارگران و زحمتکشان عهد بسته ایم، تا تا  
- بودی سرمایه داری واستغرا ر سوسال بیدم می  
از این نشینیم.

بیروز باشی

رفیق گ!

رفیق نامه انتقاد آمیزت بدستمان رسید،  
همانطور که تو گفتی به دلایل فنی، بدلیل  
بقیه در صفحه ۲۵



### اعتصاب يك ميليون كارگر يوناني

طبقه کارگر یونان برای ۲۴ ساعت یونان را بلرزده در آورد. روز دوشنبه ۱۹ آبان بیش از یک میلیون کارگر به منظور افزایش دستمزد و حقوق و شرایط بهتر کار دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب سراسری، وسائل نقلیه عمومی صنایع، ارتباطات تلفنی، فعالیت های عام-المنفعه و بیمارستانها را دربرگرفت. این اعتصاب عمومی تمام زندگی اقتصادی کشور را متوقف ساخت و نشان داد که طبقه کارگر چه نیروی عظیمی دارد. این اعتصاب که به نكاه قدرت پولادین کارگران برپا شد، بلافاصله دولت سرمایه داران را وادار ساخت تا قول و قرارهای مبنی بر افزایش دستمزد کارگران و بهتر شدن شرایط کار بدهد. اما آیا بورژوازی به قول خود وفا خواهد کرد؟ هرگز! و آیا کارگران به مبارزات خود پایان خواهند داد؟ هرگز!

### ۱۰۰۰ کارگر در اسرائیل اعتصاب کردند

ده هزار کارگر در اسرائیل اعتراضی به عدم پرداخت مفری آنان از جانب شهرداری در تل-آویو اعتصاب کرده و تمام خدمات شهری را مختل نمودند. بزنگان نیز که خواهان اضافه حقوق می باشند و بحال کم کاری میگردند به اعتصاب پیوستند.

رژیم صهیونیستی و اشغالگر اسرائیل پیوسته کوشیده است تا از طریق تبلیغات شوونیستی و اعمال سنا روز و حرکت اعتراضی و مبارزاتی کارگران را خفه کند. اما تشدید بحران اقتصادی و استمرکی سیاسی، بیش از پیش کارگران را به میدان مبارزه مستقیم علیه بورژوازی حاکم میکشاند و کارگران اسرائیلی در میا بندگی خلق قهرمان فلسطین در مبارزه علیه صهیونیستهای نجا و زکا ردا رای سرنوشتی مشترک هستند.

### نظا هرات سرخپوستان آمریکا

جدی بیش نما بندگان قباثل سرخپوست آمریکا بعنوان اعتراض علیه کشتار فاشیستی

دستجمعی سرخپوستان توسط امیرال لیسیم جنایتکار آمریکا دست به راهبیمائی زده و حرکت اعتراضی خود را دروا شنگش بی پایان رساندند. جنایتکاران یانکی پیوسته کوشیده اند تا از طریق قتل عام و کشتار سرخ پوستان، نسل آنان را نابود کنند، به همین خاطر تظا هرکنندگان، این راهبیمائی را از راهبیمائی برای بقا نام-گذاری کردند. تظا هرکنندگان در عین حال خواستار آزادی رهبران زندانی خود و خاتمه دادن به مسابقتلیحاتی بودند

### خلق السالوادور میروند

مبارزات خلق السالوادور و انقلابیون آن علیه رژیم نظامی مزدور این کشور همچنان به پیش میروند. مبارزات مردم این کشور بخصوص در یکسال اخیر برای سرکونی رژیم حاکم سندیسا اوج گرفته و در مقابل آن ارتجاع به خونین ترین سرکونی و ترور و وحشیانه روی آورده است. در سال جاری حدود ۱۰ هزار نفر از مردم کشته و هزاران نفر زخمی شده اند، در همین یک هفته اخیر ۴۲ نفر توسط عوامل مستقیم و غیر مستقیم دولتی به قتل رسیده اند، در این قتلها از جمله یک گروه تروریستی - فاشیستی بنام "جوخه مرگ" که تحت کنترل دولت میا شد شرکت دارد. لازم به یاد آوری است که اخیرا امیرال لیسیم جنایتکار آمریکا ۵/۷ میلیون دلار "کمک" نظامی به رژیم حاکم کرده و در حال حاضر تعداد زیادی از مستشاران و افسران نظامی آمریکا در حال تعلیم دادن قوای نظامی السالوادور میباشند.

### ریگان جنایتکار

### مسابقه نظامی را تشدید میکند

همانگونه که انتظار میرفت ریگان، نماینده جدید امیرال لیسیم آمریکا، در جهت افزایش بودجه نظامی و تشدید مسابقه و رقابت تسلیحاتی عمل نمود. پس از رسیدن به قدرت، ریگان از زنگره آمریکا مبلغ ۲۰ میلیار دلار جهت افزایش بودجه نظامی درخواست کرد. در حال حاضر بودجه نظامی آمریکا ۱۹۵ میلیار دلار میباش که با توجه به درخواست ریگان این مبلغ به ۲۱۵ میلیار دلار و یا بیشتر خواهد رسید. پرواضح است که کنگره آمریکا برای گسترش جنایات و تجا زات در عرصه جهانی به این پیشنهاد رای مثبت خواهد داد. بطوریکه کنگره پس از انتخاب ریگان بخشی از پیشنهادات او را مبنی بر افزایش حقوق ارتشیان و ایجاد دیک ارتش ذخیره پیک میلیونی، تجهیز به مدرنترین سلاحها و دارای قابلیت رزمی برای نبرد در کوتاهترین زمان را مورد قبول قرار داده است. در حال حاضر نمایندگان سوداگران مرگ و اسلحه در کنگره آمریکا، راجع به تشکیل یک ناوگان ۶۰۰ واحدی و گسترش موشکهای هسته ای "ام-ایکس" بحث میکنند. بعلاوه

هما نظور که میدا نیم ریگان مخالف بسما ن "محدود کردن سلاحهای هسته ای (سالت - ۲)" می باشد و جمهوری خواهان اعلام کرده اند که مانع از تصویب آن خواهند شد. علت مخالفت جمهوری خواهان با این پیمان اینست که سوسیالیال امیرال لیسیم شوروی را رای کلاهکهای هسته ای بسیار زیاده میباند. بر این اساس نمایندگان جدید امیرال لیسیم آمریکا با تصویب این قرارداد مخالف بوده و خواهان تشدید مسابقتلیحاتی میباشند.

### چین روی نو نیست رژیم مزدور پاکستان را مسلح میکند

بر اساس یک قرارداد نظامی که اخیرا منعقد شده، چین رویونیست هوا بیما های جنگنده و موشکهای زمین به هوا به پاکستان تحویل می دهد. اولین دسته از هوا بیما های جنگنده از نوع "فانتان" یا "جانجی - ۶" به رژیم مزدور پاکستان تحویل گشته و قرار است بزودی سناکداران دیگر از این نوع هوا بیما ها به این کشور ارسال گردد. بر اساس این قرارداد مجموع جنگنده های فانتان خریداری شده ۶۵ فروند میباشند. این هوا بیما ها، جنگنده ضربتی بوده و دارای سرعت ۲/۲۵ ماخ میباشند. رژیم آمریکا ضیاء الحق اولین رژیمی است که از چین بورژوازی رویونیست این جنگنده ها را دریافت میدارد. رویونیست های خائن حاکم برجین هر روز گام تازه ای در راه خیانت به خلقهای جهان بر میدارند. آنها رژیم مزدوری را مسلح میکنند که کما میلا وابسته به امیرال لیسیم آمریکا بوده و سرنیزه های بیش پیوسته سینه شده های زحمتکش را نشانده رفته است. چین ضد انقلابی با فروش این تسلیحات بیروتا فعالانه به یک سوداگر بین المللی مرگ تبدیل گردد.

### مانورهای نظامی

### امیرال لیسیم آمریکا در مصر

در سال ۱۹۷۲ تعداد ۱۷۰۰۰۰ مسنار نظامی سوسیالیال امیرال لیسیم، مصر را ترک کرده و بدنبال آن روابط "حسته" میان مصر و شوروی با بیان میبذیرد. از آن پس سادات خائن دست بدامن امیرال لیسیم دیگری گشته و هر چه بیشتر میکوشند تا نفوذ آمریکا در مصر تقویت و گسترده شود. امیرال لیسیم خونخوار آمریکا با توجه به اهمیت استراتژیک مصر، بخصوص پس از سقوط سلطنت شاه خائن، حضور و نفوذ خود را در این کشور تحکیم مینماید. او و جگری جنبشها در منطقه، ا هبست منابع نفتی موجود در آن و تشدید رقابت سنا شوروی امیرال لیسیتی، امیرال لیسیم یانکی را به آن داشته تا فعالیتهای خود را در منطقه و از جمله در مصر گسترش بخشد. در همین رابطه قرار است

# پیکار

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ...

با بداین سطح را بطور دائمی بالاتر ببرد... پس از قشر (از نظر عددی کوچک) کارگران بیسرو، قسرویس کارگران متوسط قرار دارد. این کارگران هم با حرارت بخاطر سوسا لبسم تلاش میکنند، در محفل‌های مطالعاتی کارگران شرکت میکنند، روزنامه‌ها و کتابهای سوسیالیستی را میخوانند در کار تبلیغی شرکت می‌جویند و با قشر قبلی فقط از این لحاظ تفاوت دارند که اینها نمی‌توانند بصورت رهبران کاملاً مستقل جنبش سوسال دموکراتیک طبقه کارگر در آیند. کارگرم متوسط برخی از مقالات روزنامه‌ای را که هدفش آن است که کارگران حزب باشد، درک نخواهد کرد. و وقتا در نخواهد بود که دریافت‌های کلی از یک مسئله بیچیده تئوریک یا عملی حاصل کند. اما این امر مطلقاً بدان معنا نیست که روزنامه‌ها باید خود را تا سطح توده خوانندگان یا بیس آورد. این روزنامه برعکس باید سطح فکر آنان را بالا ببرد و کمک کند که کارگران بیسرو را از بین قشریانی کارگران بسازد و اعتلا بخشد. این قبیل کارگران که به وسیله کار عملی محلی جذب میشوند و عمدتاً به رویدادهای جنبش طبقه کارگر و مسائل فوری تبلیغ علاقه دارند، باید هر عمل خود را با افکار جنبش سراسری طبقه کارگر و سوسه وظیفه تاریخی آن و هدف نهایی سوسیالیسم مربوط سازند. از اینرو روزنامه‌ها که توده خوانندگان آن کارگران متوسط هستند، باید سوسالیسم و مبارزه سیاسی را با هر مسئله محلی و محدودی مرتبط سازد. بالاخره پس از لایه کارگران متوسط، توده‌ای قرارداد رده‌های بیس تئوروتاری را تشکیل میدهد. این امر کاملاً امکان‌پذیر است که یک روزنامه سوسیالیستی بطور کامل یا تقریباً برای آنان غیر قابل درک باشد (حتی در اروپای غربی تعداد رای دهندگان سوسال دموکراتیک خیلی بیش از تعداد خوانندگان روزنامه‌های سوسال دموکراتیک است). اما بی معنا خواهد بود که از این امر نتیجه‌گیری کنیم که روزنامه سوسال دموکراتیک باید خود را

با بائین ترین سطح آگاهی کارگران انطباق دهد. تنها چیزی که از این واقعیت نتیجه میشود آن است که باید شکل‌گیران تبلیغ و ترویج جدا رک شود تا برای لایه‌های کوناگون اثرگذار، جزوه‌هایی که به زبان عامه فهم نوشته شده باشد، تبلیغ شفاهی و عمدتاً بیانیته‌ها و اوراقی بی‌ارزش رویدادهای عملی (۵)

بدین ترتیب سازمان کمونیستی برای در آمیختن با توده‌های وسیع نه تنها به توده‌های بیسرو، بلکه به توده‌های عقب مانده نیز با یستی توجه داشته باشد. منتها اشکال و کیفیت تبلیغ در مورد این اقشار متفاوت است. ارگان مرکزی برای توده‌های بیسرو، (و نیز تا حدودی توده‌های متوسط) نشریات محلی برای توده‌های متوسط (و نیز تا حدودی توده‌های عقب مانده)، اعلامیه، جزوات عامه فهم، تبلیغ شفاهی و... برای توده‌های عقب مانده تبلیغ در میان توده‌های عقب مانده، میتواند، حتی از طریق کلوبهای ورزشی، انجمنهای هنری، تئاتر، داستان، موسیقی، تشکیل کمیته‌های امداد به آوارگان جنگ، هیئت‌های آموزشی (حتی تدریس مواد درسی)، گردشها و کوهنوردی در روز تعطیل و... انجام گیرد. چه با تبلیغ بروی خصوصیات رهبری یک سازمان، تبلیغ مداوم آرم‌تشیلات، یک راهیمائی با شکره، نحوه سخنرانی یک رفیق در میتینگ، یک نمایشگاه عکس و طراحتی خوب، نمایش فیلم و تئاتر مورد توجه توده‌ها، شعرهای روی دیوار، بیلاکاردها و مقواهای سرچهارراه، تاشیر بسیار با اهمیت در جذب توده‌ها و در آمیختن با آنان داشته باشد.

کلام آخر، تبلیغ باید هما نندیک نسیم بصورتی گسترده همه‌اقتار توده‌ها را در برگیرد و مری شود، باید همچون شیخی سراسر کشور را زیر سیطره خود بگیرد، کارخانه، مزرعه، کوچه‌ها، محلات، درودیوار شهر، مدرسه، اداره، و خلاصه در همه جا حضور داشته باشد، تنها در چنین حالتی است که کمونیسیم در میان توده‌ها نفوذ می‌یابد و کمونیستها با جلب اعتمادشان رهبری مبارزه طبقاتی را بدست میگیرند. ادامه دارد.

(۴) و (۵) - لنین - گرایش قهرایی در سوسال دموکراسی روس

بقیه از صفحه ۱۸ پاسخ...

شرایط جا معه وهمچنین ضعفا و ایرادات وارد در امر جاب و توزیع متاسفانه بیکار در بدست رفتا میرسد. مهمتر از آن به اندازه کافی نیز بدست رفتا نمیرسد امیدواریم همکاری کلیه رفقا، بر این ضعف فائق آئیم.

بیروزی با شی

\* - کلیه رفقای مناطق مختلف، سازمان داشجو - بیان و دانش آموزان بیکار و کلیه هواداران موظفند بیکار را، اعلامیه‌ها و تراکت‌ها را به هر میزان که میتوانند تکثیر و پخش نمایند، تا محدودیت تبلیغاتی ما جبران شود.

\* - یکی از خواستندگان عزیز ما که پدر یک خانواده شش نفری است طی نامه‌ای نسبت به مطالبی که در "ما حبه با رفقا حسین روحانی و شراب حق شناس" مندرج است تمجید کرده و خواستار انتشار مجدد این مصالحه بصورت جزوه‌ای جداگانه شده است. ما ضمن تشکر از این خواننده گرامی، به او و دیگر رفقای که در باره این مصالحه و انتشار مجدد آن به ما نامه نوشته‌اند اطلاع میدهم که این مصالحه را همچون دیگر مطالب تبلیغی و ترویجی بصورت جزوه جداگانه در اختیار کارگران و زحمتکشان میهن‌مان قرار خواهیم داد.

بیروزی با شید!

نامه‌های زیادی بدستمان رسیده که حاوی انتقادات، پیشنهادات و سئوال‌ها بود. که مورد توجه قرار گرفت، ما ضمن تشکر از کلیه رفقا، می‌خواهیم که همچنان با ارسال نامه‌های خویش در پیشبرد فعالیت سازمان کوشا باشید.

بدلیل محدودیت‌ها، ما صرفاً به ذکر اسم نویسنده اکتفا میکنیم، در ضمن پاسخ برخی از سئوال‌ها در بیکارهای شماره‌های قبیل و مواضع رسمی سازمان توضیح داده شده است. بسیاری از آنان نیز در بیکار رشتوریک پاسخ داده خواهد شد

رفقا: بهزاد - زمان ماک - کارگر مبارز، رمان - اکبر - م، ه، ج، ل، خ، دانش آموز ۳۳ شرق - Z و F (رفقا اسم اول حرفتان را فارسی بنویسید) - شهرام - بشمرگه، ج - ح ۴ ریاضی از شیراز - ج از کرک - ق از د، ت، ج - م، خ - ن - س - ل، ر - کاوه قانع از سقز، ف، ع - ن - کا از رودسر - م، قارا از تبریز - رب، از رشت - عباس - ب، الف - ن از رودسر - د، د، کیلان - ج، ر - هسته هنری مشهد - م، ر از نیسا بور - دانشجوی هوادار مشهد، س، ج - م، الف - دانشجوی هوادار تهران - س، ج - رفیق ع بشمرگه - ف، گ دانش آموز - ط، از اصفهان - ابراهیم از اصفهان - د، د، اصفهان رب، از کمیته پزشکی - ر، س از تهران - ع، ه، از اهواز - حبیب - الف، م، زویا کارگر تراشکار - هواداری از خلخل - د، د، ب، ج، ع - سعید ج قاسم - کریم - س، م، ر - رفیق کارگر باطری ساز - رفیق ر، لیل - م، س، ر

بزرودی بمدت دو هفته ما نورهای نظامی گسترده - ای از جانب آمریکا در مصورت گیرد. هدف آمریکا اینست که بتواند ۱۰۰۰۰۰۰۰ سرباز در مصورت نیا زد در مصریا ده کند به این خاطر آمریکا در حال حاضر با این ما نورها در پی آنست تا آمادگی تجاویز خود را ارتقا داده و قابلیت انطباق نیرو - های خود را با شرایط منطقه هر چه بیشتر دمساز نماید. برای انجام این ما نورها که "ستاره درختان" نامیده میشود، تا بحال اولین گروه از جتربا زان آمریکا ئی برای تمرینات آزمایشی

با نیروهای نظامی مصر و اردیایکا غربی قاهره گشته و قرار است ۱۴۰۰ سرباز و جتربا زویسک اسکا در آن شامل ۱۳ هواپیمای جنگی تا کتیک "ای - ۷" نیز بزرودی وارد مصر شوند. لازم به یاد آوری است که نیروهای مسلح مصر در ۱۷ آبان به خواست امریالیسم آمریکا با استفاده از ۱۰۹ هواپیمای جنگی، دست به ما نور نظامی زد تا بتواند از آمادگی بیشتر برخوردار گردد. در حال حاضر رژیم سرسپرده سادات مصر را تبدیل به پایگاهی نموده که امریالیسم آمریکا با اشکاب آن بتواند تحاویزات آتی خود را تحقق بخشد.



رشد مبارزات طبقه کارگرو زحمتکشان و خلق  
- های قهرمان ایران، رژیم ارتجاعی جمهوری  
اسلامی را وادار نموده است تا علاوه بر سرکوب  
جنبش توده‌ای و ترور و تیرباران انقلابیون و  
بویژه کمونیستها، زندانهای خود را برای دربند  
کشیدن آنها گسترش دهد، و به همین خاطر رژیم در  
زندان مخوف اوین که در دوران قیام مبدست  
توده‌های مردم فتح شد، با کمبود جا روبرو گشته  
است. سند شماره (۱) که مربوط به سال ۵۸ می -  
باشد، همچنین استیصال رژیم را از سرگویی  
جنبش روبه اعتلای توده‌ای نیز نشان میدهد.

## زندانیهای شاه هم کفاف رژیم جمهوری اسلامی را نمی‌دهد!

جناب آقای قدوسی  
دادستان کل انقلاب اسلامی ایران  
مدت زیادی است که فرزندان انقلابی ما دربند هستند. فرزندان که در رژیم مفسور شاه لحظه‌ای از مبارزه بر علیه آن  
وابستگان امیرالیهی دست برندانته و حتی پیر از قیام بر شکوه بیستمین ماه به مبارزات خود برای حفظ دستاوردهای انقلاب  
ارامه داده‌اند.

این فرزندان لبریز از عشق به توده هستند. و هم اکنون نیز فقط به نرم دنیا از عقاید خود در بدترین موتیبت و  
کترین امکانات به فاصله دوری از شهر و خانواده این خود بسر برتند. از زنی مدت محکوم آنان و نالیسا  
در دادگاههای تعیین شده است که این فرزندان مبارز از داشتن طبیعی ترین حق خود یعنی دایتم وکیل و دادگاههای  
علنی و غیر منفی محروم بوده‌اند و این درست نیست. این ۳۰ قانون اساسی است که معتقد است در همه دادگاهها  
محکومین حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند. . . .

ما خانواده‌های این زندانیان از دادستان کل انقلاب اسلامی تقاضا داریم که در مدت محکومیت این زندانیان  
مبارز دربند تجدید نظر به عمل آورده و هر چه زودتر اقدام نموده و خانواده‌ها را از نگرانی و اضطراب برهانند.

با تادیم احترامات  
خانواده‌های زندانیان سیاسی لالی و مسجد سلیمان

۰۹۰ / ۲ / ۱۱

روئیت دادستان کل انقلاب اسلامی  
روزنامه کیهان

اگرچه این سند مربوط به سال ۵۸ میباشد،  
اما رشد مبارزات توده‌ها در این یک سال، آمار -  
های از دستگیری انقلابیون، گواهی این حقیقت  
است که هم اکنون هم رژیم با مشکل کمبود زندان  
روبروست.

طبق اخبار رسیده از تعداد کل زندانیان  
زندان اوین که ۱۰۲۵ نفر میباشد، ۱۳۲ نفر  
ساواکی، ۶۸ نفر نظامی و بقیه در حدود ۷۸۰ نفر  
سیاسی هستند.

رفقای پیکا رگر، منوچهر نیک اندام، محمد  
اشرفی، شکرالله‌دا نشیا ربه جرم آگاهی دادن به  
زحمتکشان بدست رژیم ددمنش جمهوری اسلامی  
تیرباران میشوند و رفیق حسنعلی شهریباری  
کارگرمبار زوگا ندیدای سازمان در آغا جاری  
به ۱۵ سال و رفیق حسین رهگذر در شیراز به جرم  
کمک به جنگ زندگان به ۱۰ سال زندان محکوم  
میکردند.

روزنامه کیهان مورخ ۸/۲۰ خیر از دست -  
گیری ۲۰ دانش آموز دختر هوار سازمان  
مجا هدیین میدهد  
خبر دیگری که گروهی از مادران مجا هدیین

کمونیستها و انقلابیون نشا ندهنده استیصال و  
درماندگی رژیم جمهوری اسلامی در قبال رشد  
جنبش توده‌ای و فعالیت آگاه هگرا نه کمونیستها  
و دیگر تیروهای انقلابی است. اما اگر رژیم  
جمهوری اسلامی سراسر خاک ایران را به زندان  
وسیاه چال تبدیل کند، باز هم توده‌های آگاه  
بهمراه کمونیستها و انقلابیون و به رهبری حزب  
طبقه کارگر، با برقراری جمهوری دموکراتیک  
خلق، ناقوس مرگ رژیم را در هر کارخانه و مزرعه  
و کوچه و خیابانی به صدا درخواهند آورد!

بخاطر اعتراض به دستگیری فرزندان نشان، دستگیر  
و مدتی در بازداشت به سر برده‌اند.

در جریان محاکمه سعادت مجا هدر فاطمه  
روزهای ۸/۱۳ تا ۸/۱۴، ۷۵ نفر از هواداران  
مجا هدیین دستگیر و روانه زندان میشوند.

سند شماره (۲)، نامه خانواده‌های زندانیان  
سیاسی لالی و مسجد سلیمان به قدوسی دادستان  
کل رژیم میباشد.

این نمونه‌ها به همراه هزاران مورد دستگیری

## زندانی سیاسی انقلابی آزاد باید گردد

ستاره از صفحه ۱

جنگ...

فشار

برخو

افرا

ریال

گرسنگی

بزرگ

مواد

زحمتک

بینی

و غذا

ساعت

افزای

هزینه

سواد:

گرسنگی و سرگ تدریجی سبکشانده تا بدها ف

را فرا ترکذا شده و بیشتر ما نه میگوید:

"وظیفه انقلابی خودبدا نیمکه تولیدرا

افزایش و مصرف را کمترکنیم." (شاعرزیر

صفحه روزنامه جمهوری اسلامی).

مرتجعین، کارگران و زحمتکشان را به تسن

دادن بدها استعما هرچه بیشتر تحت شعار "تولید

بیشتر" و تحمل گرسنگی زیرعنوان "مصرف کمتر"

دعوت میکنند. آنها به مردم میگویند "تولید

بیشتر" جیب سرما بدها را را برای خرید اسلحه

و سایر بزرگ نظای ببرکنید. و اگر ما بحتاج زندگی

روزمره شما فرا هم نیست، اگر ما غذای مسورد

نیا موجود نیست، با "مصرف کمتر" عوارض این

کالاها اضافه میشود. بدین ترتیب می بینیم

افزایش قیمت بنزین از چند جنبه باعث بالا رفتن

سریع قیمت کالاهای مصرفی و مواد غذایی می

گردد. و نتایج زحمتکشاند که باید برای تهیه حداقل

مابحتاج خود چنین قیمتهای کمترین را بپردازند.

بعلاوه رژیم جمهوری اسلامی با اخذ ۲۰ ریال

اغاقی بابت هر لیتر بنزین از تاکسیرانسان

زحمتکش میخواهد بحران اقتصادی شدت یافته

از جنگ را تخفیف دهد و ما بحیب پرور جنگ با رژیم

ارتجاعی عراق ادامه دهد. وعده ما بپرداخت ۲۰

ریال اغاقی هم دروغ و فریبی بیش نبوده و

وعده ای است که هرگز عملی نخواهد شد.

همزمان با شدت یابی این فشار رهسای

اقتصادی بر زحمتکشان، سردمداران رژیم عراق

سربانه کارگران و زحمتکشان را نه "تحمل

مشقات" و "روزه گرفتن" دعوت میکنند. یعنی

اینکه سرما بدها را و سردمداران رژیم در

رفاه باشند، اما زحمتکشان روز به کمینند!

رژیم جمهوری اسلامی اکنون با برقراری

تقررات جبره بندی ما بحتاج عمومی، میخواهد

آخرین شوره جان زحمتکشان را کشیده و با این

جمله کلبه عوارض و فشار اقتصادی ناشی از جنگ

با عراق را با توجیه کارمل بر زحمتکشان تحمیل کند.

میدانیم در شرایطی که برخی از موسسات اقتصادی

بخصوص صنایع نفتی بمباران شده و در شرایطی

که رژیم به اسلحه های جدید و قطعات یدکی شدیداً

احتیاج دارد تا به جنگ ادامه دهد، تا میسر

امکانات اقتصادی و مالی امر مهمی برای رژیم

بشمار میاید، جیره بندی مواد غذایی، گرانگی

کالاها، مصرفی، افزایش مالیاتها و... از جمله

راه حلها می برای این منظورهاست. از آنجا که

اقتصاد ایران وابسته است رژیم محصور است کالا

وارد کند و از آنجا که ارتجاع خواهان ادامه

جنگ ضد مردمی است، رژیم نیاز به اسلحه و

مهمات نظای دارد.

بنا بر این رژیم بدها هر طریق امکانات

مالی فراهم سازد. فشار بر توده ها را به حل اساسی

برای هیات حاکمه است. رژیم را طریق جیره بندی

کرانی، افزایش مالیات و... توده ها را بدها

از طریق افزایش قیمتها، مالیاتها و در گرسنگی

قرار دادن و افزایش استعما زحمتکشان امکان

پذیراست. حزب جمهوری اسلامی از این همپا

**رویزونیستهای فدایی (اکثریت)**  
**و خیانتی دیگر!**

طبق اطلاعات موثقی که بدست ما رسیده

است اخیراً در بیروت بین محمدعلی فرخنده

کشتگرما بنده سا زمان جریکهای فدائی (اکثریت)

و یونا ماریوف یکی از ایدئولوگهای حزب

رویزونیست شوروی ملاقاتی صورت گرفته است

یونا ماریوف در اس جناحی از رویزونیستهای

شوروی است. سیاست این جناح از سوسال

امپریالیسم شوروی بر آن است تا با انتقاد دیرخیز از

تراهای رویزونیستی رسوا شده خروشچف و از

آنحمله تر "راه رتد عیسر سرما بدها را" "شوروی

سوسال امپریالیسم را حفظ کرده و اهرم فریب

کارانده برای نفوذ بیشتر در جنبشها بدست آورد.

اگر جناح سوسولف و برژنف همچنان برهمه

نیاستهای گذشته پا فشاری میکنند، این جناح

میکوشد در شرایط رشد جنبشهای آزاد بخش در

عرضه جانی ظاهراً "چپ" بخود گرفته و بدین ترتیب

قدرت با توجوه و فریبی بیشتر را تا مین سازد

اما حقیقت آن است که این جناح همانند جناح

برژنف جناحی امپریالیستی میباشد، با این

تفاوت که میکوشد تا با عوا فریبی های نویسن

جنبش خلقها را به انحراف بکشاند. رویزونیست

های فدائی که خود را هم می با این جناح

رویزونیستی می بینند، میکوشند تا مناسبات

نزدیکی با آن برقرار کرده و بیش از پیش حرکت

خود را در تطبیق با جناحی از سوسال امپریا

لیسم قرار دهند. لازم به تذکر است که میزبانان

رویزونیستهای شوروی و ایرانی سا زمان کار

کمونیستی "لسان بوده است که خود سا زمانسی

رویزونیستی و طرفدار جناح یونا ماریوف

همچون سا زمان جریکهای فدائی (اکثریت) است.

آنها تنها مشقات و سختی ها و کمبود مواد غذایی

ناشی از جنگ را نپذیرند! میشوند، چون ادامه

چنین جنگی تا بیروزی، ما تمام مشقاتش بنبفع

کارگران و زحمتکشان تمام خواهد شد، اما جنگ

ایران و عراق نه خواسته کارگران و زحمتکشان،

بلکه خواسته سرما بدها را و بنبفع آنها میباشد

بهمین جهت جنگ سرما بدها را از جز فلاتک برای

کارگران و زحمتکشان شتیجای ندا رد و بد همین

خاطر توده ها از این جنگ بیزارند.

هنوز توده ها زگشترش جنگ نگذشته است،

اما با گذشتن هر روز، قیمتها بنحوشکننده ای بالا

سیر و دوا تا ر قحطی و گرسنگی محسوس تر میگردد.

و بدون شک با طولانی شدن جنگ، مردم زحمتکش

ما به یک قحطی و گرسنگی و بیماری و مرگ و میسر

تمام عیار دجا رخواهند شد و مسئول تمام این

جنا بیات رژیم حاکم است.

البته فلاتک و گرسنگی ناشی از جنگ ارتجاعی

ایران و عراق تنها گریبانگیر زحمتکشان ایرانی

نیست. زحمتکشان عراق نیز به تحمل فشار

اقتصادی و گرسنگی ناشی از جنگ محکوم شده اند

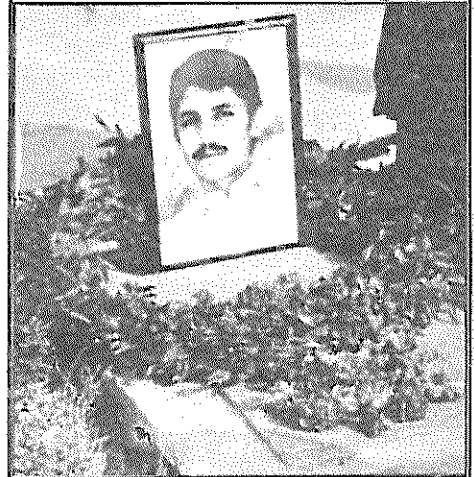
آری، فقر و فلاتک متوجه خلقهای ایران و عراق

است. اما مطمئن باشیم که مبارزات رشدیابنده

شده ها نیز متوجه رژیم ایران و عراق خواهد بود.



شاخه های گل  
بومزار شهیدان



زندگینامه یک گم‌نویست،  
پیکارگر شهید، رفیق حسین نورائی

نام: حسین  
تاریخ تولد: ۱۳۲۷  
شهرت: نورائی  
محل تولد: بوشهر  
اهد ثلویژی: مارکسیست لنینیست، عضو سابق اتحادیه دانشجویان ایرانی در پاریس (هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر) و عضو فعال سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در اهواز  
شهادت: ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه صبح چهارشنبه هفتم آبان ۵۹، هنگام کندن سنگر

در بزرگداشت چهارمین سالگرد شهادت رفقا بهرام آرا و محمد حاج شفیعی جمعاً از رفقا و هواداران سازمان، روز جمعه ۲۳ آبان ماه در هیئت زهرا گرد آمدند، و از رفقای شهید و انقلابیون دلیری که در یکی از سیاهترین دوران های تاریخ سیاسی ایران همچون ستاره های تابناک در آسمان میهن ما درخشیدند و به امید تلاش در راه های زحمتکشان، پس از سالها مبارزه و در روبرو با رژیم و وابسته و خونخوار شاه، جان خویش را فدا کردند، تجلیل بعمل آوردند، به پیمان سازمان که بدین مناسبت تهیه شده بود گوش فرا دادند و بر مزار تک رفقای شهید بخش منشعب از س. م. خ. ا. که در هیئت زهرا بیش از ۲۰ نفر از آنها قبرشان بر ما معلوم است، شاخه های گل نثار کردند و یکبار دیگر پیمان وفاداری به آرمان شهیدان را که نابودی سلطه امپریالیسم و مبارزه در راه های طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است تکرار نمودند.

رفیق حسین در یک خانواده متوسط و مذهبی بدنیا آمد، تحصیلات ابتدائی را در جزیره قشم به پایان رساند. با انتقال پدرش به اهواز تا آخر دوران تحصیلی در اهواز اقامت داشت، حسین در زمان شاه شاهن، بعنوان یک دمکرات انقلابی فعالانه در جهت سرنگونی رژیم شاه مبارزه می کرد. رفیق در قیام ۲۲ بهمن در تهران، فعالانه شرکت داشت و در هنگام تصرف با دکان عشرت - آبا دشجاعت فراوانی از خود نشان داد و در خط اول آتش، جانبازانه در فتح با دکان شرکت جست. بعد از قیام برای ادامه تحصیل به پاریس میروید و در آنجا با مارکسیسم - لنینیسم یکسانه ایدئولوژی رها سازنده طبقه کارگر آشنا میشود و پس از مدتی به عضویت اتحادیه دانشجویان ایرانی در پاریس (هوادار سازمان پیکار) در می آید رفیق که در خارج از کشور کمونیست می شود، از ادامه تحصیل صرف نظر کرده و راهی ایران میگردد تا شورای انقلابی و ایمانش به زحمتکشان را بحورت نیروی مادی با انقلاب توده ها درهم آمیزد. رفیق در اوخر تابستان ۵۹ برای همیشه به میهنش باز میگردد، جاییکه می بایست پیکار غرق در خونش را در بر بگیرد.

در این مراسم ما در مجامع شهید هوشمند خا منهای نیز حضور داشت و دو قطعه شعرا که به مناسبت شهادت بهرام آرا و هوشمند سروده بود بر مزار آنان قرائت کرد. رفقا نسبت به ما همد شهید هوشمند و دیگر شهیدان خلق نیرزادای احترام کردند. در پایان قسمتهائی از پیام سازمان را می آوریم: "... خاطر شهیدان عزیزمان را در شرایطی گرامی میداریم که مکان برگزاری مراسم در خورتان فراهم نیست و کاروان شهیدان از بی همادامه دارد. از رفقای شهید مسعود ملاحی راد و طیب نجم الدینی که در تبریز بدست خدا نقلاب شورشند تا کاک عطا پیرا زنده که در کردستان به دیگر پیشمرگه های شهید راه های خلق کرد و کلیه خلقهای ایران پیوسته و تا رفقای شهید محمدا شرفی نفتگر کمونیست، منوچهر نیکاندام معلم کمونیست و شکرالله دانشیار که در خوزستان در بیدار دگا هخلخالی و به حکم سرما به داران جنگ

می بردازد، ماهیت رژیم های ضد مردمی دو کشور را برای زحمتکشان اهواز فاش می کنند فعالانه به یاری جنگ زدگان میشتابند و علاوه بر تبلیغات و کار سیاسی در میان زحمتکشان، در کا هوش مصائب جنگ برای آنان صمیمانه میگویند. رفیق حسین در طی این مدت با پشتکاری وصف ناپذیر رهنمودهای سازمانی را بکار می بست و در زیر خیمه ها و ترکش توپهای دشمن و در کناره توده های جنگ زده به وظایف انقلابیش عمل می کرد. در روز ۷ آبان، هنگامیکه رفیق در یکی از محلات اهواز مشغول حفرتنگر، برای ساختن بناهای برای زحمتکشان در مقابل خیابانهای ارتش ضد خلقی عراق بود، به شهادت رسید. همانطور که زندگی رفیق در راه های توده ها گذشت، شهادت نیز به هنگام خدمت به خلق بود. شهادت رفیق حسین در جبهه و تیرباران به رفیق پیکارگر شهید دانشیار، نیکاندام و شرفی برای سازمان ما افتخاری بزرگ محسوب می شود، چرا که این رفیقان در گرما گرم سیردنا عادلانه کنونی، صمیمانه به آرمان سرخ زحمتکشان وفادار مانده و دوشا دوش دیگر رفیقان پیکارگر در خوزستان جنگ زده، آتی از شرکت فعال در مبارزه طبقاتی توده ها غافل نماندند شرکت فعال سازمان ما به منظور تبلیغات افشاگرانه سیاسی و امداد دویاری به توده های جنگ زده تنها با فداکاریها و جان نثاریهای دلاورانی چون رفیق حسین ممکن بوده است، اکنون پرچم سرخ رفیق حسین را بیکارگران و مبارزان دیگر بدوش خواهند کشید و تا طلوع خورشید کمونیسم به پیش خواهند خاست. یادش گرامی باد

رفیق در طی مدت کوتاهی که در اهواز بود، به عضویت سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در می آید و فعالانه و با تمام توان خویش به نبرد برای رهایی زحمتکشان می بردازد. جندی از آمدنش به ایران نگذشته بود که جنگ ارتجاعی اخیر درگیری شود. رفیق حسین در طی این مدت فعالانه همراه دیگر رفقای پیکارگر به افشاکری جنگ غیر عادلانه کنونی

طبقه کارگر در راه های خلقهای ستم دیده ایران بر جاده سرخ انقلاب دموکراتیک خدا میریالیستی ایران و بسوی جامعه سوسیالیستی مضمنا نه راه بسپاریم. ما بلشویک و ربا دشمنان طبقه کارگر خواهیم جنگید و از دشواریهای راه هرگز نخواهیم ترسید و چراغ راهنمایمان، اندیشه جهان شمول مارکسیسم لنینیسم را همواره قراره خودنگاه خواهیم کرد.

- افروز به اعدا محکوم شدند... پیام پناز راه به عشق آتشین رفقای شهید به آزادی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و کینه عمیق و انقلابی آنان نسبت به دشمن و تجاربی که آنها طی پیمودن راه پرفراز و نشیب مبارزه از خود برجای گذاشته اند چنین میافزاید " امروز بنا شاخه های گل بومزار شهیدان - ما یکبار دیگر پیمان میبندیم که در راه آزادی

### دانشجویان انقلابی، تظاهرات باندهای ارتجاعی در برلین را برهم زدند

حدود سه هفتاد نفر طرفداران باندهای ارتجاعی بختیارویا لیزبان و اوبسی در شهرها میورگ اعلامیه‌ای پخش کردند. آنها در این اعلامیه ضمن تشریح نظرات و برنام‌های خود، تشکیل جلسه‌ای را به اطلاع ایرانیان رسانیده بودند. بلافاصله پس از پخش این اعلامیه، کمیته هماهنگی متشکل از دانشجویان هواداران سازمان ما و اقلیت سازمان چریک‌های فدایی و مجاهدین خلق و دیگر نیروها موضع گرفته و اعلام نمودند که هرگونه عملیاتی از طرف این باندهای خائن با مقاومت و برخورد شدید دانشجویان انقلابی و مترقی‌ساز مواجه خواهد شد. جلسه یاد شده انجام نگرفت تا اینکه در روز جمعه ۵۹/۸/۹ بار دیگر اعلامیه‌ای از طرف باندهای ارتجاعی و مدخلقی در دانشگاه برلین پخش شد. در این اعلامیه تشکیل جلسه‌ای بعنوان "جمع عمومی سازمان دانشجویان ایرانی" اطلاع داده شده بود. این اعلامیه‌ها اساسی مختلف از قبیل جنبه ناسیونالیست‌های ایران "یا" جنبه آزادبخش ملت ایران "افشا شده بود.

همانروز کمیته‌ها همکاری با برگزاری جلسه‌ای تصمیم به تشکیل جلسه‌ای مرکب از تمام ایرانیان مترقی میکروند تا با مطلع نمودن فعالیت تمام ایرانیان مترقی، از تجمع باندهای ارتجاعی جلوگیری نمایند. هنگام شب حدود ۱۵۰ نفر از دانشجویان مترقی و انقلابی به هتل محل تشکیل جلسه باندهای ارتجاعی حمله کرده و با حدود ۴۰ نفر از طرفداران ارتجاع مواجه میشوند. دانشجویان به محض ورود به سالن هتل، عکس پسران را (که بنا بر فرمایش کبیردوم تا میده شده بود) پاره کرده و با طرفداران باندهای ضد خلقی درگیر شدند. در این زد و خورد دو نفر از دانشجویان انقلابی بطور سطحی زخمی گردیدند. درگیری بعد از مدتها خلبلیس و دستگیری چهار نفر از دانشجویان و دوتن از عوامل ارتجاع خاتمه یافت چهار دانشجوی زندانی بعد از ۲۴ ساعت آزاد شدند اما طرفداران ارتجاع بجرم اقدام به قتل دانشجویان و زدن پلیس هنوز در بازداشت سومی برند.

پس از این درگیری، کمیته‌ها همکاری با ایرانیان مترقی تمام شهرهای آلمان خیر داده و خود را برای مقابله با تظاهراتی که باندهای ضد خلقی قرار بدهند و روز یکشنبه ۱۱ آبان برپا کنند آماده نمود.

روز یکشنبه دانشجویان مترقی و انقلابی با در دست داشتن پلاکاردهایی به محل شروع تظاهرات باندهای ارتجاعی وارد شده و از انجام تظاهرات جلوگیری میکنند. طرفداران ارتجاع که از طرف پلیس حمایت می شدند با کمک پلیس

سوار ماشینهای خود شده و از مرکز فرار میکنند. پس از آن، دانشجویان مترقی تظاهراتی بر علیه فعالیتها و تظاهرات باندهای ارتجاعی برپا میکنند و طی درگیری با پلیس ۱۲ نفر از دانشجویان دستگیری شدند. ساعت ۲ بعد از ظهر حدود ۶۰ نفر از دانشجویان برای اعتراض به دستگیری ۱۲ نفر و آزادی بدون قید و شرط آنها دست به تحصن میزنند که در نتیجه آن تا ساعت ۱۵/۵ شب هم از روز تا م دانشجویان دستگیر شده آزاد میگردند. حال با اینکه در همان روز کمتر از ۱۰۰ نفر از دانشجویان فالانز و غنا صراوا بسته به رژیم جمهوری اسلامی نیز ظاهرا برای برهم زدن تظاهرات بختیارویا و دیگر رادار دسته‌های مترقی شرکت داشتند. اما بیشتر شعارها بیان بر علیه نیروهای کمونیستی و انقلابی بود. لازم به یاد آوری است که رژیم جمهوری اسلامی عوارضی با وجود این عده محدود در محصل تظاهرات را دستمک قرار داده و مزور آنست فعالیتهای انقلابی دانشجویان مترقی را به حساب این عده کار شکن و خرابکار گذاشت. کمیته‌ها همکاری دانشجویان پس از اعلام موفقیت دانشجویان در جلوگیری از فعالیت عناصر ارتجاعی در آن روز، اطلاع میدهند که از این بعد نیز هرگونه حرکت ارتجاعی از طرف این عناصر خائن با مقاومت شدید دانشجویان انقلابی و مترقی روبرو خواهد شد.

### بزرگداشت ۱۳ آبان در صومعه سرا

در سالگرد ۱۳ آبان، روز دانش آموز، رژیم در کلیه شهرها اعلام را هیمناسی کرد. در شهر صومعه سرا نیز ما موران دست نشانده رژیم سعی کردند با نیروهای و شهید شده‌های مردمودانش-آمران را بدنبال خود بتظاهرات بکشند اما دانش آموزان انقلابی هنرستان صنعتی زیر بار زور نرفته و با صف مستقل و با شعارهای انقلابی به خیابانها میریزند که با استقبال مردم زحمتکش روبرو شده و توده‌های آگاه شهریه آنها می بیوندند. ارتجاعی به وحشت میافتد و با هجوم به صفوف مردم برای پراکنده شدن آنها بر و آل همیگی دست به شلیک زدند. در این واقعه هواداران مجاهدین با برخورد سازگارانه و فداثیان (اکثریت) با برخورد خائنه سعی میکردند مردم رزمنده را با سازش با ارتجاع بکشند. هواداران فداثیان (اکثریت) با لجن پراکنی بر علیه مبارزات توده‌های زحمتکش و نیروهای انقلابی بویژه هواداران سازمان "پیکار"، سوکری خود را به رژیم جمهوری اسلامی بنمایش گذاشته ولی توطئه‌ها بیثان در مردم مبارز کارگر نیافتاد.

بدنبال این تظاهرات بیرنگه، مزدوران رژیم مذبحخانه به تعطیل دومرسه اقدام کردند، بی خبر از اینکه نمیتوان با این دسائیس رشد انقلابی توده‌های آگاه و نشر افکار آگاهی بخش را "تعطیل" نمود. خلاصه شده از اعلامیه‌های "کمیته گیلان" سازمان پیکار

### عقب نشینی تاکتیکی رژیم در برابر مبارزه معلمان اخراجی

بدنبال اخراج انبوه معلمان متعهد و انقلابی توسط کمیته‌های با مطلاع پاکساز، جنبش اعتراضی کارکنان اخراجی ابعساد گسترده‌ای بخود گرفت. افشاء گریه‌های سازمان‌های انقلابی و مبارزه اخراجیان، رژیم رسوا را رسوا تر کرد. سردمداران رژیم در مقابل امواج مبارزاتی معلمان و برای ساکت کردن معلمان مبارز و فریب آنان دست به حیل‌های جدید زد. کمیسیون اصل ۹۰ "مجلس شورای اسلامی" طی نامه مورخه ۵۹/۷/۱۲ به نخست وزیر مکتبی کلیسه تصمیمات کمیته‌های پاکساز را پس از ۶ شهریور ۵۹ "غیرقانونی" اعلام میکنند و وزیر مشاور را مرتجع که سردمدار تصفیه و اخراج معلمان آگاه و مبارز بود طی حکمی به موسسات دولتی اجرایی دستور "مجلس" را خواستار شده است. ولی تاکنون هیچکدام از مقامات آموزش و پرورش آنرا اجرا نکرده اند و معلمان را همچنان سر میدوانند. مسئولین آموزش و پرورش با رها گشته اند که معلمان "جیبی" (یعنی مبارزان انقلابی و متعهد) را بهیچوجه بازنمیگردانند. مبارزه معلمان برای لغو احکام "اخراج" علیرغم ششبات و توطئه‌های سردمداران رژیم همچنان ادامه دارد. علاوه بر اخراج شدگان، وزارت آموزش و پرورش از استخدام لیسانسیه‌هایی که قبلا تعهد خدمت سپرده اند خودداری مینماید و چون با کمبود دبیران مواجه است برای تدریس دروس دبیرستانها از دبیلیمه‌های "مکتبی" که از انجمن اسلامی یا "حجت الاسلامی" و یا حزب فراگیر معرفی نامده دارند استفاده مینمایند. بویژه در مورد زنان معلم سختگیری بیشتری اعمال میشود و این از دبیسبار عقب مانده این عناصر "مکتبی" نسبت به زنان و مشکلات آنان ناشی میشود. عنصر مرتجعی بنام حکیمی مسئول مدارس را همناسی در آموزش و پرورش ناحیه ۱۰ مرکز که در مورد استخدام همه کاره است علنا گفته است که معلم زن استخدام نمی کنیم!

هم اکنون تنها در تهران بیش از ۱۲۵ لیسانسیه برای گرفتن حقوق حقه خود مبارزه میکنند. بقیه از صفحه ۲۷ **جرخس...** کودکان "هستند (یعنی مردان برای "شهادت" در مناطق جنگ زده مانده اند!) کمک و یاری رسانند. بهرحال امکانات محدودی که رژیم بطور اجباری در اختیار آوارگان جنگ گذارده و نیز دستور پرداخت حقوق آنها (که از سوی رجائی ما در شده است). تنها و تنها در اثر مبارزه و افشاء گری توده‌های زحمتکش جنگ زده و نیروهای کمونیست بدست آمده و نشان و وحشت عمیق ارتجاع از گسترش امواج اعتراضی مردم زحمتکش و نشر بخشی مبارزات افشاگرانه کمونیستها مینماید.

## ملاحظات کوتاه

### رابطه به جبهه رفتن بزرگان و بردن زخمیها

در شماره های گذشته، خبری داشتیم در مورد بازگشت خامنه ای "اما جمعه تهران" از جنوب و اینکه ایشان بعلت همراه داشتن ۶ پاسدا راز پذیرفتن یک بیما رجنکی در شرف مرگ خودداری کرده بودند. مطلب بالا گواهی است بر نوشته ما. سردمداران جمهوری اسلامی در حیحوه جنگ تجا و زکرا نه ارتجاعی که زحمتکشان میهن ما را با مشکلات فراوان از جمله قحطی، گرانی، کمبود سوخت و سرما... و روبرو ساخته است. برای کامل کردن فیلمهای تبلیغاتی شان و انداختن عکسهای یادگاری برای چاپ در روزی نامه ها و تظاهرات اینکها زمین "تتش و خون" میایند، حتی حاضر نیستند که با هوا بیما ها ایشان مجروحین این جنگ را که خود از مسیبن بیروز هستند به دکترودا روبرو کنند. جان آنان که از رزشمی ندارد! مهم این است که آنها "شهید" میشوند و از نیستی آنان این مفتخوران به قدرت خزیده هستی می یابند.

### "خیرات جنگ!"

از آیت الله خمینی بگیر تا بقیه، همه بکریز از "خیرات و برکات" جنگ حرف میزنند و زحمتکشان ما جز خانه خرابی و آوارگی و سیکاری و از دست دادن عزیزان و جزگرافی و وحشتناک و فلاکت "خیر" ندیده و نمی بینند. این ماهیت سرمایه داران، طرفداران آنها و دشمنان خلق است که در راه حفظ منافع طبقاتی خود توده ها را قربانی میکنند و آنها را علاوه بر اجبار و تهدید، بازبان "خوش" و فریب دادن و گول زدن به جهنمی که خود ساخته اند، سه فرو برد بختی هر چه بیشتر کسبل میدارند.

حقیقتا این جنگ ارتجاعی نمیتوانسته خبری ببار آورد، اما با بدگفت که یک خبر برای مردم بسیار میاورد، و آن بدون شک ریختن هر چه بیشتر توهمهای آنان بر رژیم است. توده ها در این جنگ بهتر از هر وقت دیگر، هدفنا، عملکردها و ماهیت این رژیم را خواهند شناخت اعتمادشان از رژیم کسسته تر خواهد شد. این وظیفه کمونیستهاست که با رهنمودها و سازماندهی آنان برپروسه انقلاب را تسریع کنند، آری این را میشود خیرات جنگ نامید. خبری که جزنا بودی برای دشمنان زحمتکشان معنی نمیدهد.

توضیح:  
در مطلب مربوط به "دادگاہهای اداری..." (پیکار ۸۵ صفحه ۱۹) نام "سکرف نخعی" کفیل وزارت آموزش، "سکرف نخعی" چاپ شده است که بدینوسیله تصحیح میگردد.

## تاکسیرانان زحمتکش!

رژیم کما برای تامین امکانات مالی جیب خریدگالاهای امیربالیستی و اسلحه و مهمات جنگی از امیربالیستها و ارحل... امیربالیسم آمریکا، احتیاج به پول دارد برای این منظور رژیم میکوشد تا از طریق جیره بندی افزایش قیمت ها، افزایش مالیاتها و غیره... توده های مردم فضا را و رد و بیقیمت فخر و فلاکت مردم حیهای خود و سرما بدها را رابر کنند. آخرین اقدام رژیم افزایش قیمت بنزین از یک تومان به ۳ تومان میباشد. این اقدام ضد مردمی بحق با رضایتی مردم زحمتکش ما از جمله رانندگان تاکسی رابرا تکیخته است، زیرا مردم ما بخوبی میداندند که افزایش قیمت بنزین یعنی افزایش تمام اجناس و کالاهای مورد نیاز مردم.

حال دولت ضد خلقی جمهوری اسلامی برای جلوگیری از رشد بی سابقه ناراضیاتی مردم اعلام کرده که قیمت بنزین برای تاکسیها یک تومان است، اما در حال حاضر رانندگان تاکسی باید برای هر لیتر ۳ تومان بپردازند و مابه التفاوت بهای بنزین بعدا برگردانده خواهد شد. رژیم و همه سردمداران آن دروغویانی بیش نیستند مگر همین رژیم نبود که مابه التفاوت ۴۰۰ تومان شنی تاکسی رانان را نبرداخت؟ پس مسلم است که مابه التفاوت ۱۸۰۰ تومانی فعلی را هم پرداخت نخواهد کرد. زیرا، رژیمی که در بحران اقتصادی شدیدی قرار دارد، رژیمی که خواهان ادامه جنگ ارتجاعی میباشد، رژیمی که در پی خرید اسلحه از امیربالیسم خونخوار آمریکا است، آری چنین رژیمی باید خون مردم را بمکد تا منابع مالی خود را بحیران کند. رژیم میکوشد تا رانندگان نا آگاه را فریب بدهد و بعدا اعلام کند که بخاطر "مستضعفان" (و در واقع بخاطر سرمایه داران) ۱۸۰۰ تومان را هم نخواهیم پرداخت.

بعلاوه همانطور که رجائی گفت افزایش قیمت بنزین محدود به زمان جنگ نیست، بلکه این افزایش که جز غارتگری رژیم چیز دیگری نمیباشد برای همیشه تثبیت خواهد شد. بنابراین رژیم نه تنها مابه التفاوت را پرداخت نخواهد کرد، بلکه همچنین از این پس برای همیشه در هر لیتر ۲ تومان از رانندگان غارت میکند. رجائی و قیاحانه میگویی که هر لیتر بنزین برای دولت ۲۲ ریال تمام میشود و از این رو اجازه ای جز افزایش قیمت آن تا ۳۰ ریال نیست این دروغی بزرگ و ادعای واقعا سر آوری است که حتی شاه خائن نیز با تمام عوام فریبیهایش دست به چنین ادعایی نزد کبیست که نداند قیمت تمام شده بنزین در کشوری که روی نفت خوابیده و با دستمزد ارزان کارگر ایرانی بسیار کمتر از ده ریال میشود و در غیرداری رجائی چیزی جز تحمیل فشار جنگ و بودجه نظامی دولت سسر روی کارگران و زحمتکشان نیست.

## کمکهای مالی دریافت شده

ت - د	ت - ب	م	تهران:
۸۷۰۰	۱۵۰۰	۲۲۰۰	الف
۰ - ۳	ع - رفیق	۲۱۰۰	۵۹۹۰
۹۸۰۰	زندانی	۱۴۹۸۰	۶۵۰۰
راینده کامیون	۲۷۰۰	۲۵۰۰	ب
۸۶۰۰	ت	۱۰۰۰۰	۵۹۰۰
تبریز:	۲۹۰۰	۱۹۰۰۰	۱۹۰۰۰
ت	۲۳۵۰	۵۱۰۰	ج
۱۴۰۰۰	۹۴۰۰	۱۱۰۰۰	۱۱۰۰۰
ص	۴	۱۷۵۰	د
۳۵۰۰۰	۱۰۰۰۰	۶۰۰۰	راینده کامیون
۰ - ع	۱۲۷۰۰	۲۵۰۰	۱۲۱۰۰
۶۰۰۰	ن	۲۸۰۰	س
کرج:	ک	۴۴۰۰	۴۲۰۰
۲۳۰۰	۹۰۰۰	۲۵۰۰	۶۲۳۰
۵۱۰۱۰	۸۲۰۰	۶۸۰۰	۳۵۰۰
	میانداوب:	۲۵۰۰	۱۰۱۱۱۰
	ب - و	۲۵۰۰	ک
	۱۰۴۰۰	۴۵۰۰	۵۵۵۵

- تهران:
- ۱- رفیق احمد ۲۲۰۰ ریال
  - ۲- ه - ن ۱۵۰۰۰ ریال
  - ۳- م - الف ۲۰۰۰۰ ریال
  - ۴- رفیق مادر ۳۰۰۰ ریال
  - ۵- کارگر کفاش ۲۵۰۰ ریال
  - ۶- ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه
  - ۷- رفیق کارمند ف ۲۰۰۰ ریال
  - ۸- جوادیه ه - پ ۱۰۰۰ ریال
  - ۹- پرستاران هوا دار ۲۳۰۰۰ ریال
  - ۱۰- راننده تریلی (م - ن) ۵۰۰۰ ریال
  - ۱۱- رفیق م! هدیه ات برای پیشمرگان رسید.
  - ۱۲- رفیق مادر ع - ۴ ۵۰۰ ریال و چند مورد کمک مالی رسید.
  - ۱۳- رفیق رضا هدیه ات به اضافه ۵۰۰۰ ریال رسید.
  - ۱۴- رفیق ر - ۵۶ ۱۰۰۰۰ ریال کمک مالی به اضافه هدیه ارزنده ات رسید.
  - ۱۵- رفقای (ت - ۲۲) هدیه شما برای بیمارستان صحرایی کردستان رسید.

- تبریز:
- ۱- کارگر تراکتور سازی ۵۰۰۰ ریال
  - ۲- رفیق گارچی ۱۲ ساله ۱۰۰ ریال

- لاهیجان:
- ۱- رفیق مادر م - ل ۵۰۰۰ ریال
  - ۲- رفیق ا - ش خانه دار ۵۰۰۰ ریال
  - ۳- رفیق ۲۱۴ - B هدیه ات رسید.

- شهید:
- ۱- دهقانان زحمتکش یک روستا ۲۰۰۰ ریال
  - ۲- رفقای کارگر ۵۰۰۰
  - ۳- رفیق مادر - ن ۱۵۰۰

- اسلامشهر:
- ۱- رفیق م - ش خانه دار ۵۰۰۰ ریال
  - ۲- رفیق فاطمه خانه دار ۲۰۰۰ ریال

- کرج:
- ۱- معلم هوا دار ۱۰۰۰۰ ریال
  - ۲- ب - ی ۵۰۰ ریال

- اسلامشهر:
- ۱- ارمال س - ل ۴۰۰۰ ریال
  - ۲- رودسر - رفیق هوا دار ۳۰۰۰ ریال
  - ۳- میانداوب - ز - و دانش آموز سال چهارم دبستان ۲۵۰ ریال
  - ۴- اردبیل - رفیق مادر م - ۹۹ یک کونی سبب زمینی و د کینورون
  - ۵- خرم آباد ع - ۲۰۰۰۰ ریال
  - ۶- کرمانشاه - رفیق معلم ۳۵۰۰ ریال.
  - ۷- رفقای شهری، هدیه بسیار ارزنده و ضروری شما رسید.

## ملاحظات کوتاه

### تاسیه روی شود هرکه در او غش باشد

درباره فرماندهان ارتش تا هنسای که به امر آمریکا یک شبه "مسلمان و انقلابی و حمر" شدند و از طرف آیت الله خمینی و دیگر مسئولین بس از قیام مورد بدبینترین حمایتها و تمجیدها قرار گرفتند، ما با رها افشاکاری کرده ایم و نشان داده ایم که وجود یک ارتش فدخلقی برای رژیم جمهوری اسلامی نهایت ضرورت را دارد. مادر بیگانه شماره ۶ مورخه ۱۴ خرداد سال گذشته تیمسار رفیریدر رئیس ستاد ارتش جمهوری اسلامی را با استناد به کتابی که او تحت عنوان "عصر استعمارزدائی" نوشته افشا کردیم و کفتم که او از ابتدا تا انتهای کتاب دو خط را دنبال میکند یکی طرفداری از امیرالایم آمریکا و دیگری مدحی از رضا شاه. و حالا پس از ۱/۵ سال پیهاد نویی مشاور نخست وزیر و ارفاذا انقلابی و فراماسونرییامد (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۷ آبان) وقتی ما و دیگر کمونیستها و انقلابیون افشاکاری میکنیم سروصدای آقایان بیرون می آید که "شما فدا انقلابید" "ارتش را تضعیف میکنید" "شما بیعبراکنی میکنید"، "امریکائی هستید" و غیره ولی وقتی کند قضا یا در آمد، وقتی ضد انقلابی های ساواک و ارتش و وابسته به رژیم سابق توطئه ها شان بر ملا شد، سران جمهوری اسلامی به قطره ای از دریای سازشهای خود اعتراف میکنند، اما آیا این اعترافات آنها را از ختم خلق های ما که روز بروز آگاهتر میشوند و به صحبت سخنان و مواضع کمونیستهای بی میبیرند نجات خواهد داد؟ زشکاران و خائنان به خلق چون "غش" دارند "سیره" اند.

### موزن از اول کور نبود!

دو هفته پیش در بیگانه ۷۹ داستان حقه با زانه کوری سرگرد (سرهنگ شده) مؤذن و "قیلمی که رژیم در آورد" را افشا کردیم، بدنیست از بنی - صدر که هنگام روهمدست همینها بوده و هست بشنوید که در "کارنا مدرئیس جمهور" مندرج در انقلاب اسلامی ۱۸ آبان میگوید:

"کسانی نیز یافت میشوند که از راه شعبده بازی، ترس خودشان را در قالب شجاعتهای مصنوعی از داستانهای قلابی می پوشانند. از جمله آنها سرگردی است که من نمیخواهم از او نام ببرم. این شخص ادعا کرده که در جنگ کور شده و طبیی به من اطلاع داده که در چشم او هیچ بیماری نیست و میگوید که شما بنویسید که من برای معالجه با دیده انگلستان بروم و..."

می بینید که این بار "شاهدا زغیب" ترسیده بلکه از خود رژیم رسیده است!

فعال بودند و گذشته از طرحهای کاریسکا تسوری روزنامه های لیبرالی سرمقاله انقلاب اسلامی نوشته غضنفریور که دوباره در روزنامه شان چاپ شد و مقاله طولانی کسبا ن ۲۱ آبان در مورد خائنین رویزیونیست اکثریت فدائیان، از مقاله همان تعرضی لیبرالها برای "اثبات حقانیت" خوبستی وزمینسازای جامع برای پیشبرد سیاستها نشان داده است.

### لیبرالها و ترس از کمونیسم

لیبرالها که در تعرض خود تنها به محاهدین برخورد نکرده اند، (در حقیقت با انعکاس دادگاه سعادتین بنحو مطلوب حتی خواسته اند دل مجاهدین را نیز بیشتر بدست آورند). شیدیدا به کمونیسم کمونیستها و رهبران کبیرش لنین و استالین حمله ور شده اند.

لیبرالها خوب میدانند، دشمن اصلی شان کیست، آنها نمیتوانند با حزب جمهوری اسلامی و با رویزیونیستهای خائش خروشجفی و کارگزاران سوسیال امیرالایم در وحدت بسر برند، اما هرگز نمیتوانند، از وحشت کمونیستها بر خود نلرزند، سلامتیان در مجلس به دوزدوزانی گفت فقط لیبرالایم متعلق به کمونیستها و استالین است در سرمقاله انقلاب اسلامی ۱۷ آبان و مقاله الغای ایدئولوژی غضنفریور و مقاله روزنامه میزان (۲۵ آبان) تحت عنوان "مارکسیسم و زشکاری"، لیبرالها شیدیدا به کمونیستها حمله ور شده اند. "میزان" خائشانه کمونیستها را نیز سازشکار مینامد و با آوردن چند جمله از کتیر (جزوه بیماری چپ روی) میگوید ضمن سوتاندن ماهیت خائشانه اش به کمونیستها شیدیدا حمله کند، میزان میگوید سوال اینک که کمونیستها سازشکار هستند یا نه، مثل این است که بگوئیم جناحیتکاران با انصاف هستند یا نه... تلاش لیبرالها در این است که بگویند، لیبرالایم ساخته دست کمونیستهاست و نیروهای مانند حزب جمهوری نیاید از آن استفاده کنند، علاوه بر آنها، لیبرالها در تعرض خود به حزب طبقه کارگر و دیکتاتور پیرولتاریا (مقاله غضنفریور) بشدت حمله کرده و کوشیده اند تا به خیال باطل خود، توده ها را نسبت به آلترنا تیو کمونیستها بدبین سازند، تعرض لیبرالها به ما همیاسی ما رکسیسم و بخصوص حزب طبقه کارگر و دیکتاتور پیرولتاریا، نشانه هراسی است که آنها از دشمنان طبقه خود دارند، آنها نمایندگان آن طبقه ای که وظیفه دارد بورژوازی را در کور کند خوب می شناسند به صورت جنگ تبلیغاتی لیبرالها بر علیه آلترنا تیو، دو آلترنا تیو ارتجاعی (حزب جمهوری و رویزیونیستهای خروشجفی) و یک آلترنا تیو انقلابی (کمونیستها) در هفته گذشته شدت بیشتری گرفت، چرا که لیبرالها مترصد آنند تا قدرت بسیار بیشتری را در حاکمیت بچنگ آورند و رقیب را به بدیش نظرات خود وادارند، ضمن آنکه آلترنا تیوروسی را دفع

بقیه از صفحه ۲۸ لیبرالها...  
حزب جمهوری نیز مشهود بود لیبرالها به نا شید و تحسین اقدامات بنی صدر در جبهه بردا ختم و برایش در مجلس امضا جمع کردند.  
بنی صدر و دیگر لیبرالها نیز بر سر مسئله ارتش دست به تعرض زدند و به حزب جمهوری و بخصوص محاهدین انقلاب اسلامی در مورد نظراتشان نسبت به ارتش شیدیدا حمله ور شدند، بنی صدر در مقابل سخنان خائنه ای که گفته بود اگریجر روحانیون گوش میدادند، خرمشیر سقوط نمیکرد به آنها که تخمخندارند و سخن میگویند حمله کرد کرد بنی صدر در مورد جزوه محاهدین انقلاب اسلامی در مورد ارتش که برخی از فرماندهان را خائش خوانده بودند، هشاردا دو آنرا برای روحیه ارتشیان نامناسب خواند.

تعرض سیاسی لیبرالها به حزب براساسی ترین مسئله مورد اختلاف، یعنی سرکردگی در ارتش و سیاست خارجی نیز همچنان ادا به دارد. طبیعی است از آنجا که این دو جناح ارتجاعی بر سر شیوه با سازی سیستم سرمایه داری وابسته اختلاف دارند. (در عین وحدت در مقابل انقلاب). این دعوا به این زودبها با بیان نگرفته و با او جگری جنبش توده ها و نشانوانیهای رژیم ابعا دوسیعتری نیز بخود خواهد گرفت. مبارزه طبقاتی زحمتکشان دریا بین بالاشیها را بیشتر بجان هم خواهد انداخت.

### لیبرالها و انعکاس جنگ تبلیغاتی امیرالایم آمریکا و سوسیال امیرالایم روس

حزب توده که پیش از قیام لیبرالها بی چون شریعتمداری، مقدم مرافغای، بازرگان، حاج سید جوادی و... را تبلیغ میکرد (را دیوپیک ونوید) ویسی از قیام نیز به رنگ آمیزی لیبرالها بی از قماش با زرگان و دفاع از حاکمیت دولت موقت می برداخت، اگر چه حزب توده در چهار چوب سازش فعلی جهانی امیرالایم غرب و سوسیال امیرالایم در مقابل انقلاب خلقها (هر چند با حفظ تضادهای درونی) اکنون نیز به دفاع از بنی صدر میبردازد و در مقابل انقلاب خود را طرز به حفظ همین حاکمیت و لیبرالهای درون آن میدانند، اما در چهار چوب تضادهای جهانی، تضادهای مشخصی نیز با این هئیت حاکمه و بخصوص لیبرالهای درون آن دارد، حزب توده که ابتدا با مهندس بازرگان میخواست راه رشد غیر سرمایه - داری و سوسیالیسم روسی برپا دارد، اکنون تقریباً از لیبرالها نا امید شده و به آستانه نیوسی حزب جمهوری اسلامی شتافته است. (اگر چه حزب جمهوری نیز در مجموع به امیرالایم غرب قرابت بیشتری دارد تا سوسیال امیرالایم) بدین ترتیب حزب توده (ویسی از کار ۱۵۹ اکثریت فدائیان)، هم غم خود را در تقویت جناح حزب جمهوری اسلامی در حاکمیت صرف میکنند، بدین ترتیب، چند ماهی است که ما شاهد مخالفت جوئی میان لیبرالها و رویزیونیستهای خروشجفی هستیم، لیبرالها در هفته گذشته در این عرصه نیز



## رهنمود به هواداران درباره فلاکت جنگ و جنبش توده‌ای

۲ - افشای یکی از اهداف اساسی رژیم دیربسر این جنگ یعنی سرکوب جنبش و انقلاب (سرکوب جنبش کردستان، اعدا کمونیستها، دستگیری انقلابیون...) و افشای تبلیغات ارتجاع علیه آوارگان جنگ و حمایت از جنبش امپریالیستی آنان

۳ - افشای رابطه جدایی ناپذیر جنگ با تشدید گرایشی، کمبود و قحطی، رابطه جنگ با افزایش بیگاری فقر و فلاکت توده‌ها، افشای گرایشی بتزین و تاشیر این گرایشی در تداوم ایستادگی مردم.

۴ - افشای احتکار و قحطی مصنوعی توسط سرمایه‌داران، بازاریان و عوام مل رژیم حاکم و افشای سودهای کلانی که دولت و سرمایه‌داران به جیب میزنند.

۵ - افشای سازش رژیم ایران و امپریالیسم آمریکادری حوضه جنگ خرید و تسلیحات امپریالیستی و چهره فریبکارانه "فدا امپریالیستی" رژیم.

۶ - افشای ماهیت و اهداف فایورسیونیهای ارتجاعی نظیر باندهای فدخلقی بختیار و آویسی و... در همین ارتباط افشای رادیوهای ضد-انقلابی.

۷ - افشای همه جانبه نیروهای سازشکاروخائین نظیر سازمان چریکهای فدایی (اکثریت) و حزب ورشکسته توده در میان توده‌ها و افشای هر نیروی سازشکاری که در شرایط کنونی آب به آسیاب رژیم حاکم میریزد.

رفقا در هر کجا که توده‌ها هستند، دست به افشای انقلابی بزنید، در هر کجا که حرکت اعتراضی موجود است، آنرا سازماندهی نموده و جهت دهید، در هر کجا که جنبش مبارزاتی جریان دارد، آنرا به یک حرکت عمومی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی تبدیل نمایید.

رفقا! نارضایتی‌های ناشی از این جنگ غیرعا دلانه را به سکوی گسترش هر چه بیشتر انقلاب تبدیل نمایید.



میشوند...  
رژیم کدبا واقعیت تلخی روبرو شود و در برابر برده‌ها هزاره جنگ که با موضعگیری خصمانه رژیم در مقابل حکومت قرار می‌گرفتند و صحت گفته‌های انقلابیون و بویژه کمونیست‌ها در عمل برایشان ثابت میشد، نمیتوان نسبت بی تفاوتی به نایب و وحشت از افزونی امواج اعتراضی توده‌های آواره جنگ زده مجبور به عقب نشینی شده و در واقع حرفهای خود را پس گرفت. موضعگیری‌های اخیر سردمداران جمهوری اسلامی بینش و آسایش گرایانه و تحقیر آمیز آنها را نسبت به توده‌ها بویژه زنان، نیز نشان داد آنان از مردم میخواهند که بعنوان "مدقده" به آوارگان جنگ که بزعم آنان فقط "زنان" و

هم‌افزون جنگ ارتجاعی، بحران اقتصادی - سیاسی جامعه را مدت فراینده‌ای بخشد و جامعه ما را بسوی بگ‌انفجار توده‌ای سوق می‌دهد. گرایشی، کمبود مواد غذایی، افزایش سرما و آوارگیت کالاهای مصرفی، گران شدن بیسابقه بنزین، کمپای شدن تخم مرغ، کره، قند و دهها مواد دیگر، طولانی شدن بیش از بیست و هفتاد نان و گوشت... همه و همه موجب اوجگیری اعتراضی توده‌ها میگردد. رژیم جمهوری اسلامی سربرای رهایی خود از این بحران اوجگیرنده و برای ادامه جنگ در جهت ناسین منافع خود، سبزه زهرمان دیگر، کارگران و زحمتکشان ما را تحت فشار سنگین فلاکت اقتصادی قرار میدهد. حیره سندی مواد غذایی و بویژه افزایش چشمگیر قیمت بنزین هم‌این فشار اقتصادی را سنگین تر و عمیق تر خواهد نمود. امروز نشانه‌های باز قحطی و گرسنگی ناشی از بحران و جنگ عرصه‌های مختلف زندگی زحمتکشان را در بر گرفته است.

رفقا! باید از این شرایط بسودگسترش انقلاب بهره‌جست، باید با رضایتی توده‌ها را به سطح یک مبارزه انقلابی علیه حکومت ارتجاعی بخشید. تحقق این هدف بیش از هر زمان دیگر ملزم به شرکت هر چه فعالانه تر در جنبشها و حرکتیهای اعتراضی توده‌ها میباشد. کارگاه - کارانه حول این جنگ ارتجاعی... در میان توده‌ها، بسیج و سازماندهی حرکت‌های اعتراضی آنها یعنی از هر زمان دیگر بگری کمونیست‌ها ضرورت می‌یابد. ما باید در میان توده‌ها، هر کجا که هستند، برویم و به حول این جنگ ارتجاعی به افشای ارتجاع بپردازیم.

مضامین کار تبلیغی و ترویجی ما چگونه باید باشد

۱ - افشای سیاستهایی که به این جنگ منجر شده، ماهیت جنگ و اهداف دور رژیم ارتجاعی ایران و عراق.

تحملی کنونی کمونیستهای بیکی با افشای ماهیت این جنگ ارتجاعی مردم زحمتکش را از عواقب و مصیبت‌های این جنگ آگاه میساختند و بسا امکانات و توان خود بسیاری مردم جنگ زده و آوارگان این جنگ خانمان برانداز شتافته و می‌شتابند. آوارگان زحمتکشی که بدون کوچک ترین امکاناتی راهی بیابانها و شهرها میگشتند به عوارض ناشی از آن جنگ پی برده و توهم آنها نسبت به هیئت حاکمه و بویژه ماهیت این جنگ ریخته و با نفرب و انزوا را از این جنگ در مقابل رژیم جمهوری اسلامی قرار می‌گرفتند آنها به بوجی تبلیغات عوام فریبانه و شوینستی و... سردمداران رژیم بیشتر پی برده و در مقابل خواستهای عادلانه‌شان با انبوه ناسزاها و دشنامها و برچسب‌های دولتمردان روبرو و

## چرخش در سیاست رژیم نسبت به توده‌های جنگ زده

دروزیهای اخیر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در سر خوردن به مردم جنگ زده آواره، موضعی کاملاً مغایر با آنچه که در هفته‌های نخست جنگ می‌گرفتند، اتخاذ کرده‌اند. اینان که مردمی - دفاع مناطق جنگ زده را تسوی میگردند که در زیر باران بمب‌ها و راکت‌ها و خمپاره‌ها بمانند و "شهید" شوند، اینان که با صدور بیخشنا همیشه اطلاعیه، کارکنان غایب مناطق جنگ زده را "مسلان" قوانین زمان جنگ "قلندار" میگردند، اینان که کودکان بیگانه را با بمباران کشتار میکنند تا با انفجار بمب‌ها و گلوله توپها به فلاکت برسند اینان که افرادنا آگاه را تشویق کردند تا بسر صورت آوارگان جنگ "تف" بیاندازند، اینان که در تبلیغات ارتجاعی‌شان بدترین تمهت‌ها و ناسزاها را از قبیل "وطن فروشان بزدل"، "فراریان بی وطن"، "جاسوسان امریکایی"، "و... نشان مردمیکه در جستجوی سرپناهی بوده و با تحمل مشکلات فراوان خانه و گاشانه خود را رها کرده و آواره شهرها میگشتند، میگردند، اینان که کوچکترین کمکی به اسکان آوارگان جنگ نگردند و قدمی در راه نجات جانیشان بر نمی‌داشتند، اینان که... ناگهان با فکر کمک به "مدها هزار" آواره جنگ که با از دست دادن عزیزان بشمار، هستی از دست داده و خانه و زندگی خود را رها کرده و آواره شهرها و بیابانها شده‌اند، افتادند - اندواز مردم میخواهند که به آنان پناه داده و لباس و خوراک در اختیار آنان بگذارند، اما مردم زحمتکش ما از خود می‌پرسند چگونه شد که دولتمردان جمهوری اسلامی "لطیف و عنایست اسلامی" را جایگزین آن فحش‌ها و ناسزاها کردند؟ مردمیکه جمله‌های آیت الله دستغیب‌ها آیت الله طاهری‌ها، خامنه‌ای‌ها و... هنوز گوششان را از آزار میدهد غلت "دلجویی" های آیت الله منتظری و دیگران را از خود می‌پرسند، مردم جنگ زده خرمشهر از خود سؤال میکنند که چطور شد "نماینده" خرمشهر در مجلس بیکیا ره روز ۱۸ آبان یادش می‌افتد که به مسئولیتی کسسه "مهاجرین جنگ زده را متهم به فرار از مناطق خود کرده بودند" اعتراضی کند و بگوید "هیچ مکتبی این مسئله را قبول نمی‌کند که آقا شما در خانه‌ها نشین و اگر نا بودندی تورا به عنوان شهید به حساب می‌آوریم" (کیهان ۱۹ آبان)

از اولین روزهای جنگ تاج و زگرانسه و

# لیبرالها: تعرض سیاسی



## میزان، انقلاب اسلامی و کیهان یاران غمگسار امپریالیسم آمریکا

جنگ نه تنها تفاهای درون هیئت حاکمه را کاهش نداد، بلکه جنگ قدرت را وارد مرحله شدیدتر و حادتری نمود. لیبرالها یا اتکا به ارتش کوشیدند مواضعی را که در هنگام آغاز کار مجلس و انتخاب رجا بی عنوان نخست وزیر از دست داده بودند، ترمیم بخشند، اما در عوض مدام زیر حملات حزب جمهوری اسلامی قرار داشته و به عقب نشینی‌های نیز دست زدند. حزب جمهوری اسلامی با در دست داشتن مجلس و کابینه بی درستی موفقیت‌های بیشتری بجنگ آورده و از نظریه‌های لیبرالها تعرض کرده و با شکست در جنگ را بدوش ارتش و لیبرالها می‌انداخت. جنگ بر سر تسلط بر رادیو، تلویزیون، جنگ قدرت را ابعاد وسیعتری بخشید. حمله لیبرالها بسا مواجبه قطب زاده در تلویزیون شبکه ۲ به ضد حمله حزب جمهوری اسلامی و دستگیری قطب زاده انجام میداد این ضد حمله نیز با فوغای تبلیغاتی لیبرالها و فشار بازاریان و روحانیون لیبرال و... خنثی شد.

جنگ ایران و عراق و اهمیت یافتن بیش از پیش ارتش، نیاز به سلاحها و وسائل یکدستی آمریکا، نیاز به سیستم سرمایه داری وابسته به عادی تر شدن روابط با امپریالیسم و لغو تحریم اقتصادی که خواست رژیم ایران از آمریکا است در کناره‌ها مسئله گروگانها در مجلس با نازلترین شرایط ممکنه، شرایط مناسبی را برای تعرض لیبرالها فراهم کرده است.

روزنامه‌های زیر سلطه لیبرالها یعنی کیهان یزدی میزان با زرگان و انقلاب اسلامی بنی مسند یکمدا با یکدیگر و بر مبنای یک خط واحد به رنگ آمیزی امپریالیسم آمریکا، حمله به سویال امپریالیسم شوروی و مزدوران (البته از موضع منافع امپریالیستهای غرب و نه از موضع توده‌های میهن)، تعرض به "بی قانونیها و قدرت طلبی‌های جناح رقیب" و بخصوص حمله به کمونیستها پرداخته‌اند.

### سوزاندن پرچم آمریکا آتش تجان لیبرالها

لیبرالها که همواره در جهت بازسازی کالمتر سرمایه داری وابسته، خواهان بهبود و گسترش سریع روابط با امپریالیسم آمریکا

بوده‌اند، در هفته گذشته، بیش از پیش برای حصول به چنین امری، دست به تعرض زدند. انقلاب اسلامی ۲۵ آبان در تحلیل خود در مورد آمریکا، گروهکها و انتخابات، ضمن دفاع از حزب دموکرات آمریکا، اعلام کرد که "در انتخاب ریگان ایران مقصر بوده است."! انقلاب اسلامی معتقد است که اگر دست به اقدامات "بی رویه و نادرستی" زده نمیشد، ریگان انتخاب نمی‌گردید. با وجود اینکه این روزها مدلیبرالی به ادا و اطوارهای دروغین "فدا میریالیستی" جناح رقیب (حزب جمهوری اسلامی) اشاره دارد، اما بعین اشکار است که لیبرالها روحیه فدا میریالیستی توده‌ها را نشانه رفته و گذشته از تعرض به جناح مقابل و افشای حرکات دروغین آنان، در واقع خواهان روابطی عادی و حسنه با امپریالیسم هستند و برای این، با تعرض به جوهر و حیه فدا میریالیستی توده‌ها، میکوشند زمینه "ماه عمل" رژیم را با امپریالیسم آمریکا دید آ و روند. لیبرالهای انقلاب اسلامی که معمولاً زیرکانه سخن میگویند اینک آشکارا به تبلیغ جناحهای مشخصی از

امپریالیسم آمریکا دست زده، خشم خود را از عادی نبودن روابط با امپریالیسم آمریکا بنه‌ان نمی‌دارند. آنها در حالیکه اهداف رقیب خود، در دادن شعارهای دروغین فدا میریالیستی را می‌شناسند و میداندند که درسی اقدامات حزب جمهوری، نه تلاش برای مبارزه با امپریالیسم بلکه فریب توده‌ها و حفظ منافع امپریالیسم نهفته است، با اینهمه خشم خود را از آتش زدن پرچم آمریکا، کشور معبود خود پنهان نمی‌دارند.

انقلاب اسلامی می‌نویسد: "متوکل شدن به شیوه‌های سنجیده و کودکا نه‌ای چون پرچم‌سوزی و حمل زیانه در پرچم‌ملتی که پرچم خود را مقدس‌ترین سمبل و نشانه ملیت خود می‌پندارند... و بدین ترتیب انقلاب اسلامی بعین به رنگ آمیزی چهره گریه امپریالیسم آمریکا می‌پردازد. درست است که جناح حزب جمهوری اسلامی نیز در حفظ و حراست منافع امپریالیسم با لیبرالها همراه بوده، اما به شیوه خویش و در این راه برای فریب توده‌ها به دشنام‌گویی به امپریالیسم نیز پرداخته است. تعرض لیبرالها در این زمینه دارای دو جنبه اساسی است از یکسو مقابله با روحیات فدا میریالیستی توده‌ها و از سوی دیگر نشان دادن محت نظراتش در مورد بازسازی سرمایه داری وابسته به جناح مقابل تا آنها را وادار به پذیرش نظرات خود نماید. لیبرالها برای رسیدن به اهداف خود فعلاً با سه‌آلترناتیو و سب‌رو هستند.

### لیبرالها و جنگ قدرت با حزب جمهوری اسلامی

یک آلترناتیو، حزب جمهوری اسلامی است در دو هفته گذشته تعرض سیاسی به جناح رقیب وارد مرحله جدیدتری شد آن مبارزه بر سر بدست گرفتن رادیو و تلویزیون بود، پیروزیهای حزب در مجلس، تعرض لیبرالها را در مواجبه تلویزیونی قطب زاده بدنبال داشت و ایمن دستگیری خودیها نه‌ای فراهم کرد، تا لیبرالها دست به تبلیغات وسیعی برای بهبود وضعیت خود بزنند. عنصر لیبرال و خائنی چون قطب زاده به عرش اعلا برده شد و حزب جمهوری اسلامی وادار به عقب نشینی گشت، فریاد "واقانون اساسی" بلند شد و لیبرالهای خائنی چون بازرگان و بنی مدرکه در کناره جلادان حزب جمهوری اسلامی دستشان به خون هزاران کارگر، زحمتکش و کردو ترکمن آغشته است، صحبت از آزادیها و قاننون کردند. نمایندگان لیبرال مجلس اعتراض کردند و اشرافی و نوری و بازرگان و یزدی و دیگر لیبرالهای شناخته شده در انقلاب اسلامی و کیهان و میزان به تاخت و تاز پرداختند، تنها جم لیبرالها در زمینه دفاع از بنی مدرکه مقابل

بقیه در صفحه ۲۴

### تاکنون ۷ پیکارگر قهرمان در خوزستان جنگ زده بشهادت رسیده‌اند

در شیردغیر عا دلایه کنونی، رفقای قهرمان ما زمان ما دلورا نه در کناره توده‌ها به تبلیغات و امدا دویاری به جنگ زدگان می‌پردازند، علاوه بر رفقای شهید محمد شرفی، منوچهر نیک اندام، شکرالله دانشیار، حسین نورائی و حمید رحمانپور که جریان شهادتشان را در شماره‌های گذشته آوردیم، دورفیق بیگارگر قهرمان دیگر رفیق غلامسقا و پیرام شاهوران از رفقای ما زمان بیگار در جریان جنگ هنگام انجام وظیفه ما زمانی بشهادت رسیدند. ما زندگینماه این رفقای قهرمان را در شماره آینده خواهیم آورد. حضور دلورا نه رفیقانمان در حربه‌های جنگ نشانه میثاق خونین سازمان ما با زحمتکشان ایران است

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست